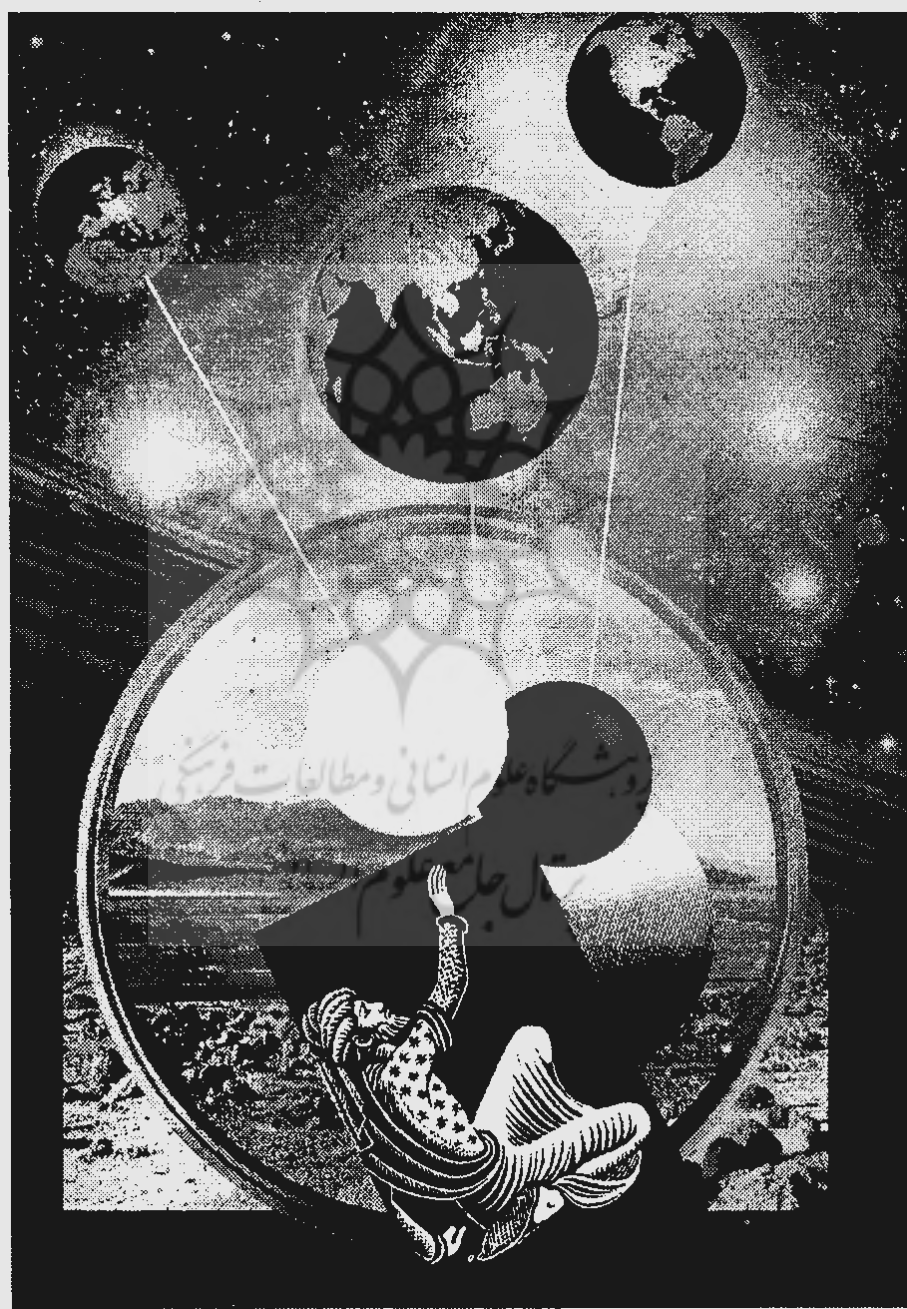


دستگاه‌های اجرایی کشور در افق

ایران 1400



□ طرح ایران 1400 که با تفکر احیای تمدن اسلامی، در طول برنامه بلندمدت 25 ساله مورد توجه سازمانها و دستگاههای اجرایی کشور قرار گرفت، چهارچوب اساسی یک حرکت ملی توسعه راپی می‌افکند.

آنچه در برنامه ((ایران 1400)) به مثابه خط‌مشیها و راهبردهای کلی مدنظر قرار گرفته، مجموعه‌ای از ((اصلاح ساختارها و سازوکارها و ایجاد بستر مناسب برای نیل تکامل انسانی و رشد و توسعه پایدار و حصول خوداتکایی و قطع وابستگی به نفت همراه با توزیع عادلانه ثروت و درآمد و ...)) است. راهکار پیش‌بینی برای تهیه برنامه، شامل ((تبیین دقیق و جامع وضع موجود پیش‌بینی روند آینده بر اساس وضع موجود،

تشخیص و تبیین وضع مطلوب و آرمانی و طراحی و تدوین سیاستها و خط‌مشیها و راهبردها برای گرایش به‌سوی هدف مطلوب است.))

در همین راستا، فصلنامهٔ رهیافت برآن شد تا در شمارهٔ ویژه ایران 1400، عملکرد دستگاههای اجرایی شامل: ((مبانی و رویکرد اصلی در راستای طراحی افقها و برنامه های آتی)) را به چاپ برساند. در همین خصوص با بسیاری از وزارتخانه‌ها و سازمانهای اجرایی کشور مکاتبه شد که برخی از وزارتخانه‌ها رویکرد اصلی در برنامه ایران 1400 خود را به دفتر فصلنامه ارسال کردند ولی برخی از وزارتخانه‌های دیگر حاضر به ارائه گزارش نشدند.

ذکر این نکته نیز لازم است که این گزارشها قبل از تغییرات در هیأت دولت جدید در سطح وزارتخانه‌ها ارسال شده است که ممکن است بعدها مورد تغییرات اصلاحاتی قرار گیرد.

رسالتها و خط‌مشیهای

نظام آموزش عالی برای ایران 1400



مقدمه

نقش تعیین‌کنندهٔ آموزش عالی در توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع و گسترش مرزهای دانش در عرف بین‌المللی یک باور عمومی است. در دو دههٔ اخیر، آموزش عالی به‌عنوان یکی از مهمترین عناصر تشکیل‌دهندهٔ جوامع پیشرفته نقش بسیار مهم و حیاتی در

رشد و توسعه علوم ایفا نموده است. در آستانه قرن بیست و یکم که جهان به سمت محوریت دانش پیش می‌رود و نیاز به متخصصان و مدیران آشنا به علوم پیشرفته بیش از پیش احساس می‌شود، آموزش عالی نیز مسئولیت سنگینی را در قبال اجتماع و جامعه جهانی بر دوش خود احساس می‌کند.

توسعه منابع نیروی انسانی مورد نیاز جامعه شامل تربیت دانشمندان، متخصصان، مدیران و مربیان و ... تولید دانش از طریق پژوهش، کمک به انتقال و تطبیق علوم و فناوری ارائه خدمات علمی، فنی و مشاوره‌ای به دولت و سایر بخشهای جامعه، ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه و همچنین مشارکت در تحولات جامعه جهانی، از رسالتهای حساس آموزش عالی

به حساب می‌آیند. امروزه در ادبیات توسعه التزام اجتماعی آموزش عالی ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. به عنوان مثال، نیاز جامعه به آموزش و کسب مهارت و بازآموزی مستمر و مادام‌العمر و همچنین نیاز جامعه به دانش‌آموختگانی با ظرفیت فکری و خلاقیت بالا که بتوانند به طور مستمر اطلاعات خود را به‌روز کرده مهارت‌های جدیدی را فراگیرند و در دنیای متحول بازارکار، کارآفرینی نمایند بیش از پیش احساس می‌شود.

در این میان، نظام آموزش عالی در ایران با توجه به وضعیت خاص محیطی خود (وجود سوابق و میراث درخشان علمی و فرهنگی در دوران اسلامی، وجود منابع غنی نیروی انسانی و استعداد‌های درخشان، موقعیت خاص

ژئوپولیتیک، فرهنگی و عقیدتی در منطقه، سیطره زبان فارسی در بسیاری از کشورهای همجوار انتظارات جامعه اسلامی از نظام آموزش عالی) رسالت‌های سنگینی را در ساختن ایران اسلامی فردا و احیای تمدن اسلامی بر عهده خواهد داشت.

هدف کلی طرح حاضر نگرشی جامع و علمی بر مجموعه رسالت‌های آموزش عالی کشور و انتخاب خط‌مشی‌های مناسب برای افزایش کارایی و اثربخشی این نظام در ایفای رسالت‌های سنگین اجتماعی و فرهنگی است. دستاوردهای مورد انتظار طرح عبارتند از:

– ایجاد یک زبان تفاهم مشترک در سطح ملی، بین مراجع مختلف تصمیم‌گیری و کلیه مسئولان و دست‌اندرکاران آموزش عالی

در زمینه نقش و رسالت‌های آموزش عالی در ایران؛
 _ توافق برسر راهبردهای مناسب آموزش عالی در دوران توسعه به‌نحوی که امکان برنامه‌ریزی عملیاتی مؤثر و هماهنگ برای مسؤولان آموزش عالی وجود داشته باشد؛
 - رفع مشکلات ساختاری نظام آموزش عالی در جهت ایجاد یک نظام هماهنگ قابل انعطاف و پویا، اجتناب از تعداد مراکز تصمیم‌گیری و تداخل وظایف و در نهایت، افزایش کارایی و بازدهی آن.

1- رسالت‌های آموزش عالی ایران 1-1 توسعه و نشر علوم، معارف و ارزش‌های اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
 1-1-1-1 تعمیق معرفت دینی و آگاهی‌های مردم؛

1-1-2- پرورش فطرت خدادادی انسان، تقویت روح تتبع، تعقل، تدبیر، تذکر، خلاقیت و ابتکار؛
 1-1-3- رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان، تقوی و حذف کلیه مظاهر فساد؛
 1-1-4- ایجاد فضای آزاد و سالم برای تضارب افکار و عقاید و مباحثات مهم عقیدتی؛
 1-1-5- غنابخشیدن به میراث علمی و فرهنگی کشور؛
 1-1-6- رشد فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و ملی در جامعه، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1-2- گسترش مرزهای دانش و اعتدالی موقعیت علمی کشور در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

1-2-1- ارتقاء و توسعه علوم و تحقیقات بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای؛

1-2-2- رسیدن به خودکفایی در علوم و فنون مورد نیاز کشور؛
 1-2-3- ایفای نقش در تولید علم و دانش در سطح بین‌المللی؛
 1-2-4- رسیدن به شاخص‌های مطلوب علمی در سطح ملی و بین‌المللی؛
 1-2-5- ایفای نقش در تولید علم و فن‌آوری در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
 1-3- تربیت و توسعه منابع انسانی
 1-3-1- رسیدن به خودکفایی از نظر تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد؛
 1-3-2- فراهم شدن زمینه برای شکوفایی استعدادها درخشان؛
 3-1-3- توسعه ظرفیت فکری، خلاقیت و ابتکار در دانش‌آموختگان.

- 1-4-1- ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه فراگیر شدن آموزش در سطح جامعه؛
- 1-4-2- ارتقاء آگاهیهای علمی، فنی، فرهنگی و سیاسی جامعه؛
- 1-4-3- رشد فضایل اخلاقی و ارزشهای اسلامی مانند نظم، وجدان‌کاری، امر به معروف و نهی از منکر و... و حاکمیت آنها بر رفتار فردی و اجتماعی؛
- 1-4-4- توسعه فرهنگ مکتوب در جامعه.
- 1-5- توسعه ارتباطات نظام آموزش عالی با جامعه (التزام اجتماعی آموزش عالی)
- 1-5-1- حضور مؤثر نظام آموزش عالی در تدوین و اجرای برنامه‌ای توسعه پایدار جامعه؛
- 1-5-2- حضور مؤثر نظام آموزش عالی در شناسایی و تنگناهای جامعه و یافتن راه‌حلهای علمی برای رفع آنها و ارتقای کیفیت زندگی مردم؛
- 1-5-3- تحول علمی، فنی، اقتصادی و فرهنگی جامعه؛
- 1-5-4- کاهش وابستگی کشور به علوم و فن‌آوری وارداتی؛
- 1-5-5- مشارکت هرچه بیشتر مردم در توسعه نظام آموزش عالی.
- 1-6- تقویت و گسترش زبان و ادب فارسی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی
- 1-6-1- غنی‌یافتن زبان فارسی و بی‌نیازی آن از واژه‌ها و فرهنگ بیگانه؛
- 1-6-2- توسعه منابع فرهنگ و ادب فارسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- 1-6-3- افزایش کرسیهای زبان فارسی در کشورهای منطقه و در سطح بین‌المللی؛
- 1-6-4- بالابردن حدنصاب استادان زبان و ادب فارسی.
- 1-7- توسعه ارتباطات و همکاریهای علمی و فرهنگی در سطح منطقه و بین‌المللی
- 1-7-1- گسترش معارف اسلامی در سطح منطقه و بین‌المللی؛
- 1-7-2- تبادل هرچه بیشتر تجارب آموزشی و پژوهشی در سطح منطقه و بین‌المللی؛
- 1-7-3- حضور فعال در مجامع و محافل فرهنگی، علمی و ادبی در سطح منطقه و بین‌المللی؛
- 1-7-4- گسترش فن‌آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی؛

- 5-7-1- حضور فعال و مؤثر در شناسایی و حل بحرانها و معضلات جامعه جهانی مانند فقر، بهداشت عمومی، حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی.
- 2- خط مشیهای اساسی آموزش عالی
- 1-2- ایجاد تحول اسلامی در دانشگاهها
- 1-1-2- برقراری فضای باز و سالم برای طرح آزادانه افکار و عقاید و احیای سنت اسلامی بحث آزاد و پرورش روحیه تتبع، تعقل و تفکر علمی؛
- 2-1-2- ایجاد یک نهضت و موج جدیدی از بسیج فکری در دانشگاه در جهت ایجاد یک تحول درونزا و پایدار؛
- 3-1-2- تعمیق معرفت دینی و آگاهیهای سیاسی- اجتماعی در دانشگاهها؛
- 4-1-2- نهادینه کردن پژوهشهای اسلامی در
- دانشگاهها در جهت تولید دانش اسلامی و نرم افزارهای اجتماعی؛
- 5-1-2- تربیت و تأمین هیأت علمی آشنا با علوم و معارف اسلامی؛
- 6-1-2- بازنگری و تولید منابع علمی مورد نیاز به ویژه در رشته های علوم انسانی؛
- 7-1-2- برقراری ارتباط مؤثر بین حوزه و دانشگاه؛
- 8-1-2- تسهیل ارتباط متقابل دانشگاه و جامعه؛
- 9-1-2- رفع موانع محیطی و تأمین منابع و امکانات لازم برای اسلامی شدن دانشگاهها (احترام به منزلت اجتماعی علم و عالم در جامعه و التزام عملی مسئولان نسبت به آن، حل مسائل معیشتی استادان، حل مسائل معیشتی دانشجویان بویژه مشکل ازدواج و...);
- 10-1-2- تقویت ارتباطات بین المللی دانشگاهها در جهت
- برقراری گفت و شنود متقابل بین ادیان و مکتبهای فردی؛
- 11-1-2- رعایت معماری اسلامی در توسعه فضای کالبدی دانشگاهها؛
- 12-1-2- ایجاد و یا توسعه مراکز مطالعات و پژوهشهای دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی؛
- 2-2- انجام دادن اصلاحات ساختاری در نظام آموزش عالی
- 1-2-2- تفویض اختیارات عملیاتی لازم به دانشگاهها و هیأت های امنای مربوط به منظور ارتقاء کارایی، پویایی و ثمربخشی اجتماعی آموزش عالی (بازنگری در نحوه اداره امور دانشگاهها)؛
- 2-2-2- بازنگری در وظایف و اختیارات مراجع مختلف تصمیم گیری در جهت اجتناب از تعدد مراکز تصمیم گیری در آموزش عالی

(یکپارچه سازی نظام آموزش عالی)؛

2-2-3- اصلاح قوانین و مقررات موجود در جهت افزایش بازدهی و کارایی نظام آموزش عالی؛

2-3- توسعه ارتباط دانشگاه با جامعه (التزام اجتماعی آموزش عالی)

2-3-1- مشارکت مؤثر دانشگاهها در فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز طرحهای مهم ملی؛

2-3-2- تربیت نیروی متخصص و متعهد مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛

2-3-3- مشارکت مؤثر در طراحی، ایجاد، توسعه و تقویت فن آوری ملی بویژه بسیج امکانات در جهت توسعه آن دسته از علوم و

فن آوری که به مزیت‌های نسبی اقتصادی کشور می‌انجامد؛

2-3-4- مشارکت مؤثر در انتقال و تطبیق فن آوری نوین با توجه به مؤلفه‌های مختلف این گونه فن آوری؛

2-3-5- توسعه دانش مدیریت در جامعه؛

2-3-6- مشارکت در شناسایی و حل معضلات و بحرانهای اجتماعی؛

2-3-7- توجه به بازارکار و نیز تدوین و ایجاد رشته‌های جدید برای احراز مشاغل جدید؛

2-3-8- همکاری در تأمین نیازهای سایر بخشهای آموزش کشور بویژه تربیت معلمان و مربیان آشنا با دانش روز و بازآموزی و به روز درآوردن دانش و مهارت‌های آن؛

2-3-9- مشارکت مؤثر فرهنگستانها در آموزش عالی

و در جامعه و همکاری مؤثر با فرهنگستانهای علوم؛

2-3-10- ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، علمی، فنی و مشاوره‌ای به بخشهای مختلف جامعه؛

2-3-11- تلاش و مشارکت در جهت شناسایی و حل معضلات و بحرانهای بین‌المللی مانند فقر، محیط زیست، جمعیت، حقوق بشر، صلح و امنیت جهانی.

2-4- توسعه پژوهش و نهادینه کردن آن در دانشگاهها

2-4-1- محور قرار دادن پژوهش در برنامه های آموزشی و درسی و مبتنی ساختن آموزش عالی بر پژوهش با هدف ایجاد روحیه خلاقیت و پژوهشگری از ابتدای دوره‌های آموزش عالی و در نهایت تبدیل آموزش عالی به یک چشمه

- 2-4-8- توسعه همکاریهای علمی، تحقیقاتی در سطح منطقه و بین‌المللی؛
- 2-4-2- افزایش اعتبارات پژوهشی (سهم تحقیقات در تولید ناخالص داخلی) و رفع موانع اداری مالی در جذب آنها؛
- 2-4-3- بهره‌برداری بهینه از امکانات و تجهیزات پژوهشی کشور؛
- 2-4-4- افزایش کارایی تحقیقات دانشگاهی در جهت رفع نیازهای بخشهای مختلف جامعه و توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور و ایجاد رقابت بین پژوهشگران، دانشگاهها و مراکز پژوهشی در این جهت؛
- 2-4-5- ارتقاء منزلت مادی و معنوی پژوهشگران؛
- 2-4-6- توسعه منابع انسانی آموزش عالی بویژه محققان با کیفیت بالا؛
- 2-4-7- توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛
- 2-6- توسعه آموزش عالی و فراگیر کردن آن در جامعه (آموزش برای همه)
- 2-6-1- توسعه آموزش عالی درجهت رسیدن به شاخصهای مطلوب ملی و بین‌المللی؛
- 2-6-2- ارائه آموزشهای عمومی برای اقشار مختلف مردم (دوره‌های کوتاه‌مدت، تک‌درس، نیمه حضوری و ... روز و نیاز جامعه)؛
- 2-5-1- ایجاد رشته‌های راهبردی و جدید و بین رشته‌ای مطابق با نیاز جامعه و تحولات بین‌المللی؛
- 2-5-2- برگزاری دوره‌های مدیریت و کارآفرینی برای فارغ‌التحصیلان در جهت آماده‌سازی آنان برای ورود به بازارکار و ایجاد روحیه کارآفرینی بجای کارجویی در دانش‌آموختگان.
- 2-6-3- توسعه آموزشهای تخصصی و حرفه‌ای؛
- 2-6-4- اصلاح هرم دانشجویی درجهت توسعه تحصیلات تکمیلی و رسیدن به شاخصهای مطلوب در این زمینه؛
- 2-6-5- جلب مشارکت مردمی در توسعه آموزش عالی غیرانتفاعی؛

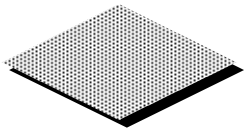
- 2-6-6- گسترش جریانهای متنوع آموزش عالی.
- 2-7-2- حفظ و ارتقاء کیفیت آموزش عالی با توجه به گسترش کمی و ضرورت فراگیرکردن آن در جامعه
- 2-7-1- ایجاد قطبهای کیفی در آموزش عالی برای حفظ کیفیت و استاندارد و الگوسازی برای سایر مؤسسات آموزش عالی و بویژه پرورش و جذب استعدادهای درخشان و جذب متخصصان خارج از کشور؛
- 2-7-2- ارتقاء سطح علمی استادان از طریق افزایش فرصتهای مطالعاتی و شرکت در گردهماییهای علمی و تخصصی ملی و بینالمللی؛
- 2-7-3- ملزم ساختن کلیه مؤسسات آموزش عالی به رعایت شاخصهای کیفی از قبیل نسبت استاد به دانشجو؛
- 2-7-4- اعتبارگذاری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و تعیین رشتههای ممتاز؛
- 2-7-5- توسعه فضاهای کالبدی، تجهیزات و زیرساختهای لازم برای حفظ و ارتقای کیفیت.
- 2-8- توسعه منابع انسانی آموزش عالی
- 2-8-1- اصلاح هرم هیأت علمی؛
- 2-8-2- جذب نیروهای متخصص خارج از کشور؛
- 2-8-3- افزایش ظرفیت اعزام دانشجو به خارج ایجاد تسهیلات برای اعزام آزاد؛
- 2-8-4- حفظ نیروهای متخصص داخلی و ایجاد زمینههای مساعد و انگیزههای لازم برای جلوگیری از فرار مغزها؛
- 2-8-5- ارتقاء سطح علمی مربیان؛
- 2-8-6- توسعه دورههای تحصیلات تکمیلی در داخل بویژه در مقطع دکتری؛
- 2-8-7- فراهم کردن زمینه برای جذب مدرسان و محققان با کیفیت بالا.
- 2-9- توسعه منابع مالی آموزش عالی
- 2-9-1- اعطای اختیارات کافی به دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در عقد قراردادهای ارائه خدمات علمی، فنی و پژوهشی با سایر بخشهای اقتصادی- اجتماعی و هزینهکردن درآمدهای حاصل به منظور تنوع بخشیدن به منابع مالی دانشگاهها؛
- 2-9-2- تشویق و حمایت از سنت حسنه وقف و امور خیریه و جلب مشارکت مردمی در سرمایه گذاری در آموزش عالی و خدمات جنبی (احداث خوابگاه و...)

ارتباط بین خط مشیهای اساسی و رسالت‌های آموزش عالی

راهبردهای اساسی نظام آموزش عالی	رسالت‌های آموزش عالی	
<p>- توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در زمینه علوم و معارف اسلامی؛</p> <p>- برقراری نظام آزاد و سالم برای طرح آزادانه افکار، عقاید و احیای سنت اسلامی بحث آزاد؛</p> <p>- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و ارزشهای اسلامی بر اساس ایمان و تقوی؛</p> <p>- کمک به بازیابی و پرورش فطرت خدادادی انسان، تقویت روح تتبع، تعقل، تدبیر، تذکر، خلاقیت و ابتکار در زمینه‌های مختلف علمی، فنی، هنری و فرهنگی؛</p> <p>- اسلامی کردن دانشگاهها؛</p> <p>- تربیت و توسعه منابع انسانی آشنا با علوم و معارف اسلامی؛</p> <p>- توسعه پژوهش‌های اسلامی در دانشگاهها در جهت تولید دانش اسلامی و نرم افزارهای اجتماعی</p> <p>بویژه در رشته‌های علوم انسانی؛</p> <p>- برقراری ارتباط مؤثر بین حوزه و دانشگاه؛</p> <p>- تقویت ارتباطات بین المللی دانشگاهها در جهت برقراری گفت و شنود بین ادیان و مکتبهای مختلف؛</p> <p>- حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی کشور؛</p> <p>- تعمیق معرفت دینی و آگاهیهای سیاسی - اجتماعی در دانشگاهها؛</p> <p>- ایجاد و یا توسعه مراکز مطالعات و پژوهش‌های دینی، فرهنگی، هنری و اجتماعی.</p>	<p>توسعه و نشر علوم، معارف و ارزشهای اسلامی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین المللی</p>	<p>1-</p>
<p>- توسعه و تقویت پژوهش و نهادینه کردن آن در دانشگاهها؛</p> <p>- توسعه دانش میان رشته‌ای و چند رشته‌ای و ایجاد رشته‌های جدید؛</p> <p>- افزایش کارایی تحقیقات و وارد کردن نتایج آن در چرخه برنامه های تولید و توسعه کشور؛</p> <p>- افزایش سهم تحقیقات در برنامه های آموزشی کشور با هدف ایجاد روحیه ابتکار، خلاقیت و نوآوری؛</p> <p>- بهره برداری یهینه از امکانات و تجهیزات آموزشی و پژوهشی کشور؛</p> <p>- ایجاد قطبهای کیفی در آموزش عالی برای حفظ کیفیت و سطح قابل پذیرش و الگوسازی؛</p> <p>- افزایش اعتبارات پژوهشی؛</p> <p>- مشارکت مؤثر در طراحی، ایجاد، توسعه و تقویت فن آوری ملی؛</p> <p>- مشارکت مؤثر در انتقال و تطبیق فن آوری نوین؛</p> <p>- توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی؛</p> <p>- توسعه همکاریهای علمی، تحقیقاتی و آموزشی در سطح منطقه و بین المللی؛</p> <p>- گسترش فن‌آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی برای وارد شدن در بستر بین‌المللی</p> <p>فعالتهای علمی، آموزشی و تحقیقاتی.</p>	<p>گسترش مرزهای دانش و اعتلای موقعیت علمی کشور در سطح منطقه‌ای و بین المللی</p>	<p>2-</p>
<p>- توسعه مراکز و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی؛</p> <p>- گسترش جریانهای متنوع آموزش عالی؛</p> <p>- گسترش دسترسی مردمی به آموزش عالی؛</p> <p>- فراهم کردن زمینه برای رشد و تعالی استعدادهای درخشان جامعه بویژه نسل جوان به عنوان یکی از مهمترین منابع و سرمایه های ملی؛</p> <p>- اشاعه ارزشهای اسلامی، انسانی، حقوق بشر، آزادی افکار و پرورش روحیه تتبع، تعقل و خلاقیت و نوآوری تفکر عملی؛</p>	<p>تربیت و توسعه منابع انسانی</p>	<p>3-</p>

راهبردهای اساسی نظام آموزش عالی	رسالت‌های آموزش عالی	
<p>--جذب و به کارگیری محققان و متخصصان ایرانی خارج از کشور به عنوان یکی از منابع مهم نیروی انسانی کشور؛</p> <p>- توسعه ظرفیت فکری و آماده سازی دانشجویان و فارغ التحصیلان برای تطبیق خود با تحولات و شرایط اجتماعی و بین المللی و داشتن روحیه ابتکار، اعتماد به نفس و کارآفرینی؛</p> <p>- توسعه دوره های تکمیلی.</p>		
<p>- فراهم آوردن زمینه‌های آموزش مستمر برای افراد جامعه؛</p> <p>-برقراری فضای آزاد و سالم برای طرح آزادانه افکار، عقاید و احیای سنت اسلامی بحث آزاد؛</p> <p>- ارتقاء آگاهیهای علمی، فرهنگی و سیاسی جامعه، رشد قوه قضاوت صحیح، استقلال فکری، تقویت نظم، وجدان کاری و احساس مسئولیت اجتماعی؛</p> <p>- تعمیق و گسترش معرفت دینی و آگاهیهای سیاسی - اجتماعی مردم؛</p> <p>- کمک به ایجاد کانونهای علمی، ادبی، فرهنگی ، هنری و ارتقای کمی و کیفی آثار علمی، فرهنگی و هنری؛</p> <p>- حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی کشور.</p>	<p>4- ارتقاء دانش و فرهنگ عمومی جامعه</p>	
<p>- مشارکت مؤثر در برنامه های توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در تمام مراحل مربوط به برنامه؛</p> <p>- ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، علمی، فنی و مشاوره‌ای به بخشهای مختلف جامعه؛</p> <p>- مشارکت در شناسایی و حل معضلات و بحرانهای اجتماعی در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم؛</p> <p>- ارتباط فعال با دنیای کار و تعریف مشاغل جدید متناسب با اهداف توسعه پایدار؛</p> <p>- مشارکت مؤثر در توسعه نظام آموزشی کل جامعه؛</p> <p>- مشارکت مؤثر در طراحی، ایجاد، توسعه و تقویت فن آوری ملی؛</p> <p>- مشارکت مؤثر در انتقال و تطبیق فن آوری نوین؛</p> <p>- تأمین اطلاعات و دانش علمی قابل اعتماد برای مسؤولان و تصمیم گیران جامعه؛</p> <p>- توسعه دانش مدیریت در جامعه؛</p> <p>- همکاری مؤثر با فرهنگستانهای علوم؛</p> <p>- تلاش و مشارکت در جهت شناسایی و حل معضلات و بحرانهای بین المللی مانند فقر، محیط زیست، جمعیت، حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی.</p>	<p>55- توسعه ارتباطات نظام آموزش عالی با جامعه (التزام اجتماعی آموزش عالی)</p>	
<p>- حراست از زبان و ادب فارسی و تلاش در افزایش غنای آن؛</p> <p>- پالایش مستمر زبان فارسی نسبت به لغات و فرهنگ بیگانه؛</p> <p>- تهیه و نشر منابع فرهنگ و ادب فارسی برای ارائه در سطح منطقه ای و بین الملل؛</p> <p>- تربیت استادان زبان و ادب فارسی؛</p> <p>- توسعه آموزش زبان و ادب فارسی در داخل و خارج از کشور؛</p> <p>- توسعه کرسی‌های زبا و ادب فارسی در کشورهای منطقه و در سطح بین‌المللی؛</p> <p>- حضور فعال در مجامع و محافل فرهنگی، ادبی در داخل و خارج کشور.</p>	<p>66- گسترش زبان و ادب فارسی در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی</p>	
<p>- شناخت علوم، معارف، تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف در جهت «معارف» بین جامعه اسلامی و سایر ملتها؛</p> <p>-تقویت زمینه همکاری بامراکز علمی، تحقیقاتی و فرهنگی سایر کشورها؛</p>	<p>7--- توسعه ارتباطات و همکاریهای علمی و فرهنگی در سطح منطقه و بین الملل</p>	

رسالت‌های آموزش عالی	راهبردهای اساسی نظام آموزش عالی
	<ul style="list-style-type: none"> - فراهم آوردن تسهیلات لازم برای مبادلهٔ استاد و دانشجو بویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی؛ - گسترش زبان فارسی در سطح منطقه و بین‌المللی؛ - گسترش معارف اسلامی در سطح منطقه و بین‌المللی؛ - گسترش فن‌آوریهای جدید ارتباطات و شبکه‌های جهانی برای وارد شدن در بستر بین‌المللی فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی؛ - ایجاد واحدهای دانشگاهی در خارج از کشور و نیز ارتباط بین دانشگاه‌های داخل و خارج؛ - انجام دادن طرح‌های مشترک تحقیقاتی و آموزشی؛ - استفاده از امکانات بالقوهٔ منطقه‌ای و بین‌المللی برای توسعهٔ آموزش عالی.
<p>8- توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی و تحقیقات</p> <p>توضیح: البته این مورد به عنوان یک رسالت مستقل برای آموزش عالی مطرح نیست. اما از آنجا که آموزش عالی بستری است برای تحقق رسالت‌های مذکور، از این رو، به دلیل اهمیت موضوع، توسعه کمی و کیفی نظام آموزش عالی</p> <p>در ردیف یک رسالت مورد توجه قرار گرفته است</p>	<ul style="list-style-type: none"> - توسعه مراکز و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی برای رسیدن به شاخصهای مطلوب ملی و بین‌المللی؛ - گسترش جریانهای متنوع آموزش عالی؛ - نهادینه کردن پژوهش در دانشگاهها؛ - افزایش سهم تحقیقات در برنامه های آموزشی کشور با هدف ایجاد روحیه ابتکار، خلاقیت و نوآوری؛ - بهره برداری بهینه از امکانات و تجهیزات آموزشی و تحقیقاتی متناسب با تحولات علمی و دانش روز در سطح ملی، منطقه ای و بین‌المللی؛ - حفظ و ارتقاء کیفیت آموزش عالی بویژه با توجه به گسترش کمی و ضرورت فراگیر کردن آن در جامعه؛ - به کارگیری روشهای نوین تدریس و تحقیق برای حفظ کیفیت و سطوح قابل پذیرش و الگوسازی؛ - توسعه منابع انسانی آموزش عالی بویژه کادر مدرس و محقق با کیفیت بالا؛ - توسعه منابع مالی آموزش عالی؛ - ارزیابی و اعتباری گذاری دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی تحقیقاتی؛ - انجام دادن اصلاحات ساختاری در نظام آموزش عالی؛ - بازنگری در وظایف و اختیارات مراجع مختلف تصمیم گیری برای اجتناب از تعدد مراکز تصمیم گیری در نظام آموزش عالی (یکپارچه سازی نظام آموزش عالی)؛ - اعطای اختیارات لازم به دانشگاهها و هیأت های امانا به منظور ارتقاء کارایی، پویایی و ثمربخشی اجتماعی؛ - اصلاح قوانین و مقررات موجود جهت افزایش بازدهی و کارایی نظام آموزش عالی.



**راهنمای اساسی وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی
در گستره ایران 1400**

اصول و مبانی فرهنگی و
هنری برای دوره 1378 تا
1400

- تقویت بینش توحیدی و استوار کردن تمامی شئون و عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی بر این بینش؛
- ایجاد زمینه برای رشد و تعالی فرهنگی اسلامی-انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان؛ - شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی؛
- حصول استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگهای بیگانه و

5-10-2- ایجاد واحدهای دانشگاهی در خارج از کشور و نیز برقراری ارتباط دانشگاههای داخل با خارج؛

6-10-2- شناخت علوم، معارف، تاریخ و فرهنگ اقوام مختلف در جهت معارفه بین جامعه اسلامی با سایر کشورها.

* این گزارش، در تاریخ 1376/6/12 از سوی معاونت آموزشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.

3-9-2- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای همکاریهای بین‌المللی و صدور خدمات آموزشی و پژوهشی (فعالیت‌های برون مرزی) و جذب دانشجویان خارجی؛

4-9-2- افزایش اعتبارات نظام آموزش عالی از منابع بودجه عمومی کشور.

10-2- توسعه ارتباطات و همکاریهای علمی و فرهنگی منطقه‌ای و بین‌المللی

1-10-2- گسترش معارف اسلامی در سطح بین‌المللی؛

2-10-2- گسترش زبان فارسی در سطح بین‌المللی؛

3-10-2- استفاده از امکانات بالقوه منطقه‌ای و بین‌المللی در فرایند توسعه کشور؛

4-10-2- تعریف طرحهای مشترک تحقیقاتی در سطح منطقه؛

- پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات؛
- پیوند زدن میان زندگی روزمره و اهداف والای فرهنگی؛
- آراسته شدن به فضایل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی؛
- ایجاد زمینه برای به کمال رسیدن قوای خلاقه و شایسته وجود آدمی در تمامی شؤون آن؛
- آراسته شدن به فضائل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسان متعالی.
- تحقق کامل انقلاب فرهنگی در جهت استقرار ارزشهای مورد نظر اسلام و انقلاب اسلامی در زندگی جمعی و فردی؛
- شناساندن شیعه و معرفی چهره اصیل آن در اسلام؛
- تقویت روحیه و انسجام ملی، تشویق و ارتقای حسّ احترام به قانون و حقوق انسان و حفظ آزادی او و تعمیق و گسترش وظیفه شناسی و ایثار در جامعه؛
- اصالت دادن به ارزشهای معنوی و فضایل اخلاقی در جامعه اسلامی و جایگاه والای تقوی، علم و جهاد در تعیین مرتبه کرامت و فضیلت انسانها؛
- بالا بردن آگاهیهای عمومی در همه زمینه‌ها، با استفاده صحیح از رسانه های جمعی و امکانات فرهنگی و هنری؛
- تقویت فعالیت‌های جمعی و تقویت گروه‌های داوطلبانه و نهادهای مردمی در جهت تحقق مشارکت افراد در توسعه فرهنگی؛
- توسعه و اعتلای فرهنگ مکتوب و هنر و تحکیم جایگاه اجتماعی اهل قلم و هنر؛
- توسعه و تقویت مبادلات و همکاریهای اسلامی و بین‌المللی در جهت نشر و تبلیغ معارف اسلامی، صدور فرهنگی انقلاب و انتقال مناسب دستاوردهای سازنده فرهنگی از دیگر کشورهای جهان به داخل کشور؛
- دستیابی به توسعه فرهنگی پایدار با جهتگیری فرهنگی؛
- افزایش مداوم امکان تجربه‌های معنوی و آراستگی به فضایل اخلاقی؛
- حضور فعال گفت‌و شنود میان تمدنها و تقویت گرایش به معنویت در سطح بین‌المللی؛
- دستیابی به وحدت قومی و فرهنگی و دینی و تقویت و تحکیم مبانی آن؛
- رشد محصولات و کالاهای فرهنگی متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی و نیازهای رو به رشد جامعه؛

- تقویت وجدان کار و گسترش روحیه تلاش و کوشش هم به‌عنوان منبع اصلی ایجاد ارزشهای مادی و هم به‌عنوان ارزشی اخلاقی-دینی؛
- تقویت مبانی انضباط اجتماعی و گسترش آن در تمامی شؤون جامعه و استوار ساختن آن به‌عنوان عنصری فرهنگی؛
- تحکیم پایه‌های فرهنگی و توجه به تحولات نگرشی در سیاستگذاریهای مرتبط؛
- توجه به نیازهای فرهنگی افراد تحصیل کرده به‌عنوان یک گروه اجتماعی.
- راهبردهای اساسی در بخشهای مختلف
- بخش فرهنگ مکتوب
- هدایت آثار فرهنگی مکتوب، بویژه کتاب، در جهت ترویج اصول اخلاقی و ارزشهای اسلام ناب محمدی (ص)؛
- گسترش کتاب و کتابخوانی در جامعه و میان اقشار مردم؛
- تسهیل در دسترسی عموم مردم به کتاب و اطلاع‌رسانی کتاب؛
- نظارت بر نشر کشور و جلوگیری از انتشار آثار مبتذل و مروج فرهنگی منحنی غربی؛
- تقویت و گسترش انجمنهای فرهنگی مرتبط با فرهنگ مکتوب و حمایت از تشکلهای نویسندگان متعهد اهل فکر و قلم و پدیدآورندگان آثار مکتوب؛
- فراهم آوردن و دسترس قرار دادن امکانات و ابزارهای موردنیاز در زمینه نشر کتاب، به منظور ارائه کتاب به قیمت مناسب؛
- حضور در صحنه‌های جهانی به‌منظور شناساندن آثار فرهنگ مکتوب ایرانی و اسلامی به سایر ملتها و تأمین کتابهای مفید برای کتابخانه‌های معتبر جهان؛
- فراهم آوردن تسهیلات لازم به‌منظور سرمایه‌گذاری، توسعه و تقویت صنعت چاپ و نشر در مناطق مختلف کشور؛
- فراهم آوردن امکانات و تسهیلات لازم برای توزیع مناسب کتاب در مناطق مختلف کشور؛
- اجرای طرحهای کلان، پرکردن خلأهای فرهنگی و نمونه‌سازی در حوزه فرهنگ مکتوب؛
- بازاریابی و توسعه صادرات کتاب؛
- سیاستگذاری اجرایی به‌منظور استفاده بهینه از توان و ظرفیت صنعت چاپ؛
- توجه به گسترش اقتدار، تقویت و پاسداری از زبان

فارسی در امر کتابت و فرهنگ مکتوب.

بخش هنر

- احیاء، رشد و شکوفایی هنر اصیل مبتنی بر ارزشهای اسلامی- انسانی، با تأکید بر میراث فرهنگی و حفظ روحیه خلاقیت و نوآوری؛

- بازشناسی موارث و سنتهای تاریخی و ملی در عرصه هنری و نگاهداری و احیاء دستاوردهای مثبت آن در زمینه موسیقی، هنرهای تجسمی و هنرهای نمایش با توجه به معیارهای اسلامی؛

- بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیتها از طریق برگزاری جشنواره‌ها و نمایشگاههای سالانه و دو ساله؛

- ارزش دادن به فعالیتها و تولیدات هنری با تکیه بر خلاقیتها و به دور از تجمل‌گرایی؛

- تقویت قدرت نقادی و ایجاد جریانهای سالم در عرصه هنر؛

- کمک به اعتلای سطح آگاهیهای فرهنگی و هنری و سیاسی هنرمندان و توجه دادن به مسائل اصل جامعه و آشناکردن آنها با تازه‌ترین پیشرفتهای فرهنگی و هنری جهان؛

- رونق فعالیتهای فرهنگی و هنری و اقتصادی کردن آن در سطح جامعه؛

- حمایت از تولیدات هنری که موجب رشد فرهنگی جامعه و تحکیم وحدت ملی و

مروج اخلاق و معارف اسلامی و معرفت‌شناسیهای اسلامی و موجب حفظ و معرفی هویت اصیل دینی و ملی است؛

- ترویج هنرهای ملی در میان اقوام مختلف.

بخش سیر و سیاحت

- کمک برای دستیابی به استقلال ارزی کشور

(اقتصاد بدون نفت) از طریق جذب هر چه بیشتر جهانگردان و افزایش درآمد ارزی؛

- فراهم‌آمدن زمینه تفریحات سالم و گذران مفید اوقات فراغت مردم؛

- تحکیم وحدت و همبستگی ملی از طریق تعامل فرهنگی و اعتلاء بینش و آگاهی عمومی و اعتقادی مردم نسبت به مسائل کشور و امور اجتماعی؛

- ایجاد و گسترش زمینه‌های تحکیم صلح و تفاهم جهانی از طریق ارتقاء سطح روابط بین ایران و سایر کشورها بویژه کشورهای همسایه و مسلمان؛

- نظام‌دهی به امور گردشگری و توسعه مراکز

- سیاحتی و زیارتی کشور از طریق طرح جامع سیاحتی و زیارتی کشور با توجه به اماکن دارای جاذبه، مراسم و ویژگیهای فرهنگی مناطق و ظرفیتهای زیارتی- سیاحتی در منطقه؛
- ایجاد زمینه‌های مناسب برای بهره‌گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت و تفریح؛
- تلاش برای دستیابی به توازن مثبت در جذب جهانگردان خارجی با اولویت دادن به کشورهای مسلمان و همسایه؛
- اعمال نظارت، پیگیری، آموزش و ارائه تسهیلات اداری و اجرایی و هماهنگی سازمانها و نهادهای ذیربط به‌منظور بهبود کیفیت ارائه خدمات در امر سیر و سیاحت؛
- توسعه و ارتقای روابط متقابل با سازمانها و مجامع جهانی ذیربط و نمایندگیهای سیاسی و فرهنگی در سایر کشورها با اولویت کشورهای اسلامی و جهانگردفرست؛
- برنامه‌ریزی در امر آموزش خدمات ایرانگردی و جهانگردی در مقیاس ملی با توجه به معیارها و ارزشهای اسلامی؛
- مطالعه مستمر در زمینه ارائه روشهای مناسب برای تعمیق ارزشهای مذهبی در برنامه‌های سیاحتی؛
- توسعه ظرفیتهای صنعت هتلداری برای مناطق شهری که ضرورت ایجاد می‌کند؛
- معرفی همه‌ مواهب طبیعی، تاریخی و مردم- شناسی کشورمان به هموطنان و مردمان سراسر جهان؛
- سامان‌بخشیدن به تأسیسات منزلگاهی و اماکن اقامتی غیر رسمی؛
- ایجاد بسترهای مناسب فرهنگی در جامعه برای رونق گردشگری داخلی و جذب گردشگران خارجی؛
- بازسازی و تبدیل اماکن تاریخی قدیمی و تأسیسات جهانگردی و پذیرایی یا ایجاد تأسیسات جهانگردی در جنب آنها.
- بخش مطبوعات**
- افزایش و بهبود بهره‌مندی شهروندان از مطبوعات؛
- تأمین نیازهای مطبوعاتی با توجه به گروههای مختلف سنی، جنسی، قومی، تحصیلی و حرفه‌ای؛
- تلاش مستمر برای ارتقاء کیفیت مطبوعات؛
- بهبود فرهنگ نقد و روشنگری مطبوعاتی؛
- تحکیم حاکمیت قانون در حوزه مطبوعات؛

- نهادینه کردن نقش و جایگاه روزنامه نگاران در جامعه؛
- اهمیت به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت، ترویج و گسترش آن؛
- تقویت حس دفاع از ارزشها و منافع ملی در مطبوعات؛
- آشنا ساختن جوانان و نوجوانان علاقه مند و مستعد با مطبوعات و حرفه روزنامه نگاری؛
- شناخت محورها و شیوه های تبلیغاتی در رسانه های خارجی بویژه در زمینه مسائل مربوط به ایران؛
- هدایت و بهبود تبلیغات خارجی در جهت منافع ملی کشور؛
- مقابله با تهاجم فرهنگی - رسانه ای؛
- خنثی سازی برنامه ها و مقابله با جریانهای معارض؛
- تنظیم و تطبیق فعالیتهای تبلیغات تجاری کشور با اهداف فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛
- تقویت رسانه های انتقادی در جهت تقویت گفت و گوی فرهنگی و فراهم کردن زمینه های رشد نقد و نقد پذیری؛
- هماهنگی در زمینه راهبردهای سازمان تبلیغاتی کشور؛
- تنویر و ارتقاء افکار عمومی نسبت به برنامه ها و خدمات دولت.
- بخش سینما**
- توجه به روح و حقیقت دین و تلاش برای دستیابی به بهترین شیوه و ابزار بیانی آن؛
- تبیین حقایق اسلامی و اخلاقی و ارزشهای والای اسلامی و انسانی در نمایشها و فیلمها؛
- پی ریزی و ایجاد سینمای ناقد با هدف مقابله با یورش فرهنگی و بنیانهای منحط فرهنگ بیگانه و تحریفات آنها علیه اسلام و انقلاب اسلامی؛
- رشد سینمای فارسی با توجه به عناصر خودی و با استعداد و ایجاد تحول در اصل سینمای فارسی؛
- طرح الگو از اسطوره های ملی و مذهبی؛
- توجه اساسی به شخصیت کودکان و نوجوانان و طرح مسائل و مشکلات آنان به مثابه آینده سازان میهن اسلامی؛
- پرداخت به نقش ارزشمندکار، تعمیم ابتکار، وجدان کاری، جوشش و سازندگی؛
- حضور فعال در مجامع و جشنواره های جهانی؛
- تربیت هنرمندان متعهد و مسلمان و تقویت آنان از لحاظ هنری؛

- استحکام استقلال فرهنگی و شناخت و معرفی هویت اصیل دینی و ملی؛
- حمایت از تولیدکنندگان فیلمهای مکتبی و غنی و فیلمهایی که تاریخ اسلام را به تصویر می‌کشند؛
- الهام گرفتن محتوای سینمای ایران از انقلاب اسلامی.
- بخش خبر
- حضور فعال و تشریک مساعی فرهنگی و خبری در کشورهای مختلف جهان؛
- سرمایه‌گذاری و گسترش بهره‌برداری از ابزارها و فن‌آوری جدید؛
- تولید انبوه اطلاعات و اخبار به‌منظور تنویر افکار عمومی در جهت مقابله با تهاجم خبری و فرهنگی؛
- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای تحقیق و پژوهش در زمینه‌های خبری، مطبوعاتی، جهانی و فرهنگی؛
- تقویت بنیه کارشناسی و برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و ارتقاء کارایی دست‌اندرکاران مسائل فرهنگی؛
- ایجاد کانون خبرگزاریهای ملتهای جهان اسلام، کشورهای منطقه و تحت ستم با محوریت قرار گرفتن جمهوری اسلامی؛
- تلاش در جهت تسریع فرهنگ اسلامی در حرفه خبری و در جوامع جهانی؛
- تغییر مسیر جریان یکسویه ورود و انتشار اخبار رسانه‌های خارجی با تأکید بر خود اتکایی خبری؛
- شناخت و تعیین محورهای خبری تهاجم فرهنگی بیگانگان؛ تعیین تبیین محور و موضوع دفاع خبری و تدوین برنامه و طرح اجرایی برای مقابله با هجوم خبری؛
- انعکاس اخبار و گزارشهای تولید شده در سطح داخل و خارج کشور با گسترش و ایجاد تنوع در خروجیها و استفاده از روشهای نوین انتشار؛
- تحقق حرکت‌های حرفه‌ای خبری؛
- هدایت سازمان و نظام خبری کشور متناسب با نیازهای جامعه و روند توسعه کشور؛
- تحت پوشش قرار دادن کلیه نقاط داخل کشور و نقاط خبرخیز کشورهای مختلف جهان.
- بخش میراث فرهنگی
- پژوهش، حفاظت و احیای هنرهای سنتی؛
- فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای اشاعه ارزشهای نهفته در میراث فرهنگی کشور؛

- تعمیق؛ توسعه و ارتقای کمی و کیفی فعالیت‌های پژوهشی، حفظ و احیاء، معرفی و آموزش میراث فرهنگی کشور؛

- حضور فعال در مراکز تصمیم‌گیری، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور؛

- تقویت ارتباط و همکاری‌های علمی، فرهنگی، فنی و آموزشی با مراجع ذیربط داخلی و جهانی؛

- جلب مشارکت بخش دولتی و بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف میراث فرهنگی؛

- هدایت سرمایه‌گذاریها و بودجه عمومی در امور زیربنایی میراث فرهنگی؛

- تعمیق و توسعه کیفی و کمی پژوهش‌های میراث فرهنگی.

بخش مدارک

- گردآوری، طبقه بندی، نگهداری و اشاعه مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی؛

- مطالعه و پژوهش پیرامون مبانی و مسائل فرهنگی، هنری، دیوان‌نویسی و شعارهای مردمی انقلاب اسلامی؛

- اولویت دادن به طرح‌های همسو در مقابله با تهاجم فرهنگی.

بخش چاپ و انتشارات

- کمک در جهت تحقق آرمانها و اهداف والای اسلامی- انسانی با انتشار پیام و انتقال افکار انقلاب اسلامی در داخل و خارج از کشور؛

- فراهم آوردن ابزار برای ترویج و اعتلای فرهنگ مطالعه؛

- ارائه خدمات پشتیبانی و فرهنگی در راستای مقابله با تهاجم فرهنگی؛

- فراهم آوردن زمینه ایجاد امکانات لازم برای دستیابی به خودکفایی در صنعت چاپ و انتشار؛

- فراهم آوردن زمینه توسعه سازمان در جهت انجام دادن خدمات فرهنگی؛

- کسب درآمد از طریق ارائه خدمات و تولیدات فرهنگی و فعالیت‌های بازرگانی.

بخش اوقاف

- شناسایی و کشف کامل موقوفات کشور؛

- عمران و نوسازی و بهره‌برداری اقتصادی‌تر از موقوفات؛

- کمک به توسعه و اصلاح ساختار تشکیلاتی؛

- گسترش سنت حسنه وقف و نیکوکاری و خیرات و صدقات جاریه؛
- گسترش فرهنگ اصیل اسلامی از راه نشر قرآن و کتابهای دینی؛
- کمک به احیای امر مساجد کشور و تعمیر و مرمت آنها؛
- مصرف درآمد موقوفات به نحو احسن؛
- اخذ اسناد مالکیت رقبات موقوفات؛
- برنامه ریزی اماکن مذهبی-اسلامی؛
- کمک به گسترش فعالیتهای اجتماعی، رفاهی، درمانی و بهداشتی، دینی و فرهنگی، امور عام المنفعه و عمرانی؛
- کمک به نشر و ترویج قرآن و معارف اسلامی.
- بخش روابط خارجی و رایزنیهای فرهنگی
- احیاء و گسترش تفکر و معارف اسلامی در جهان به منظور بیداری مسلمانان و ابلاغ پیام اسلام راستین به جهانیان؛
- آگاه ساختن جهانیان نسبت به مبانی و اهداف و مواضع انقلاب اسلامی؛
- گسترش مناسبات فرهنگی با ملتها و اقوام مختلف و شخصیتهای علمی و فرهنگی بخصوص مسلمانان و مستضعفان جهان؛
- ایجاد، تقویت و تنظیم مناسبات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، سازمانها و مجامع فرهنگی منطقه‌ای و جهانی؛
- عرضه کردن صحیح فرهنگ و تمدن ایران و ویژگیهای فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی آن؛
- فراهم آوردن زمینه‌های وحدت میان مسلمانان و تشکیل جبهه واحد بر اساس اصول مسلم اسلامی؛
- مقابله فکری با فرهنگ ضد دینی، ضد اسلامی و ضد انقلابی و آگاه کردن مسلمانان نسبت به توطئه‌های تفرقه‌انگیز دشمنان و دفاع از حقوق مسلمانان؛
- دفاع از حقوق مسلمانان و رشد، ارتقاء و اصلاح وضع فرهنگی، تبلیغی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مسلمانان بویژه پیروان اهل بیت (ع) در جهان؛
- معرفی تاریخ، فرهنگ، تمدن و هنر ایران؛
- معرفی تشیع به عنوان مذهب منادی وحدت مسلمانان و احیای عظمت اسلام و پیامبر اکرم (ص) و

تبیین هویت آن به عنوان «
اسلام ناب محمدی (ص)»؛

- عرضه و معرفی صحیح
افکار اصیل مکتب اهل بیت
(ع) در زمینه‌های اعتقادی،
فقهی، اخلاقی؛

- تلاش در جهت تحقق
وحدت اسلامی و تقریب بین
مذاهب به منظور احیای آرمان
قرآنی امت اسلامی؛

- شناسایی زمینه‌های
مشترک فرهنگی و فکری
پیروان ادیان الهی و شناخت
ریشه‌های عقاید توحیدی در
سایر مکتبها و ادیان.

بخش کتابخانه

- افزایش تعداد کتابخانه‌ها
منطبق با رشد جمعیت؛
- افزایش تعداد کتابهای
موجود تا رسیدن به میزان
سطوح قابل پذیرش فردی؛

- برنامه‌ریزی برای رعایت
فاصله‌های اصولی بین
کتابخانه‌های شاخه؛

- رایانه‌ای کردن کتابخانه‌ها
بر اساس معیارهای جهانی
اطلاع‌رسانی؛

- تلاش در جهت افزایش
تعداد مراجعان به کتابخانه‌ها
از رهگذر بهینه‌سازی
وضعیت موجود کتابخانه‌ها؛

- گسترش و تقویت انجمن
کتابخانه‌ها به‌منزله بازوهای
اجرایی؛

- تلاش برای افزایش
فرهنگ کتابخوانی در جامعه؛
- حمایت از تأسیس و

گسترش کتابخانه‌های
غیردولتی؛
- گسترش فعالیتهای جنبی

و فوق‌برنامه در کتابخانه‌های
عمومی کشور؛
- ایجاد و تقویت

کتابخانه‌های مساجد؛

- شرکت در مجامع
بین‌المللی کتابداری و
اطلاع‌رسانی؛

- تکمیل مجموعه
کتابخانه‌های موجود از جهت
تجهیزات، کتاب، نشریه و
سایر منابع کتابخانه‌ای و
اطلاع‌رسانی.

بخش حج و زیارت

- تبیین حقایق، اخلاق و
ارزشهای والای اسلامی در
مراسم حج؛

- تحکیم وحدت، ملی و دینی
با توجه به ویژگیهای قومی و
مذهبی و تلاش برای حذف
موانع وحدت؛

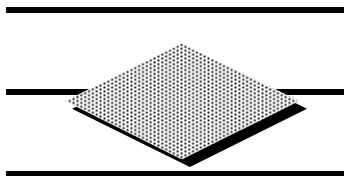
- تبیین و گسترش فرهنگ
حج ابراهیمی؛

- گسترش روابط با
کشورهای اسلامی در زمینه
زیارت اماکن مذهبی طرفین؛

- برائت از مشرکان و
مقابله با فرهنگ منحط غربی؛

وضع مطلوب و تحقق اهداف و آرمانهای یک کشور کافی به نظر نمی‌رسد. افزون‌برآن، فرایند طولانی‌مدت بعضی از تصمیمات راهبردی ایجاب می‌کند که نسبت به تدوین چشم اندازی با بصیرت از آینده پرداخته شود. دلیل دیگر این بود که اکثر برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت با تغییر دولتها چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرند که گاهی ممکن است دسترسی به اهداف از پیش تعیین‌شده ناممکن شود. بنابراین، لازم است دورنمایی از کشور به صورت برنامه‌ای کلی تدوین شود تا به‌عنوان بستر برنامه‌های پنج‌ساله قرار گیرد.

بر این مبنا، تصمیم گرفته شد چشم‌اندازی از آموزش و پرورش در ایران 1400 تهیه و تدوین گردد. از ویژگیهای مورد انتظار این



چشم‌انداز آموزش و پرورش

در ایران 1400

مقدمه

از اواخر سال 1374 میان برخی از شخصیت‌های علمی، جمعیت‌شناسان و اهل‌نظر بخشی راجع به آینده ایران مطرح شد. مطابق برخی از نظریات، آینده کشور با بحران جمعیت مواجه بود. حتی بعضی از افراد جمعیت کشور را تا سال 1400 حدود 130 میلیون نفر برآورد می‌کردند.

ضرورت دیگری برای آینده‌نگری به چشم می‌خورد. عده‌ای عقیده داشتند برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای تغییر در جهت

- افزایش آگاهی جامعه در خصوص جایگاه و نقش حج در اسلام؛

- فراهم‌کردن زمینه‌های مناسب برای تأثیرناپذیری زندگی روزمره از فرهنگ حج و عبادت؛

- هدایت جوانان و نوجوانان در عرصه‌های ایمان مذهبی، روی‌آوردن به اماکن مذهبی و مقدس و گسترش فرهنگ زیارت در بین آنان؛

- بازیافت دقیق معارف حج و درک مفاهیم ارزشی فرهنگ زیارت؛

- شناخت، تقویت و اعتلای ارزشهای اسلامی فرهنگ زیارت.

*این گزارش، در تاریخ 1376/6/12 از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.

چشم‌انداز، تکیه بر مطالعات علمی و کارشناسی در سطح ملی و بین‌المللی است به گونه‌ای که، کشور ما در سال 1400 در سطح رقابت‌آمیز و موفق در میان کشورهای جهان مطرح باشد.

ابتدا موضوع به بحث و تبادل نظر میان متخصصان داخلی گذارده شد. نتایج اولیه این فعالیت نشان می‌داد جمعیت برآورد شده برای سال 1400 بسیار بالاست و این در حالی بود که جمعیت اولیه برآورد شده از سوی آموزش و پرورش حدود یکصد میلیون نفر بود.

از مهر ماه سال 1375 بحث به صورت جدی‌تر مطرح شد و گروهی از اهل فن از دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیربط به همکاری در این زمینه دعوت شدند. در حین کار، موضوع چشم‌انداز ایران 1400 در هیأت محترم

دولت نیز مطرح شد و از سوی مقام محترم ریاست جمهوری مورد توجه و عنایت ویژه قرار گرفت و همه دستگاه‌ها موظف به تدوین گزارشی در این زمینه شدند. در ابتدا طیف وسیعی از نظریات و پرسش‌ها مطرح شد و سپس به مرور زمان و طی گفت‌وگوهای پی‌درپی، پیشنهادهای ارائه شده به هم نزدیکتر شدند. از جمله مباحث مطرح شده، رویکرد آموزش و پرورش در سال 1400 بود که به شرح موارد زیر خلاصه می‌شود:

1- تعریف سواد در ایران 1400
با آنکه سالها از پیشرفت علم و و فن‌آوری می‌گذرد و قدرت بشر در دسترسی به پدیده‌های طبیعی و مصنوعی شگفت‌آور شده است، شاید دیگر «خواندن و نوشتن متون معمولی و ساده»

به‌عنوان سواد تلقی نشود و بلکه در عصری که جهان دهکده کوچک ارتباطات تلقی می‌شود و ضرورت جهانی شدن انسان مطرح است و بسیاری از مجهولات بشر کشف شده و خواهد شد و علم و قدرت به مرتبه‌های والاتری دست خواهند یازید، آیا می‌توان تعریف یاد شده از سواد را پذیرفت؟ بدون تردید به ضرورت آن عصر و به مقتضای جمیع عوامل مربوط، یکی از تعاریفی که برای سواد در ایران 1400 می‌تواند مطرح باشد به قرار زیر است:

((در ایران 1400 فردی با سواد تلقی می‌شود که بتواند متون معمولی نظیر تابلوهای اخبار، اطلاعات، جراید و نشریه‌های عمومی را بخواند، در حد نیازهای متعارف، مفاهیم ریاضی و حساب را درک کند، با مراکز اداری،

اجتماعی، فرهنگی مکاتبه کند (بتواند حداقل ارتباط نوشتاری را با مراکز موردنظر برقرار نماید)، از اخبار و اطلاعات روزمره استفاده نماید، در فعالیتهای اجتماعی مشارکت فعال داشته باشد، از شبکه‌های بین‌المللی اطلاعات و اخبار علمی در حد دانش و مهارت مربوط به شغل خود بهره لازم را ببرد و سرانجام از ابزارهای فن‌آوری جهان امروز (نظیر رایانه‌ها) در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... بهره برداری نماید).

2- نقش عمومی آموزش و پرورش در ایران 1400

در سه دهه اخیر، اکتشافات و موفقیت‌های علمی قابل توجهی در جهان صورت گرفته است. بسیاری از کشورها از مرحله توسعه یافتگی عبور کرده‌اند و

سطوح قابل پذیرش زندگی را به‌طور مداوم افزایش داده‌اند (هر چند نسبت این افزایش از کشوری به کشور دیگر بسیار متفاوت است). این وضعیت نابهنجار و غیر قابل‌ثبات با امیدهای تازه متولد شده سالهای اخیر بویژه در برخی از کشورها تقابل شدیدی را به وجود آورده است.

از یک طرف ایجاب می‌کند که مردم شهروندانی بشوند، بدون آنکه اصالت خود را از دست بدهند و از طرف دیگر ضرورت دارد به ایفای نقش فعال در زندگی ملت و جامعه محلی خود بپردازند.

1-2- تنش بین تفکر همگانی و تفکر فردی

فرهنگ آرام‌آرام در حال جهانی شدن است، هر چند که این تغییر تاکنون اندک بوده است. اما ما نمی‌توانیم نه محاسن و نه خطرهای جهانی

شدن را که حداقل آن فراموش شدن شخصیت منحصر به فرد انسانهاست نادیده بگیریم؛ شخصیتی که متعلق به آنان است تا راه آینده‌شان را انتخاب کنند و در قالب نخبه سنتی و فرهنگی خود به ظرفیت کامل برسند. شخصیتی که اگر در مورد آن دقیق نباشیم در معرض خطر پیشرفتهای خاص قرار خواهد گرفت.

چگونه ممکن است خود را با تغییرات تطبیق داد بدون آنکه گذشته خود را به فراموشی سپرد؟ چگونه ممکن است خودمختاری کامل خویش را همراه با رشد آزاد دیگران حفظ کرد؟ چگونه می‌توان پیشرفتهای علمی را درون سازی نمود؟ این طرز فکری است که باید از طریق آن با چالش‌های فن‌آوری نوین اطلاعاتی مواجه شد.

2-2- تنش بین ملاحظات

کوتاه مدت و بلندمدت

این موضوع همیشه مطرح بوده است، اما امروز به دلیل رواج فوریتها، روزمرگیها و در دنیایی که انتقال روزافزون اطلاعات مسائل فوری را در کانون توجه عامه قرار داده است، وجود آن بسیار محسوس تر شده است. آرای عمومی مردم عاجلانه در جست و جوی پاسخهای سریع و راه‌حلهای آماده است. حال آنکه بسیاری از مسائل راهبردهای اصلاحی مبتنی بر شکیبایی، اقدام جمعی و جلب موافقت دیگران است و این دقیقاً همان زمینه‌ای است که باید در خط‌مشیهای آموزشی و پرورش لحاظ شود.

3-2- تنش بین ضرورت

رقابت و برابری فرصتها

امروزه، متخصصان آموزش و پرورش مدعی هستند که فشار ناشی از رقابت باعث شده است بسیاری از مقامات مسئول نگرش جامع خود را در زمینه فراهم کردن امکانات برای فرد فرد جامعه برای اینکه بتوانند بیشترین استفاده را از هر فرصتی به عمل آورند، از دست بدهند. برای مثال، در حال حاضر پوشش واجب‌التعلیم در سطح کشور 95/6 درصد است، در حالی که این نسبت در میان دختران و پسران مساوی نیست. حال، اگر به روند تحت پوشش بردن دختران بویژه در دوره ابتدایی در چند سال گذشته توجه شود ملاحظه می‌گردد در دوره راهنمایی درصد رشد در شهر و روستا ضعیف‌تر شده و در دوره ابتدایی در پنج‌سال گذشته درصد رشد به صفر رسیده

است. یعنی هنوز تا رسیدن به نسبت مورد انتظار (این نسبت علی‌الاصول بایستی مساوی نسبت دختران به کل جمعیت و به عبارتی، 49/1 درصد باشد) و برابری فرصتهای آموزشی بین دختران و پسران حدود 4 درصد فاصله وجود دارد.

یک تحلیل از مطالعه این روند ممکن است به وضعیت بسیار دشوار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور مربوط شود که برای رفع آن اقدامهای همه‌جانبه و هماهنگ ملی مورد نیاز است. بدون تردید، روند تحت پوشش بردن دانش آموزان دختر مانند گذشته نبوده با شیب بسیار کمی به جلو خواهد رفت. به این معنی که اگر در گذشته برای تحت پوشش بردن یک دانش آموز دختر هزینه معینی می‌شد، از این مقطع زمانی به بعد برای تحت

پوشش بردن همان یک نفر
چهبسا چند برابر آن هزینه
ضرورت دارد. به منظور
شفاف کردن موضوع،
تعدادی از تنشهای درونی
آموزش و پرورش مورد بحث
قرار می گیرد:

1-3-2- تنش درونی بین
تراکم (تا حد مصوب برنامه)
و در نتیجه کاهش نیروی
انسانی و از دست دادن افراد
واجبالتعلیم و ایجاد
فرصتهای آموزشی مساوی
آموزش و پرورش بنابر
تنگناها و مشکلات مختلف
درون بخشی و محدودیتهایی
چون جذب نیروی انسانی
جدید و اعتبارات، متعهد شده
است تراکم دانش آموز را تا
پایان برنامه پنجساله دوم به
گونه ای افزایش دهد که به حد
معینی برسد.

این اقدام در تعارض با
سیاستها و برنامه های دیگر
ذیل خواهد بود:

الف) تحت پوشش بردن
دانش آموزان واجبالتعلیم در
مناطق محروم و روستایی
(تراکم این قبیل دانش آموزان
از تراکم فعلی مصوب بسیار
کم است):

ب) ظرفیت فیزیکی محدود
کلاسهای روستایی (سرانه
مساحت کلاس در دوره
ابتدایی در شهر 33/2 و در
روستا 26 مترمربع است):

ج) پراکندگی دانش آموزان
خارج از مدرسه در مناطق یاد
شده؛
د) سیاستهای حمایتی و
تبلیغی کشور در جهت
محروم زدایی در مناطق
محروم (بویژه مناطق حساس
مرزی که مشکلات سیاسی -
امنیتی مضاعف هم دارند).

2-3-2- افزایش تراکم در
مناطق روستایی و محروم
که بیشتر کلاسها به صورت
مختلط و چند پایه اداره
می شود با ایجاد فرصتهای
آموزشی مساوی

چنانچه روند جذب نیروی
انسانی در مناطق محروم
مورد مطالعه قرار گیرد
مشاهده می شود که اکثر
نیروهای انسانی شاغل در
این مناطق هم از نظر کیفیت و
هم از نظر تجربه آموزشی در
حد بسیار پایینی قرار دارند.

این امر و سایر پدیده های
اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی
باعث شده است کیفیت
آموزش در روستاهای
یادشده به هیچ روی منجر به
فرصتهای آموزشی مساوی
با شهرها نشود.

از این رو، ضروری است
برای ایجاد فرصتهای مناسب
آموزشی در میان این گروه
اقدامات جامع، هماهنگ و

گسترده] بخشی و بویژه
فرابخشی صورت گیرد.

3-3-2- تنش بین
مشارکت مردمی و حاکمیت
کلی آموزش و پرورش

از سال 1368 تاکنون که
قانون تأسیس مدارس
غیرانتفاعی به تصویب رسیده
است حدود 3/7 درصد از کل
دانش آموزان کشور تحت
پوشش مدارس غیرانتفاعی
قرار گرفته‌اند. از آنجایی که
مؤسسان این گونه مدارس را
تاکنون اقشار فرهنگی و
بویژه شاغلان

آموزش و پرورش تشکیل
داده‌اند، از این رو، چنانچه
حمایت‌های مختلف دولت برای
این گونه مدارس ادامه نیابد
حتی تا پایان برنامه پنجساله
دوم هم تحقق اهداف برنامه
(به میزان 5 درصد از کل
دانش آموزان کشور) بعید
به نظر می‌رسد. این در حالی

است که مشارکت سایر
بخشها و بویژه شخصیت‌های
حقوقی در تأسیس این
مدارس بسیار کم بوده است.
برای تحقق اهداف آرمانی
آموزش و پرورش در ایران

1400 مشارکت کلیه بخشها،
نهادهای و شخصیت‌های حقیقی
و حقوقی که توانایی و
صلاحیت لازم را دارند
ضروری به نظر می‌رسد.

البته، هر فرد یا
دستگاهی به‌میزانی که در
آموزش و پرورش مشارکت
می‌نماید حق تصمیم‌گیری و
تغییر در مجموعه موردنظر
را برای خود قائل است و این
امر ممکن است با حاکمیت
کلی آموزش و پرورش از
لحاظ اعمال قانون، وحدت
رویه‌ها، برابری فرصت‌های
آموزشی و محدودیت منابع
انسانی در تعارض قرار گیرد.
برای این منظور، ضروری
است دست‌اندرکاران امر

نسبت به تهیه و تدوین
اصولی که این وحدت و
حاکمیت را حفظ و
تعارض‌های احتمالی را
برطرف نماید پیش‌بینی لازم
را به عمل آورند.

4-3-2- تنش بین ارتقاء
کیفیت آموزش و افزایش
ظرفیت علمی و فنی با
محدودیت منابع مالی

امروزه، با وجود تخصیص
تأمین منابع مالی غیردولتی
نظیر کمک‌های مردمی برای
احداث و توسعه مدارس،
کمک‌های نقدی، عوارض
آموزشی (موضوع بند (د))
تبصره 8 قوانین بودجه
سالهای 74، 75 و 76 از
کالاهای مشخص) و میزان
معین شهریه‌ای که از سوی
مدارس غیر انتفاعی وصول
می‌شود، هنوز هم تا تأمین
حداقل منابع مالی موردنیاز
برای تحقق اهداف آموزش و

پرورش فاصله زیادی وجود دارد. در صورتی که عزم ملی برای احیاء و تعالی آموزش و پرورش به وجود نیاید و مشارکت واقعی آحاد مردم جامعه عمل نپوشد و تولید ناخالص ملی به حد مطلوبی افزایش نیابد، دسترسی به اهداف متعالی آموزش و پرورش بویژه در ایران 1400 غیرمتحمل می‌نماید.

جدول زیر نشان می‌دهد که در مقایسه با اکثر کشورهای پیشرفته جهان در زمینه اختصاص تولید ناخالص ملی به آموزش و پرورش در حد پایینی قرار داریم و این در حالی است که نسبت جمعیت جوان کشور ما که در حال تحصیل هستند حدود 30 درصد کل جمعیت کشور است. مضاف بر آن، در اکثر کشورهای مورد مقایسه رشد جمعیت حدود

صفر درصد است و جمعیت شاغل و تولید کننده آنان نسبت به کشور ایران اختلاف معنی‌داری دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد آموزش با کیفیت مطلوب و مورد انتظار، ملازم افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه و تأمین منابع مورد نیاز آموزش و پرورش کشور است.

4-2- تنش بین گسترش

فوق‌العاده دانش و ظرفیت

جذب نیروی انسانی

متخصصان تلمیم و تربیت

در برابر افزایش مواد درسی

جدید توان مقاومت ندارند.

چراکه، از یک سو خودآگاهی

و روشهایی برای بهزیستی

فیزیکی و روان‌شناختی یا

روشهایی برای درک بهتر

محیط زیست طبیعی و

حفاظت از آن به مجموعه

دروس فعلی می‌افزاید و از

سوئی دیگر، در حال حاضر

فشار فزاینده‌ای بر برنامه‌های درسی احساس می‌شود. هر نوع راهبرد روشن‌بینانه اصلاحی باید در برگیرنده گزینه‌هایی باشد مشروط بر آنکه جنبه‌های اصلی آموزش پایه که دانش‌آموزان را با چگونگی بهبود وضعیت زندگی از طریق علم و دانش، تجربه و توسعه فرهنگ خودی آشنا می‌سازد، همواره، سالم و دست‌نخورده باقی بماند.

5-2- تنش بین مادیات و

معنویات

بشر همواره بدون آنکه

حتی خود تشخیص بدهد و بر

زبان بیاورد، در آرزوی

ارزشهای آرمانی بوده که ما

آن را ((اخلاقیات)) می‌نامیم.

این وظیفه انسانی

آموزش و پرورش است که

همه افرادی را که بر اساس

سنتها و اعتقادات خود عمل

می‌کنند و به جمع احترام می‌گذارند تشویق کند تا اذهان و روحیات خود را تا سطح جهانی بالا بکشند و به عبارتی، خود را به تعالی و کمال برسانند. متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند آموزش و پرورش نقش تعیین‌کننده و بسیار مؤثری در حل تنشهای موجود دارد. آموزش- بنابر اظهار بسیاری از صاحب‌نظران داخلی و خارجی و با تکیه بر اصول و معارف اسلامی- راهی مطمئن و قابل‌دسترس برای گشودن درهای صلح، آزادی، عدالت اجتماعی و آرامش ملتها در جهان امروز است. از طریق آموزش و بویژه تعلیم و تربیت اسلامی است که می‌توان انتظار داشت تنشهای میان جهانی‌شدن و بومی ماندن، تفکر همگانی و تفکر فردی، سنت‌گرایی و تجدد، ملاحظات کوتاه‌مدت و

بلندمدت، رقابت و برابری فرصتها، گسترش فوق‌العاده دانش و ظرفیت محدود جذب نیروی انسانی و در نهایت، مادیات و معنویات به‌نحو بسیار کارآمد و اثربخشی حل شود. تحقق جامعه آرمانی ایران 1400 که در آن روح آزادی و آزادگی در میان مردم بومی شود، آزاداندیشی و رعایت حقوق دیگران توسعه‌یابد، بردباری و تحمل در برابر ناملایمات به‌خوبی و درایت پذیرفته شود، مسئولیت‌پذیری و مسئولیت‌خواهی نهادینه گردد، عدالت فردی و اجتماعی حاصل شود، پویایی و خلاقیت و تفکر در جهت نیل به آرمانها ارزش تلقی گردد و... جز از طریق آموزش و پرورش امکان‌پذیر نبوده و اگر ممکن هم بشود

نهادینه، پایدار و بومی نخواهد بود.

3- محتویات آموزش

محتوای آموزش بسته به سطوح عمومی و متوسط متغیر خواهد بود. در سطح اول، علاوه بر آموزشهای عمومی و پایه‌ای که در تعریف سواد مطرح شد مطالبی برای ایجاد آمادگی و ارتقاء به سطح متوسطه نیز بایستی آموزش داده شود. علاوه بر آن، مسائلی چون یادگیری برای سودجستن از فرصتهایی که آموزش و پرورش در طول زندگی فراهم می‌آورد نیز مورد توجه است. یادگیری برای انجام دادن نه تنها مهارتهای حرفه‌ای بلکه در سطحی وسیع‌تر و به قصد رسیدن به شایستگی صورت می‌گیرد؛ به گونه‌ای که بتوان با موقعیتهای گوناگون روبه

مقایسه کشورهای مختلف از نظر میزان سرمایه گذاری در آموزش و پرورش

نام کشور	سال مطالعه	هزینه های کلی آموزش و پرورش		درصد هزینه های سرمایه ای از کل هزینه آموزش و پرورش	درصد هزینه های جاری از کل هزینه های آموزش و پرورش
		درصد از تولید ناخالص ملی	درصد از هزینه های کل دولت		
ایران	1996	2/5	10/9	14/7	85/3
امریکا	1990	5/3	12/3	9/5	90/5
آلمان	1991	4/1	11/6	9/5	90/5
ژاپن	1991	4/7	16/6	--	--
فرانسه	1993	5/5	--	9/2	90/8
دانمارک	1991	7/4	11/8	6/9	93/1
اتریش	1992	5/8	7/7	11/8	88/2
کره جنوبی	1992	4/2	14/8	20/2	79/8
مالزی	1993	5/1	--	12/2	87/8

رشد و به فعالیتهای گروهی پرداخت. یادگیری برای تقویت توان یا درک دیگران و همبستگی با آنان، یادگیری برای رشد شخصیت فردی و توانمندی برای داورى مسؤولیتهای شخصی و فعالیتهایی که منجر به خودپیروی می شوند انجام می شود.

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بوده رویکرد آن به سمت رفع نیازهای جامعه باشد؛ به گونه ای که معلوم باشد فرد آموزش دیده در آینده به چه شغلی اشتغال می یابد و چه نیازی از جامعه را مرتفع می نماید. این آموزشها در بُعد فنی و حرفه ای، تأمین کننده قسمتی از نیروی انسانی مورد نیاز بخشهای تولیدی و خدماتی جامعه است و در بُعد نظری نیز تأمین کننده نیاز نیروی انسانی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور خواهد بود.

4- روشهای آموزش و پرورش روشهای معمولی که اکنون در نظام تعلیم و تربیت کشور به کار گرفته می شود اثربخشی و کارایی مطلوبی ندارد. به نظر می رسد به همان نسبت که فن آوری و توسعه آن نقش مؤثری بر

ساختار و تشکیلات سازمانهای دولتی و خصوصی می‌گذارد و این امر در عصر حاضر به‌عنوان یک اصل در علم مدیریت پذیرفته شده‌است، روشهای آموزشی و پرورشی نیز باید به تناسب فن‌آوریهای جدید و تحول انسان در آینده در جهت مطلوب تغییر کند. از این‌رو، ضمن حفظ اصول و زمینه‌های تربیتی مطلوب و وضعیت روحی و روانی معلمان و مربیان، بایستی نسبت به اتخاذ شیوه‌های نوین و کارآمد اقداماتی صورت پذیرد؛ به گونه‌ای که، تلقی همگان از آموزش و پرورش لزوماً با تشکیل کلاس 30 تا 40 نفری و وجود یک معلم و فضایی همچون مدرسه و... مقارن نباشد، بلکه هنگامی که امر آموزش مطرح می‌شود باید متناسب با هر عصری و به

مقتضای اوضاع جامع آن این سؤال پاسخ داده شود که چه محتوایی را در چه بستری و به کمک چه فنونی (نرم‌افزار و سخت‌افزار) بایستی از عالم به متعلم منتقل نمود تا بهره‌وری آن به حداکثر برسد یا اثربخشی آن بیشینه باشد و هزینه آن به حداقل برسد.

5- نقش معلمان و مربیان

نقش نیروی انسانی و بویژه معلمان در جامعه ایران 1400 بسیار برجسته و حساس است. زیرا از یک طرف تربیت نیروی انسانی کارآمد و شهروند موردانتظاری که به‌عنوان یک آرمان مطرح می‌شود به ایشان سپرده شده است و چنانچه نیروی انسانی مربی و معلم امروز به تناسب رشد و تعالی جامعه تغییر نکند و مهارتهایی را که باید آموزش بدهد خود فرانگیرد، - بویژه در جهانی

که به طور فزاینده تحت سلطه فن‌آوری قرار دارد- انتظار دستیابی به اهداف تعیین شده غیرممکن می‌نماید.

در حال حاضر، وضعیت نیروی انسانی آموزش و پرورش به‌هیچ وجه مطابق با انتظارات و آرمانهای ایران 1400 نیست. اگر بنای سواد در 1400 بر تعریفی باشد که پیشتر گفته شد و محتوای آموزش، فنون و مهارتها نیز دارای ویژگیهایی باشد که برشمرده شد، هرگز دستیابی به چنین اهدافی با بافت نیروی انسانی امروز آموزش و پرورش امکان‌پذیر نخواهد بود. از مجموع حدود 980 هزار نفر نیروی انسانی شاغل در آموزش و پرورش، حدود 160 هزار نفر آنها (حدود 16 درصد) تا سال 1400 در سیستم باقی می‌مانند. از این تعداد حدود 131 هزار نفر آنها دیپلم و

فوق دیپلم هستند که به دوره های آموزشی بلندمدت نیاز دارند. بنابر این، اگر فرض کنیم با روشهای بسیار مؤثر و بهره‌ور، نیروی انسانی شاغل در آموزش و پرورش در سال 1400 از یک میلیون نفر بیشتر نشود، تقریباً 840 هزار نفر نیروی جدید وارد نظام آموزش خواهند شد. با عنایت به اینکه نیروی انسانی موردنیاز در دوره ابتدایی و راهنمایی از سوی خود آموزش و پرورش تربیت شود- و تنها نیاز دوره متوسطه توسط مراکز آموزش عالی تأمین می‌شود- از این رو، به نظر می‌رسد برای تحقق آرمانهای ایران 1400 تحولات قابل توجهی باید در روشهای آموزش، جذب، تأمین و نگهداری نیروی انسانی صورت گیرد. تاریخ توسعه و روند تحولات آن در کشورهای

مختلف نشان می‌دهد که برای نیل به توسعه پایدار ضروری است اولویت تغییر به ترتیب به نظامهای فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی داده شود. ممکن است با اولویت قائل شدن به نظامهای اقتصادی تحولاتی شکل گیرد و ظاهراً کشوری توسعه هم بیابد اما با این حال، اولاً این توسعه ناپایدار خواهد بود و ثانیاً ابعاد توسعه جامع و یکپارچه تحقق نمی‌پذیرد و بیشتر به رشد بعضی از عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی منجر خواهد شد. امروزه، تحولات سریع و غیرقابل مقایسه با گذشته در عرصه‌های علمی و فن‌آوری به تبع خود تغییراتی را در فرایند نظامهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در پی آورده است. کشوری که بخواهد نقش انفعالی در برابر تحولات شگرف نداشته باشد باید توانمندی، خلاقیت،

نوآوری و اتکاء به نفس را در ملت خود به نحوی تربیت نماید که همواره نقش مسلط و فعال خود را بر آثار تحولات یادشده داشته باشد. نکته دیگری که بر ضرورت این امر می‌افزاید تغییرات احتمالی و گسترده‌ای است که تا سال 1400 در همه عرصه‌های یاد شده محقق خواهد شد. از آنجاییکه ویژگی این تحولات مبهم و ناشناخته است از این رو باید نسبت به تقویت فکری، علمی، فنی و خودباوری نسل آینده همت وافر به خرج داده شود. باید راههایی در نظر گرفته- شود که بتوان از این تحولات برای خدمت به آموزش و پرورش استفاده کرد و افراد را برای کسب مهارت در زندگی و کار آینده آماده نمود. اتخاذ راهبردهایی مناسب نظیر مشارکتهای علمی با کشورهای گوناگون،

ایجاد فرصتهای مطالعاتی در هنر و حرفهٔ مربوط و نیز، گفت و شنوهای گسترده و افزایش مسؤلیت و مشارکت دست‌اندرکاران در همهٔ سطوح، بویژه در مراکز تربیت معلم و مربی، عنصری بسیار مهم در نوسازی آموزش و پرورش برای نیل به اهداف ایران 1400 است.

تحقق اهداف آرمانی 1400 جز با تجدید ساختار آموزش و پرورش، نیروی انسانی و در سرلوحهٔ آنها تربیت مطلوب معلم امکانپذیر نیست.

بنابراین، ضروری است در چشم‌انداز ایران 1400 به تعلیم و تربیت و بویژه معلم و آموزش و تربیت وی به‌نحو بسیار چشمگیری توجه بشود. برخی از سؤالات قابل‌توجه در این خصوص به قرار زیر است:

آموزش عمومی چه حدودی را از لحاظ کمی و کیفی دربر می‌گیرد؟ سن شروع مدرسه از چه سالی خواهد بود؟ طول هر دورهٔ تحصیلی (پس از تغییر و تصویب نظام جدید آموزش عمومی) چه مدتی است؟ چه نوع مهارتهایی باید به نسل جدید آموزش داده شود تا مناسب با اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سال 1400 باشد؟ اقتصاد کشور تا چه حد متکی به صادرات نفت خواهد بود؟ سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت چگونه است؟ تا چه حد اجرای اهداف آموزش و پرورش متکی به مشارکت غیردولتی است؟ حدود مشارکت شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در آموزش و پرورش چیست؟ چه متغیرهایی در اقتصاد به‌عنوان متغیرهای جانشین

عمل خواهند کرد؟ رویکرد اقتصادی جامعهٔ ایران 1400 به کدام فراوردهٔ تولیدی گرایش خواهد داشت؟ و... به‌منظور اتخاذ روشی مناسب برای ارائهٔ این فعالیت، از کلیهٔ اعضای شورا درخواست شد راهکارهایی که مناسب این چشم‌انداز است، نشان دهند. پس از جمع‌بندی کلیه آراء، نظریات و پیشنهادهای ارائه شده، موضوع در قالب فعالیت‌های دو گروه مطالعاتی (کمی و کیفی) در آموزش و پرورش دسته‌بندی شد. مسؤلیت گروه مطالعات کیفی به‌عهدهٔ پژوهشکده تعلیم و تربیت گذاشته شد و مسؤلیت گروه مطالعاتی کمی به‌عهدهٔ یکی از مشاوران حوزه معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی محول گردید.

6- اقدامات انجام‌شده و در دست انجام گروه مطالعات کیفی

6-1- بررسی دقیق اقداماتی که در زمینه آینده‌نگری در جهان انجام شده است، از نظر شناخت چگونگی و میزان تأثیری که تحولات علمی و فن‌آوری، رسانه‌های گروهی و ارتباطات، بازار کار و اشتغال، تحولات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و ... بر هدفها، محتوا، برنامه‌ها، اولویتها و جهت‌گیری‌های بخش آموزش و پرورش می‌گذارد و نیز از نظر آشنایی با توصیه‌های مجامع علمی، آموزشی و فرهنگی جهانی در ارتباط با آینده آموزش و پرورش و آشنایی با شیوه‌های آینده پژوهشی آموزش و پرورش در سایر کشورهای جهان؛

6-2- بررسی کلیه متون و پژوهشهای انجام شده در

زمینه آینده‌نگری ایران، اعم از مواردی چون قانون اساسی، آراء و نقطه‌نظرهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و برنامه‌های بلندمدت و میان-مدت توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی کشور به منظور شناخت چگونگی و میزان تأثیر و تحولات قابل پیش‌بینی عوامل اقتصادی فرهنگی و اجتماعی بر بخش آموزش و پرورش و نیز شناخت انتظارات و خواسته‌های سایر بخشها از آموزش و پرورش؛

6-3- بررسی تحولات گذشته و وضعیت فعلی آموزش و پرورش به منظور ریشه‌یابی تنگناها و اشکالات اساسی، شناخت نقاط قوت و ضعف، محدودیتها و مزیت‌های بخش و تحولات شاخصهای اساسی و مهم آن؛

6-4- مشخص کردن نگرشها و باورهای معلمان و دست‌اندرکاران ذی‌علاقه، ذی‌نفع و ذی‌نفوذ و ارزشها و آرمانهای حاکم بر جامعه اسلامی در زمینه آموزش و پرورش؛

6-5- تلفیق نتایج مطالعات فوق با نتایج حاصل از بررسی مسائل جمعیتی و برآوردهای کمی عوامل آموزشی و پیشنهاد هدفهای آموزشی و پرورشی ایران 1400، تبیین و توجیه مراجع تصمیم‌گیری وزارت آموزش و پرورش برای تعیین و تأیید نهایی هدفهای پیشنهادی؛

6-6- بررسی و تدوین راهبردها، سیاستها و جهت‌گیریهای محتمل و متناسب با هدفهای ایران 1400، تبیین و توجیه مراجع تصمیم‌گیری وزارت آموزش و پرورش برای تعیین و تأیید نهایی راهبردها و سیاستها و تدوین

گزارش تلفیقی از مجموعه مطالعات و پژوهشهای انجام- گرفته برای اقدامات بعدی.

7- اقدامات انجام شده و

در دست انجام گروه

مطالعات کمی

7-1- شناخت وضع موجود در آموزش و پرورش از نظر تحولات دانش‌آموزی از آغاز برنامه پنجساله اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور تاکنون و تجزیه و تحلیل روندهای موجود (روند ناشی از افزایش یا کاهش رشد دانش آموز به تفکیک دوره، جنس، شهر و روستا و...)

7-2- شناخت وضع موجود آموزش و پرورش از نظر تحولات کمی و کیفی نیروی انسانی از آغاز برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

کشور تاکنون و تجزیه و تحلیل روندهای موجود؛

7-3- شناخت وضع

موجود آموزش و پرورش از

نظر تحولات کمی و کیفی

فضاهای آموزشی و

پرورشی از آغاز برنامه

پنجساله اول توسعه

اقتصادی و اجتماعی فرهنگی

کشور و تجزیه و تحلیل

روندهای موجود؛

7-4- برآورد اولیه

جمعیت دانش‌آموزی مورد

انتظار در سطح کشور.

8- اقدامات ضروری و در

دست انجام فرابخشی

8-1- انتخاب نوع آموزش

یعنی انتخاب نوع جامعه.

چنین انتخابهایی در همه

کشورها گفت و شنودهایی

عمومی و گسترده‌ای را طلب

می‌کند که براساس ارزشیابی

دقیق از سایر نظامهای

آموزشی صورت می‌گیرد.

کسب‌نظر از مقامات سیاسی و شخصیت‌های علمی و اجتماعی برای دستیابی به بهترین راهبردهای اصلاحی آموزش و پرورش از جمله ضروریات است.

- تمرکززدایی اداری و

استقلال مؤسسه‌های

آموزشی شرط لازم برای

بروز خلاقیتها و

نوآوریهاست. از این‌رو،

درگیرکردن کلیه نهادهای

تصمیم‌گیری بویژه مجلس

شورای اسلامی و سوق‌دادن

به سمت سیاستگذاری‌های

جامع و هماهنگ از

ضروریات است.

8-2- آموزش سرمایه‌ای،

امری ملی و راهبردی است و

تنها نباید با فشارهای

اقتصادی و بازار کار تنظیم

شود. ضروری است مقررات

جامعی وضع شود و تعدیلهای

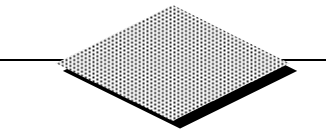
در بخشهای مختلف صورت

گیرد، تا جایگاه حقیقی خود را

بازیابد که این امر در گرو مشارکت صمیمانه و همکاری کلیه بخشهای دولتی و خصوصی است که با تجدیدنظر نسبت به وضع موجود و راهبردهای اصلاحی، نیل به این مقصود را فراهم آورند.

8-3- استفاده وسیع از فن‌آوری در آموزش بویژه در میان بزرگسالان نیازمند شناخت همه جانبه قابلیت‌ها و توانمندیهای بخش ارتباطات، راهها، وسایل ارتباطی، حمل و نقل و روند توسعه آنهاست. برای نمونه، اگر یکی از سیاستهای اتخاذ شده در برنامه ایران 1400 ایجاد شرکتهای تولیدی و خدماتی به منظور تحقق آرمانها و اهداف مورد نظر باشد، این امر نیازمند هماهنگی همه جانبه و جامع کلیه بخشها و نهادهای قانونی است.

8-4- حتی توسعه و تقویت زیربناها و ظرفیتهای صرفاً اقتصادی کشور به‌منظور جایگزینی نفت در ایران 1400 هم نیازمند همکاری و مشارکت، هماهنگی همه‌جانبه و عمومی کلیه بخشها و نهادهای دولتی و خصوصی است.



وزارت بهداشت درمان و

آموزش پزشکی در

ایران 1400

علوم پزشکی که پاسخگوی یک نیاز اساسی انسان یعنی ((تأمین، حفظ و ارتقاء سلامت)) است، به‌تناسب شأن بنیادی آن در مکتب حیات بخش اسلام از منزلتی والا برخوردار است. خدمات پزشکی که اقامه‌کننده یک واجب الهی و دفع‌کننده بلا از جان آدمیان است به حق مورد عنایت ویژه اسلام است، مشروط بر اینکه کاربرد آن انگیزه‌های الهی آمیخته با تلاش و سعی مسؤولانه و در جهت مصلحت و مبتنی بر آگاهیهای کافی و فارغ از اتکاء به ظن و

گمان و تبعیت از آنچه به آن وقوف ندارد، باشد.

سلامت یکی از محورهای اصلی توسعه پایدار و بخش لاینفک آن برای ارتقای زندگی است. حفظ و تأمین سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی جامعه عمده‌ترین وظیفه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است. برای رسیدن به این هدف اصلی در ((ایران 1400)) سیاستها و خط‌مشیهای اساسی به شرح زیر تدوین و اهداف بخشهای مختلف این وزارت مورد اشاره قرار گرفته است.

سیاستها و خط‌مشیها

□ تأمین، حفظ و ارتقای سلامت انسان به‌عنوان خلیفه... از لحاظ ابعاد جسمی، روانی، معنوی و اجتماعی؛

□ برقراری نظام مدیریت جامع، کارا، آگاه و عامل به تعالیم عالیة اسلامی؛

□ استقرار فرهنگ وجدان کاری، انضباط اجتماعی و اقتصادی در کلیه شئون پزشکی؛

□ حاکمیت فرهنگ اسلامی در ارائه خدمات پزشکی با هدف غایی جلب رضای افزونتر پروردگار و ارائه خدمات مناسبتر به بندگان خدا؛

□ استقرار² جامعیت علم‌پزشکی در کلیه رشته‌ها با درنظر گرفتن ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان؛

□ نظام آموزش پزشکی متکامل براساس تعالیم اسلامی؛

□ استقرار دانشگاههای علوم پزشکی اسلامی؛

□ توجه به اولویت بهداشت و پیشگیری به عنوان

زیربنای سلامت و اولویتهای روستا و حاشیة شهر به شهر، سرپایی به بستری و عمومی به تخصصی؛

□ برخورداری آحاد مردم از مزایای بیمه همگانی با پوشش کامل و حداقل هزینه؛

□ استقرار فرهنگ پژوهش و نوآوری در تمام زمینه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بویژه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی؛

□ فراهم‌آوردن امکانات لازم برای برخورداری آحاد مردم و ارائه خدمات بهداشتی- درمانی به اقشار محروم و گروههای آسیب‌پذیر؛

□ توسعه شبکه‌های بهداشتی- درمانی کشور با حفظ اصل سطح بندی، ارائه خدمات ادغام یافته و

برقراری نظام ارجاع با هدف ارتقاء کیفی خدمات از جامعه تا بیمارستان؛

تا بیمارستان؛

- توانایی کامل نظام شبکه بهداشتی- درمانی از نظر اختیارات، نیروی انسانی، تجهیزات و توان فنی؛
- ارتقاء سلامت زنان در مراحل مختلف زندگی و ایجاد تسهیلات مورد نیاز برای ارائه خدمات مناسب و کافی بویژه در دوران بارداری و حضانت کودکان؛
- تأمین توان دسترسی به نیروهای پزشکی همگن؛
- برخورداری از نظام آمار و اطلاعاتی یکپارچه، توانا و قابل اعتماد در سطح کشور، متصل به نظامهای اطلاعاتی، بهداشتی و درمانی بین‌المللی و بهره‌مند از سیستم مراقبت فعال و متکی به پرونده‌های خانوار، مراجعان و بیماران؛
- مشارکت فعال مردم در برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر امور بهداشتی- درمانی همراه با توسعه و ارتقاء شوراهای و کمیته‌های بهداشتی- درمانی؛
- همکاری کامل بخشهای دیگر توسعه در فعالیتهای بهداشتی، درمانی، آموزشی و پژوهشی در قالب کمیته‌های چندبخشی؛
- خودکفایی دارویی در زمینه شکل‌بندی مطلوب آن و تولید مواد اولیه و صادرات دارو؛
- خدمات بهداشتی- درمانی؛
- افزایش اجزاء و ارتقاء مراقبتهای بهداشتی- درمانی در حدی شایسته برای امت اسلامی و تأمین دسترسی به این اجزاء تا دورترین نقاط کشور؛
- خودکفایی مطلوب در تولید تجهیزات و ملزومات پزشکی و توسعه صادرات آنها؛
- ادغام فعالیتهای آموزشی، تحقیقاتی و خدماتی در کلیه واحدهای ارائه خدمات بهداشتی- درمانی؛
- مشارکت فعال بخشهای عمومی و خصوصی در ارائه خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی و پژوهشی در چارچوب قانون اساسی؛
- بهره‌وری کامل از امکانات و نیروی انسانی
- ارتباط فعال و پویا با مجامع پزشکی و حضور همه‌جانبه در صحنه‌های جهانی در کلیه موارد مربوط به سلامتی اعم از بهداشت، درمان، آموزش و پژوهش؛
- تأمین پشتوانه‌های لازم قانونی برای اجرای برنامه‌ها؛
- استقرار نظام صحیح نظارت بر کلیه امور بهداشتی، درمانی، فرهنگی، دانشجویی، آموزشی، پژوهشی، اداری و خدماتی.

اهداف بخش فرهنگی -

دانشجویی در ایران 1400

- حاکمیت ارزشهای اسلامی از جمله فرهنگ نماز، امر به معروف و نهی از منکر در بخشهای بهداشتی، درمانی، پژوهشی و آموزش پزشکی؛
- گسترش اخلاق پزشکی در کلیه شئون پزشکی کشور با این هدف که صاحبان حرفه‌های پزشکی، رضای خدا و رضایتمندی بیمار را هدف اصلی پنداشته، افرادی عالم، بصیر، مورد وثوق و مهربان باشند، به هیجانان و نگرانیهای بیمار اهمیت داده، مهارت کافی در ایجاد ارتباط با بیماران داشته باشند؛
- استقرار بستر مناسب فرهنگی، اخلاقی و سیاسی برای اعضای هیأت علمی، دانشجویان و کارکنان؛
- فراهم بودن تسهیلات و امکانات مناسب برای رشد و

تعالی علمی و معنوی دانشجویان.

اهداف بخش درمان و دارو در ایران 1400

- تحقق فرهنگ اسلامی در کلیه امور خدمات درمانی، دارویی، آزمایشگاهی و تغذیه‌ای؛
- تأمین خدمات درمانی مطلوب در اسرع وقت و با کیفیت عالی برای عموم مردم و حذف ارتباط مالی پزشک و بیمار؛
- تأمین و توزیع نیروی انسانی پزشکی و پیراپزشکی بر اساس سطح‌بندی ارائه خدمات؛
- تهیه و تأمین داروهای موردنیاز با کیفیت و قیمت مناسب برای آحاد مردم؛
- گسترش بخشهای بیمارستانی بر اساس نیاز در جهت تعمیم عدالت اجتماعی؛

□ گسترش خدمات سرپایی و مطلوب بودن زمان بستری در بیمارستانها؛

□ ارائه خدمات مطلوب با حداقل هزینه ممکن و واقعی کردن تعرفه‌های خدمات پزشکی؛

□ استقرار نظام دارویی و غذایی کارا، ایجاد رقابت در تولید و توزیع و نیز تمهیدات برای کیفیت مطلوب داروها و تجویز منطقی و مصرف بجا؛

□ برقراری جایگاه مناسب داروهای گیاهی در امور درمان؛

□ تأمین رضایتمندی بیماران از ارائه خدمات پزشکی؛

□ تأمین خدمات مطلوب برای فوریت‌های پزشکی در حداقل زمان و در همه نقاط کشور؛

□ تولید مطلوب، توزیع عادلانه تجهیزات و ملزومات

- پزشکی و حفظ و بهره‌وری بهینه آنها؛
- رشد و توسعه دانش فنی (تکنولوژی) در صنایع پزشکی غذایی، دارویی، بهداشتی و آرایشی به منظور نیل به خودکفایی و رقابت در بعد بین‌المللی؛
- استقرار سازمان نظام آزمایشگاههای کشور بر اساس نظام ارائه خدمات بهداشتی-درمانی و برقراری ثبت اطلاعات مطلوب؛
- حاکمیت سطوح قابل قبول ملی در کلیه خدمات مربوط به درمان و دارو اعم از درمان سرپایی و بستری، امور دارویی، تجهیزات و ملزومات، مواد غذایی، بهداشتی و آرایشی؛
- استقرار سیستم نظام کیفی مطلوب بر کلیه امور مربوط به درمان و دارو؛
- متعالی بودن خدمات بهداشتی-درمانی و مرجع بودن برای ارائه آنها در سطح بین‌المللی.
- اهداف بخش بهداشت در ایران 1400**
- تحقق شیوه‌های زندگی سالم با بهره‌گیری از تعالیم عالیة اسلام و کاهش فشارهای روانی با تقویت روحیة مذهبی؛
- ارتقاء کیفی خدمات بهداشتی به سطح مطلوب؛
- ریشه‌کنی و حذف کلیه بیماریهای واگیردار با قابلیت پیشگیری؛
- کنترل بیماریهای غیرواگیر و کاهش عوامل خطر این بیماریها؛
- ارتقاء سلامت جامعه و آحاد مردم از نظر جسمی، روانی اجتماعی و معنوی بویژه کودکان و زنان؛
- ارتقاء آگاهی بهداشتی عموم و تغییر رفتار در جامعه از طریق استمرار آموزشهای تغذیه‌ای، بهداشتی و درمانی مردم؛
- تأمین آب آشامیدنی سالم با کیفیت مطلوب؛
- تأمین امنیت غذایی، تغذیه سالم و استفاده از مواد غذایی حلال، با کیفیت مناسب و عاری از هر گونه آلودگی میکروبی و شیمیایی؛
- تأمین هوای سالم و عاری از هر آلودگی؛
- تأمین بهداشت و سلامت محیطهای کار، اشتغال و تحصیل؛
- تأمین بهداشت و سلامت مسکن و محیط زیست و دفع بهداشتی زباله‌ها و فاضلاب.
- اهداف بخش آموزش پزشکی در ایران 1400**
- متعالی بودن دانشگاه در کلیه ابعاد برای تربیت و فعالیت عالمان محقق، متعهد و

ناشران علم در سطح
بین‌الملل؛

□ استقرار آموزش
پزشکی جامعه‌نگر منطبق با
آخرین دستاوردهای علمی؛

□ حاکمیت آموزش
پزشکی جامع و منطبق با کلیه
نیازهای انسانی در ابعاد
جسمی، روانی، اجتماعی و
معنوی؛

□ فراهم نمودن تسهیلات و
امکانات مناسب برای رشد
علمی و معنوی دانشجویان و
بی‌نیازی استادان از اشتغال
در خارج از دانشگاه؛

□ تربیت و تأمین نیروی
انسانی گروه پزشکی بر
اساس معنویت، عرفان و
حکمت و متناسب با نیازهای
جامعه در کلیه رشته‌های
گروه پزشکی؛

□ استقرار نظام آموزش
مداوم برای کلیه رده‌های
گروه پزشکی بر اساس
نیازهای جامعه.

اهداف بخش پشتیبانی در
ایران 1400

□ استقرار تشکیلات و نظام
اداری مناسب برای ارائه
خدمات بهداشتی درمانی،
آموزشی و پژوهشی؛

تخصیص درصد مناسبی
از درآمد ناخالص ملی برای
بهداشت، درمان، پژوهش و
آموزش پزشکی؛

□ تأمین فضاها و امکانات
مناسب برای ارائه خدمات
بهداشتی، درمانی، آموزشی و
پژوهشی.

هدفهای اختصاصی بخش
پژوهش پزشکی در ایران
1400

□ تحقق فرهنگ پژوهش
در دانشگاه‌های علوم پزشکی
و مراکز و مؤسسات
بهداشتی درمانی کشور

- تحول نظام مدیریتی
تحقیقات در دانشگاه‌های

علوم پزشکی کشور به‌نحوی
که دست‌اندرکاران امر تحقیق
هدایت کامل و جامعی در امر
تحقیق داشته، به سیستم
گزارش‌دهی و اطلاع‌رسانی،
نظارت و ارزشیابی مطلوب
مجهز باشند.

- کلیه دست‌اندرکاران امر
تحقیق در دانشگاه‌های علوم
پزشکی کشور در سطوح
مختلف مدیریتی و اجرایی
مهارت کامل در هدایت
تحقیقات دانشگاهی داشته
باشند.

- صد در صد
دست‌اندرکاران امر تحقیق در
دانشگاه‌های علوم پزشکی
کشور مجهز به سیستم
گزارش‌دهی مستمر و دقیق به
سیاست‌گذاران کشور در بُعد
کلان باشند.

- نظارت و ارزشیابی
سطوح مختلف پژوهش به
طور صد در صد و کامل
انجام شود.

- تغییر نگرش و عملکرد
 اعضای هیأت علمی
 دانشگاهی نسبت به امر
 تحقیق و ضرورت آن به
 گونه‌ای که تعداد مقالات و
 کتابهای چاپ شده در هر
 سال دو برابر تعداد اعضای
 هیأت علمی هر دانشگاه باشد.
 - رشد کمی و کیفی
 طرحهای تحقیقاتی به گونه‌ای
 که تعداد طرحهای تحقیقاتی،
 یک سوم تعداد اعضای هیأت
 علمی و شامل 30 درصد
 طرحهای بنیادی و 70 درصد
 طرحهای کاربردی و
 توسعه‌ای باشد.
 - صد در صد پایان-
 نامه‌های دوره پزشکی
 عمومی، دندان پزشکی،
 پیراپزشکی و سایر رشته‌های
 وابسته، تحقیقی باشند.
 - اصلاح ساختار تحقیقات
 در دانشگاهها و مؤسسات
 تحقیقاتی در حد مطلوب.

□ ارتقاء سطح تحقیقات و
 به‌کارگیری روشهای تحقیق
 مناسب
 - صد در صد طرحهای
 تحقیقاتی تدوین شده در
 مراکز دانشگاهی از
 روش‌شناسی مناسب تحقیق
 برخوردار باشد. به گونه‌ای
 که، نتایج آنها بتواند در قالب
 مقاله در مجلات داخلی-
 خارجی منتشر شود.
 □ به کارگیری تحقیقات
 کاربردی برای رفع نیازهای
 اساسی کشور و جهان اسلام
 - انجام دادن تحقیقات
 کاربردی برای رفع نیازهای
 اساسی کشور در خصوص
 مشکلات مربوط به بهداشت،
 درمان، دارو، آموزش و
 مسائل دانشجویی و فرهنگی؛
 - به‌کارگیری تحقیقات
 کاربردی برای اصلاح نظام
 بهداشتی، درمانی و آموزش
 پزشکی کشور؛

- بهره‌گیری کامل از نظام
 اطلاع‌رسانی زیست
 پزشکی (HBI) و نظام ثبت
 اطلاعات آمار حیاتی؛
 - کمک به طراحی، تدوین
 و اجرای تحقیقات پزشکی در
 جهان اسلام.
 □ تربیت محققان و توسعه
 مراکز تحقیقاتی علوم
 پزشکی
 - به حدنصاب رساندن
 پژوهشگران علوم پزشکی به
 تعداد بیش از 700 نفر به
 ازای هر یک میلیون جمعیت؛
 - افزایش تعداد مؤسسات
 تحقیقاتی به بیش از 200
 واحد؛
 - افزایش کارکنان پژوهش
 به تعداد بیش از 2000 نفر در
 هر میلیون نفر جمعیت؛
 - افزایش تعداد کتابهای
 موجود در کتابخانه‌های
 پزشکی به بیش از 1/9
 میلیون جلد کتاب.

□ حاکمیت اخلاق در پژوهش و نظارت بر تحقیقات انسانی

- رعایت اصول اخلاق در پژوهش در خصوص کلیه تحقیقات کشور؛
- تصویب طرحهای تحقیقاتی بر اساس معیارهای مصوب از نظر اصول و مبانی اخلاقی؛

- نظارت کامل بر تحقیقات پزشکی کشور بویژه تحقیقات انسانی برای جلوگیری از مغایر بودن با ارزشهای اسلامی انسان و رعایت اصول آزادی فردی.

راهبرد تعیین شده برای تحقق اهداف ایران 1400 بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

1- تشویق، تقویت و اشاعه فرهنگ بررسی، پژوهش و ابتکار در تمام زمینههای علوم پزشکی؛

2- گسترش تحقیقات، رفع مشکلات موجود در تحقیقات علوم پایه پزشکی، علوم بالینی، نظام بهداشتی، آموزشی و درمانی؛
3- هدایت و کاربردی کردن تحقیقات بر اساس نیازهای کشور؛
4- استمرار و تداوم بهره‌گیری از نیروی محقق و ایجاد انگیزه‌های لازم؛

5- بهره‌گیری از نتایج تحقیقات در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاریها؛
6- افزایش اعتبارات تحقیقاتی با جهت‌دهی سهمیه‌ای به اولویتهای محوری؛

7- تخصیص سهم مناسب و اصلی تحقیقات در علوم پزشکی به تحقیقات پایه و کاربردی؛

8- افزایش تعداد مؤسسات پژوهشی؛
9- افزایش تعداد محققان، کارشناسان و تکنسین‌های

پژوهشی از 240 نفر در هر میلیون نفر به 725 نفر در هر میلیون نفر؛
10- فراهم‌سازی زمینه‌های مناسب افزایش متوسط رشد سالانه تعداد طرحهای تحقیقاتی از حداقل 482 طرح (متوسط افزایش سالانه در وضع کنونی) به 3252 طرح (متوسط افزایش سالانه تا سال 1400)؛

11- ایجاد تسهیلات لازم برای مبادله اطلاعات علمی از طریق فرصتهای مطالعاتی و بورسهای تحقیقاتی و تشکیل سمینارها و کنگره‌های علمی و پژوهشی؛

12- تأسیس مرکز علمی تحقیقات علوم پزشکی کشور به‌منظور تمرکز در اجرای سیاستهای تحقیقاتی؛

13- انتقال فن‌آوری و دانش فنی به‌منظور ایجاد ساختار مناسب جذب سرمایه‌های خارجی برای

علوم جدید مانند بیوتکنولوژی و تشویق بخش خصوصی و مشارکت در اجرای طرحهای تحقیقاتی با همکاری سازمانهای بین‌المللی؛

14- تدوین برنامه ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور با اهداف زمانبندی شده در راستای برنامه‌های کلان توسعه‌ای کشور؛

15- ایجاد هماهنگی درون بخشی و برون بخشی علوم پزشکی با سایر علوم برای جذب امکانات و بالابردن توان و کارایی؛

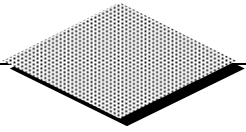
16- توسعه فعالیتهای آمار حیاتی در کشور برای ثبت و دسترسی سریع به اطلاعات مستمر و جاری آمار حیاتی به منظور تبیین مشکلات موجود و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای رفع مشکلات؛

17- ارزیابی برنامه های تحقیقاتی در دست اجرا و تعیین نقاط ضعف و قوت و اعلام آن به مراکز اجرایی کشور؛

18- نظارت بر کلیه تحقیقاتی که در زمینه علوم پزشکی در کشور انجام می‌شود؛

19- تقویت نظام اطلاع‌رسانی علوم پزشکی کشور.

* این گزارش، در تاریخ 1376/6/4 از سوی معاونت تحقیقات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در اختیار فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.



راهبردهای وزارت صنایع

برای ایران 1400

جهت‌گیریهای اصلی برنامه توسعه صنعتی در افق 1400 با عنایت به گرایشها و روندهای آینده اقتصاد جهانی و تحولات آتی در ساختار مناسبات بین‌المللی و منطقه‌ای برای دستیابی به جامعه‌ای پیشرفته و برخوردار از صنعتی نیرومند، پویا، رقابت‌پذیر و قابل‌انعطاف بر اساس تصویرسازی از موقعیت کنونی و آینده اقتصاد کشور شکل گرفته است.

1- محورهای راهبردی برنامه ایران 1400 در وضعیت جدید بین‌المللی و با توجه به اهمیت ایجاد مشاغل مولد، رشد تولید در اقتصاد

ملی، ضرورت تحول در مبنای فنی تولید و افزایش بهره‌وری، وجود رقابت شدید و گسترده در عرصه تجارت جهانی و نیز قطع وابستگی به نفت، ناگزیر باید بر بنیاد اقتصادی باز، رقابتی و معطوف به تولید انبوه و صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی تکیه کند.

2- ایجاد نظم تولیدی با هدف گسترش صادرات و بویژه صادرات صنعتی مستلزم نهادسازی و بازآرایی اقتصاد ملی، درهم‌آمیزی مناسب و راهبردی با اقتصاد بین‌المللی و همکاریهای منطقه‌ای، توسعه منابع انسانی و تحول فن‌آوری، بسترسازی برای گسترش رقابت با تکیه بر آزاد سازی اقتصادی، به‌کارگیری سازوکار بازار، خصوصی‌سازی و توسعه بخش خصوصی، محدود کردن اعمال تصدی و کاهش سهم دولت در اقتصاد ملی، دگرگونی در شیوه دخالت‌های دولت در فعالیتهای اقتصادی و جهت دادن آن به سمت مدیریت راهبردی و برنامه‌ریزیهای کلان توأم با ظرفیت‌سازی در داخل دولت برای ارتقاء کیفی سیاست‌گذاریها و اداره امور اقتصادی- اجتماعی کشور و در نهایت آفرینش محیطی اطمینان‌بخش برای کارگزاران اقتصادی و سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است.

3- با فرض تحقق همه این شرایط، رشد آینده اقتصاد ایران را با تأکید بر نقش محوری و راهبردی بخش صنعت برای ایجاد اشتغال، دستیابی به تولید انبوه و صادرات صنعتی، می‌توان در گزینه‌های متفاوت مطرح ساخت که هر یک از آنها الزامات و پیش‌نیازهای خاص خود را می‌طلبد. شایان توجه است که متوسط رشد تولید ناخالص داخلی ایران طی سه دهه گذشته، 4/35 درصد بوده است. از سوی دیگر، اقتصادهای 8 کشور آسیای شرقی با عملکرد صادراتی چشمگیر در طول 25 سال (1965-90) به‌طور متوسط 5/5 درصد رشد سالانه داشته‌اند که بین حداقل 4 درصد (مالزی) تا اندکی بیش از 7 درصد (تایوان و کره جنوبی) متغیر بوده است. در همین حال، پیش‌بینیهای بانک جهانی حکایت از آن دارد که ظرف دهه 1996 تا 2005، رشد کل اقتصاد جهان سالانه به‌طور متوسط 3/5 درصد، اقتصادهای در حال توسعه 5/3 درصد، خاورمیانه و شمال آفریقا 2/9 درصد و آسیای شرقی - با بالاترین میزان رشد در این دوره -

7/9 درصد خواهد بود. ایران با داشتن موقعیت استراتژیک و ژئواکونومیک و مدیریت معطوف به رشد و سازندگی، این توانایی را خواهد داشت که در صورت نهادهاسازی و فضا سازی‌های مناسب، به رشد بالاتری از رشد متوسط منطقه دست یابد.

به این نکته کلیدی نیز باید عنایت داشت که با وجود گستردگی و ژرفای رقابت بین‌المللی، نقش نوآوری و تحول فن‌آوری در رشد و توسعه اقتصادی کشورها و نیز مشکل دستیابی به مزیت‌های رقابتی، فرایند رشد در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های آینده بسیار دشوارتر از گذشته خواهد بود و به‌رغم فرصت‌های تازه در عرصه تجارت جهانی، این کشورها و از جمله ایران با چالش‌های عمده مواجه خواهند بود.

4- در بررسی‌های انجام شده برای رشد اقتصادی ایران سه گزینه بر مبنای رشد 5 درصد، 7 درصد و 8 درصد پیش‌بینی شده است که گزینه نخست به تعبیری ادامه روند رشد گذشته اقتصاد کشور برای دوره 25 سال آینده است. این آهنگ رشد با توجه به روندهای جمعیتی و نیازهای ارزی ناشی از افت درآمدهای نفتی و ضرورت سرمایه‌گذاری‌های جبرانی معطوف به نوسازی پایه صنعتی کشور، نمی‌تواند به‌قدر کافی پاسخگوی الزامات ناشی از ایجاد شغل و درآمد و فرآیندهای صنعتی شدن اقتصاد کشور باشد. در گزینه 5 درصد رشد تولید ملی، میزان بیکاری آشکار به حدود 16 درصد جمعیت فعال افزایش خواهد یافت، رشد بهره‌وری در کل اقتصاد به حدود 2/5 درصد محدود

شده و اشتغال اضافی در بخش‌های کشاورزی و خدمات به وضوح عوارض بیکاری پنهان را در این دو بخش نمودار خواهد ساخت. در چنین چشم‌اندازی، گسترش بخش دولتی به‌منزله عامل نهایی استخدام و مقابله با گسترش بیکاری در کشور کماکان ادامه خواهد یافت که طبعاً با ایجاد فضای مناسب برای بخش خصوصی تولید کننده با هدف تحول کمی و کیفی در صادرات کشور مغایرت خواهد داشت. برای پرهیز از وقوع چنین وضعیتی و دستیابی به هدفهای اقتصادی- صنعتی کشور، ناگزیر باید رشد بالاتری برای تولید ناخالص داخلی به اندازه تقریبی بیش از سه برابر رشد جمعیت در نظر گرفت که بتواند:

- مشکل بیکاری را برطرف سازد؛

- امکانات رشد و تعادلهای بخشی را در حد مناسب فراهم کند؛

- بهره‌وری در بخشها را افزایش دهد و از فاصله بین بهره‌وری در بخشها بکاهد.

- امکان تحول مبانی فنی تولید را ایجاد کند؛

- از گسترش بی‌تناسب بخش عمومی که عامل بازدارنده‌ای برای توسعه بخش خصوصی و صنعتی شدن کشور است جلوگیری کند؛

- امکان سرمایه‌گذاری در بخشهای مدرن اقتصاد، تولید انبوه و صدور کالاهای صنعتی را به منزله جایگزین نفت فراهم سازد.

با توجه به موارد یادشده و بررسیهای امکان‌سنجی و نیز در نظر گرفتن جذب و جلب منابع و سرمایه‌های خارجی، گزینه‌های رشد 7 درصد و 8 درصد تولید ملی

تا سال 1400 طراحی شده است.

انتخاب رشد 7 درصد و 8 درصد در کنار هم به این منظور صورت گرفته است که نشان داده شود اختلاف یک درصد در رشد دوره بلندمدت 25 ساله تا چه حد می‌تواند تفاوت فاحشی را در اندازه اقتصاد و ترکیب آن از نظر تولید، ایجاد درآمد و صادرات کالا ایجاد کند و ضرورت تلاش گسترده مردم، دولت و کارگزاران اقتصاد کشور بویژه بخش خصوصی و الزامات فضا سازی در سطوح ملی و بین‌المللی را منعکس سازد. همین اختلاف یک درصد در اندازه رشد در افق 25 ساله، تولید ناخالص داخلی سرانه را از حدود 7 هزار دلار (در گزینه 7 درصد) به بیش از 9 هزار دلار (در گزینه 8 درصد) خواهد رساند.

پارهای از یافته‌های سه گزینه رشد آینده اقتصاد ملی، بخش صنعت و صادرات کالاهای صنعتی را در قیاس با یکدیگر و در افق 1400 می‌توان چنین خلاصه کرد:

گزینه رشد 5 درصد برای اقتصاد ملی

- تولید ناخالص داخلی کشور برابر 476 میلیارد دلار،

- سرانه تولید ناخالص داخلی برابر 3892 دلار؛

- رشد بخش صنعت 7 درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی 23/8 درصد؛

- رشد بهره‌وری در بخش صنایع و معادن به طور متوسط 4/5 درصد در سال؛

- جمعیت شاغل در بخش صنایع و معادن 9/5 میلیون نفر؛

- میزان بیکاری در کل اقتصاد 15/8 درصد؛

صادرات کالاهای صنعتی 49 میلیارد دلار، سهم آن در کل صادرات کشور 70 درصد و میانگین رشد سالانه طی دوره 25 ساله 14/9 درصد.	- صادرات کالاهای صنعتی 105/6 میلیارد دلار، سهم آن در کل صادرات کشور 80 درصد و میانگین رشد سالانه طی 25 سال 18/1 درصد.	- صادرات کالاهای صنعتی 150 میلیارد دلار و سهم آن در کل صادرات کشور 85 درصد و میانگین رشد سالانه طی 25 سال حدود 20 درصد.
گزینه رشد 7 درصد برای اقتصاد ملی	گزینه رشد 8 درصد برای اقتصاد ملی	در سه سناریوی مطرح شده، سه سطح متفاوت جمعیتی 120، 110 و 103/8 میلیون نفر برای سال 1400 در نظر گرفته شده است. این اختلاف ناشی از موارد زیر است:
- تولید ناخالص داخل کشور برابر 777 میلیارد دلار؛ - سرانه تولید ناخالص داخلی برابر 7046 دلار؛ - رشد بخش صنعت 9/7 درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی 28 درصد؛ - رشد بهره‌وری در بخش صنایع و معادن به طور متوسط 5/3 درصد در سال؛ - جمعیت شاغل در بخش صنایع و معادن 14/3 میلیون نفر؛ - میزان بیکاری در کل اقتصاد 5/6 درصد؛	- تولید ناخالص داخل کشور برابر با 944 میلیارد دلار؛ - سرانه تولید ناخالص داخلی برابر 9092 دلار؛ - رشد بخش صنعت 11/2 درصد و سهم آن در تولید ناخالص داخلی 30 درصد؛ - رشد بهره‌وری در بخش صنایع و معادن به طور متوسط 6/2 درصد در سال؛ - جمعیت شاغل در بخش صنایع و معادن 13/7 میلیون نفر؛ - میزان بیکاری در کل اقتصاد 5 درصد؛	الف) رابطه معکوس بین رشد اقتصادی و رشد طبیعی جمعیت؛ ب) ضرورتها و الزامهای اقتصادی - اجتماعی و ارتباط آگاهیهای اجتماعی و کنترل میزان زاد و ولد جمعیت در فرایند رشدهای بالاتر اقتصادی؛ ج) تفاوت در پایه‌های آماری و پیش‌بینیهای جمعیتی آینده.

راهبردها و جهتگیری های توسعه صنعتی

راهبردهای اصلی توسعه صنعتی کشور در سالهای آینده، الزاماً باید معطوف به انتخاب خط‌مشیها و سیاستهایی شود که زمینه رشد فزاینده و تنوع تولیدات صنعتی را به گونه‌ای پیوسته و پایدار فراهم سازد و حضور ایران را در بازارهای جهانی در ابعاد گسترده- همانند کشورهای نوساخته صنعتی- امکانپذیر سازد.

جهت‌گیری‌های راهبردی مهم بخش صنعت کشور در چهارچوب رشد و توسعه اقتصاد ملی به قرار زیر خواهد بود:

نقش راهبری و سیاستگذاری دولت

فعالیت بخش دولتی حداقل در دهه اول دوره 25 ساله

در شاخه‌های راهبردی و اساسی کماکان ادامه خواهد یافت اما در صورت آمادگی بخش خصوصی و به منظور آزاد کردن مسئولیت دولت و تمرکز آن در فعالیتهای زیربنایی و ارائه خدمات اجتماعی، نباید هیچ‌گونه محدودیتی برای فعالیت بخش خصوصی در زمینه‌هایی که اکنون دولت درگیر آن است به وجود آید.

سیاستهای صنعتی و بازرگانی بر اساس تقسیم کار و هماهنگی بین بخش دولتی و سرمایه‌گذاران خصوصی به گونه‌ای ثابت، باید عامل تشویق‌کننده بخش خصوصی به سرمایه‌گذاریهای بیشتر باشد.

دولت باید حمایت از هر گونه فعالیت تولیدی و سازنده بخش خصوصی را مورد توجه قرار دهد و از اعمال سیاستهایی که سبب

رقابت نابرابر با بخش خصوصی شود جداً احتراز نماید.

به‌طور کلی، محدود ساختن حیطه دخالتها و مسئولیتهای دولت در زمینه توسعه صنعتی و سپردن تدریجی این فعالیتهای به بخش خصوصی، از جمله اقدامات اساسی و سرنوشت ساز در فراگرد صنعتی کردن کشور طی سالهای آینده به‌شمار می‌رود و نقش دولت عمدتاً باید بسترهای مناسب برای فعالیت گسترده‌تر بخش خصوصی و ایجاد رقابت و سازماندهی بازارها و... معطوف شود.

در فرایند بلندمدت توسعه اقتصادی- صنعتی کشور، بتدریج با کوچک شدن حیطه سازمانی دولت، دخالتهای مقداری و کنترل‌های مستقیم دولت کم رنگ می‌شود و نقش اصلی دولت

به راهبری و سیاستگذاری‌های کلان صنعتی محدود خواهد شد.

توسعه بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی

اصلاح مسیر و هدایت سرمایه‌های خصوصی از بخش‌های خدماتی غیرمولد به سمت بخش صنعت، جوهر اصلی تحول کمی و کیفی رشد و توسعه اقتصادی آینده است. از آنجا که سرمایه‌گذاری درخصوص منابع داخلی به تنهایی قادر به تأمین هدف‌های رشد با میزان‌های بالای موردنظر در چشم‌انداز آینده توسعه صنعتی کشور نیست، بنابراین، جذب سرمایه خارجی با رعایت مصالح اقتصادی- سیاسی بلندمدت کشور برای حفظ آهنگ پیوسته صنعتی، تقویت توان فن‌آوری، ظرفیت گستر

صنعتی و حضور در بازارهای پیوند یافته جهانی الزامی است.

زمینه‌سازی اصلاحات دیدگاهی، ساختاری و اقتصادی (مالی، بازرگانی، ارزی، پولی، بانکی، بیمه و...) و دگرگونی در نهادها، سازمانها و قوانین موجود به گونه‌ای که مشوق‌های بیشتر و مشکلات کمتری برای سرمایه‌گذاری‌های صنعتی اعم از داخلی و خارجی فراهم سازد، شرایط نخستین هرگونه حرکت توسعه‌جویانه صنعتی محسوب می‌شود.

تأمین اهداف بلندپروازانه صادرات از طریق گسترش بخش صنعت بدون حضور فعال یک بخش خصوصی توانمند و علاقه‌مند به توسعه فعالیت‌های تولیدی در کشور و بدون همکاری شرکت‌های بزرگ تولیدی- تجاری خارجی با شرکت‌های

تولیدکننده داخلی، میسر و ممکن نیست. چنین همکاری‌هایی می‌تواند با استفاده از تجارب کشورهای نوظهور صنعتی و موفق در عرصه صادرات محصولات صنعتی و پس از بازآراییها و فضا‌سازیهای لازم صورت پذیرفته تحرك مطلوبی را در فعالیتهای اقتصادی- صنعتی آینده کشور به‌وجود آورد. افزایش تدریجی سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی، بدون شك در گرو انجام دادن مجموعه تحولات و اصلاحاتی خواهد بود که شرایط و زمینه لازم را برای گسترش فعالیتهای بخش خصوصی و سرمایه‌گذاریها و همکاریهای مشترک داخلی- خارجی فراهم سازد.

برونگرایی و توسعه صادرات صنعتی

محور اصلی توسعه صنعتی آینده کشور، رشد و افزایش سهم صادرات صنعتی است. این فرایند با توجه به روندهای درهم آمیزی جهانی مستلزم بازکردن اقتصاد، برونگرایی، آزادسازیهای تجاری، کنترل زدایی و درهم آمیزیهای منطقه ای است. نظر به اهمیت جایگزین کردن صادرات نفت با صادرات کالاهای صنعتی، جهت گیریهای اساسی برای گسترش صادرات صنعتی که از برنامه اول توسعه روند مناسبتری یافته است، باید تداوم یابد.

در جهت کاهش هزینه تولید و رشد صادرات صنعتی، زمینه های لازم برای بهره برداری از ظرفیتهای اضافی صنایع باید فراهم آید. برقراری مشوقهائی نظیر

اعطای اعتبارات صادراتی با سود بانکی قابل رقابت در بازارهای خارجی، کاهش موانع تجاری و حذف مالیات به سود صادرکنندگان کالاهای صنعتی، کمکهای مالی و تسهیل شرایط استرداد حقوق گمرکی نهاده های وارداتی مورد نیاز در تولید کالاهای صادراتی و نیز کمک برای بازاریابی کالاهای صنعتی صادراتی باید مد توجه قرار گیرد.

سیاستهای اقتصادی کشور باید در این راستا به گونه ای طراحی و اعمال شود که ثبات رویکردهای صادراتی را بویژه در زمینه صادرات محصولات صنعتی، طی دوره میان مدت و بلندمدت تداوم بخشد. دولت باید با هرگونه مانعی که در راه افزایش صادرات صنعتی کشور وجود دارد یا در آینده ممکن است ایجاد شود به

سرعت مقابله و تصمیمات و اقدامات اجرایی هماهنگی را در جهت رفع آنها اتخاذ نماید. سیاست توسعه پیوسته صادرات صنعتی باید به منزله یکی از مهمترین هدفهای ملی تلقی گردد.

رقابت پذیری و سازمان صنعتی

دگرگونی در کیفیت تقاضاهای بازار و سلیقه مصرف کننده و همچنین جهانی شدن بازارها و تقاضا، از ویژگیهای تولید و تجارت جهانی به شمار می رود. انعطاف پذیری بخش صنعت برای پاسخگویی به این ضرورت، اهمیت خدمات تحقیق و توسعه، طراحی، مهندسی و سازماندهی های نوین صنعتی را در عرصه صنایع آینده بیش از پیش آشکار می سازد. افزایش رقابت پذیری در شرایط

درهم‌آمیزیهای بین‌المللی و تحولات فن‌آوری، به هماهنگ شدن هر چه بیشتر با این دگرگونیها و تقویت قابلیت‌های تولید کالاهای جدید در پهنه بازارهای داخلی و خارجی وابسته است. بنابراین، بنگاه‌های صنعتی و صنعتگران باید تشویق شوند که با اتخاذ راهبردها و روشهای جدید، کالاهایی با سطح قابل پذیرش بالا و متناسب با بازار جهانی تولید کنند. واحدهای صنعتی که خود را با این تغییر و تحول جهانی هماهنگ نسازند به طور طبیعی از گردونه ورود به میدان تجارت کالا در بازارهای بین‌المللی خارج خواهند شد. توسعه زیربنا، گسترش شبکه‌های ارتباطی با خارج، ایجاد فضای مناسب برای ابتکارات بخش خصوصی و تقویت بخش خدمات مدرن و پویا و

معطوف به بازار جهانی، از الزامات تحکیم مبانی رقابت-پذیری به‌شمار می‌رود.

ارتقاء توانمندیهای

فن‌آورانه

پژوهشهای علمی و فنی و گسترش مراکز تحقیق و توسعه در واحدهای صنعتی، عامل اساسی استقلال صنعتی و زیربنایی برای ایجاد تحولات در بخش صنعت به شمار می‌آید. هدف از ایجاد این فرآیند در بخش صنعت، دستیابی به کارگیری نتایج تحقیقات در طراحی کارخانه‌جات و تولید انواع محصولات صنعتی با کیفیت بهتر و هزینه کمتر است. تأسیس چنین مراکزی در واحدهای بزرگ صنعتی و تعمیم یافته‌های آنها در سطوح مختلف صنایع متوسط و کوچک با هدف تعمیق فرایند صنعتی کردن

کشور، طی سالهای آتی باید مورد تأکید قرار گرفته کمکها و مشوقهای مالی و اعتباری لازم به آن اختصاص داده شود.

درجهت تسهیل فرایند انتقال، انطباق و ارتقاء و انتشار فن‌آوری جدید، باید مراکز تحقیقاتی و یا شرکتهای خدماتی فنی و مهندسی تخصصی ایجاد و گسترش یابد.

صنایع با ارزش افزوده

بالا

گرایش به‌سمت صناعی که تولیدات با ارزش افزوده بالاتر به بازارهای داخلی و خارجی عرضه کنند، از جمله ضرورت‌های مهم آینده به‌شمار می‌رود. الزامات این تحول، سرمایه‌گذاری، به کارگیری فن‌آوری پیشرفته در شاخه‌های راهبردی صنعتی، اعمال مجموعه تدابیر

و اجرای طرحهای منسجم در زمینه توسعه منابع انسانی و استفاده بهینه از آن در همه رشته‌های صنعتی و نیز ورود به حوزه‌ها و مرزهای جدید تولید صنعتی است.

پیوند بین صنایع بزرگ با صنایع کوچک و متوسط

استفاده از مقیاس بزرگ تولید در صنایع، برپایی و تقویت مجتمع‌های صنعتی-تجاری رقابتی برای دستیابی به تولیدات انبوه و با هدف گسترش صادرات، از اهمیت خاصی برخوردار است. امنیت اجتماعی

سرمایه‌گذاریهای بزرگ، عامل عمده شکل‌گیری واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی است. ایجاد مشوقهای لازم برای تقویت گرایش به سرمایه‌گذاری در واحدهای بزرگ صنعتی و هماهنگ ساختن فعالیت آنها در پیوند

با صنایع کوچک و متوسط، گامی اساسی و حیاتی در تحولات آینده صنعتی کشور محسوب می‌شود. تقویت پیوندهای بین صنعتی و گسترش نهادهای پیمانکاری فرعی شبکه‌های افقی و عمودی تولید با به‌کارگیری واحدهای کوچک و متوسط

بویژه در زمینه تولید کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای منتخب در جهت کاهش واردات و توسعه صادرات و نیل به مرحله‌ای از توسعه صنعتی با درهم آمیختگی تولیدی بیشتر، مورد تأکید است. سرمایه‌گذاری بر روی صنایع تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای، باید از اولویت بیشتری برخوردار شود.

صنعتی شدن و توسعه پایدار

با توجه به رشد روزافزون جمعیت و گسترش

شهرنشینی از یکسو و ازدیاد واحدهای صنعتی در سطح شهرها و روستاها از سوی دیگر و به منظور احتراز از انواع آلودگیهای زیست محیطی، بهبود شرایط تولید صنعتی، حفاظت از محیط زیست فضاهای شهری و روستایی و نیز استفاده بهینه از منابع طبیعی تجدیدشونده یا تجدیدناشدنی، سیاست آمایش صنعتی باید به گونه‌ای درست برنامه‌ریزی شده هماهنگ با دستگاههای مختلف تصمیم‌گیر در زمینه توسعه فعالیت‌های صنعتی، طراحی و به اجرا گذاشته شود.

رعایت اصل «صنعت برای زیست موجودات زنده و در خدمت زندگی بهتر» باید با تأکید بسیار مورد توجه قرار گیرد.

چهارچوب سیاستها و اقدامات مشخص برای توسعه صنعت

در قالب راهبردها و خط‌مشی‌های پیش‌گفته، برخی سیاستها و اقدامات مشخص را که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت زمینه لازم برای تسهیل و تسریع جریان توسعه صنعتی را فراهم می‌کند، به شرح موارد زیر می‌توان برشمرد:

- قیمت عوامل تولید و سایر نهاده‌ها و از جمله ارز، باید به گونه‌ای تعیین شود که منعکس‌کننده ارزش واقعی آنها باشد. این امر، شرط لازم برای به‌کارگیری و استفاده بهینه از عوامل و نهاده‌های تولید و رسیدن به حداکثر بازدهی اقتصادی است.

- پایین نگهداشتن مصنوعی نرخ بهره یا بازده بانکی و نرخ ارز و بالا نگهداشتن مصنوعی نرخهای

دستمزد در اقتصاد وابسته به واردات- که با مازاد نیروی کار و مشکل بیکاری روبه‌رو است- به جریان تجهیز مؤثر و تخصیص مطلوب منابع خدشه وارد می‌سازد. مجموعه این نرخها باید به صورت واقع‌بینانه‌ای تعیین شود.

- ساختار انگیزشی در زمینه جایگزینی واردات و توسعه صادرات باید به گونه‌ای تنظیم شود که تبعیضی به نفع یک زمینه راهبردی و به زیان دیگری نباشد. به عبارت دیگر، تعیین واقع‌گرایانه نرخ ارز، کاستن و

به حداقل رساندن محدودیتهای مقدری، برقراری تعرفه‌های یکنواخت و پایین وارداتی، برداشتن محدودیتهای تحمیلی بر صادرات و حذف مالیات بر صادرات کالاهای صنعتی، از عناصر مهم یک ساختار

انگیزشی مطلوب برای رشد تولید و صادرات محصولات صنعتی است.

- کاهش هزینه‌ها، ارتقاء فن‌آوری و بهبود کیفیت محصول واحدهای صنعتی، مسلزم ایجاد و گسترش فضای رقابتی است. از همین رو، مقررات و قوانینی که موجب کاهش رقابت و مانع جابجایی و تحرک سرمایه و نیروی کار می‌شود، باید بتدریج کاهش و سپس حذف شوند. به این ترتیب، زمینه‌های تحرک عوامل تولید و توسعه فن‌آوری و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت انحصار و انباشت هزینه‌های اجتماعی غیرضروری و نیز زمینه‌های جلوگیری از گسترش خسارت‌های زیست محیطی فراهم می‌آید.

- نقش بخش عمومی باید به تأمین و فراهم سازی

زیربناهای فیزیکی و انسانی از جمله اطلاع‌رسانی‌های مالی-اقتصادی که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تجاری-صنعتی را تسهیل می‌کند، محدود شود. از همین رو، فعالیتهای تولیدی، توزیعی، ساختمانی و تجاری بخش عمومی که می‌تواند با هزینه اجتماعی کمتر و با سرمایه خصوصی انجام پذیرد باید بتدریج به بخش خصوصی واگذار شود و منابع بخش دولتی که به این ترتیب آزاد خواهد شد در فعالیتهای زیربناسازی، خدمات اجتماعی، توسعه نیروی انسانی، برنامه ریزی در توسعه بازارها و... متمرکز می‌شود.

- شرکتهای دولتی و بنگاههای بخش عمومی، غالباً غیر کارآمد و از نظر مالی و اقتصادی زیان ده هستند. این بنگاهها باید در نهایت امر خصوصی شوند و برخی از

آنها که باری بر دوش اقتصاد ملی هستند تعطیل گردند. چنین روندی باید بر اساس برنامه‌ای مدون و زمانبندی شده انجام پذیرد.

- شرکتهای دولتی و بنگاههای عمومی باید تابع همان قواعد و مقررات و فضای رقابتی حاکم بر بخش خصوصی باشند. این بنگاهها باید به گونه‌ای تجاری و از طریق ضوابط عملکرد مشخص فعالیت کنند و عملیات مالی آنها با شفافیت و حسابرسی توأم باشد. دولت باید از دخالت در این مؤسسات یا حمایت از اجتناب کند.

- بنگاههای صنعتی کوچک و متوسط با توجه به ویژگیهایشان (سرمایه‌بری کمتر، استفاده بیشتر از نهادهای داخلی تمایل بیشترشان به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، مهارت طلبی

کمتر و همچنین قابلیت مشارکت مؤثر و کارآمدشان در قراردادهای فرعی) باید تقویت شوند و دسترسی آنها به منابع مالی، ارزی فن‌آوری مناسب و خدمات افزایش یابد. دولت نباید از طریق حمایت غیرمنطقی از بنگاههای بزرگ به رشد طبیعی مالی و سازمانی بنگاههای کوچک و متوسط آسیب برساند. موفقیت بنگاههای بزرگ در جوار عملکرد مناسب بنگاههای کوچک و متوسط، زمینه‌ساز رشد و توسعه صنعتی کشور است.

خدمات مرتبط با صنعت و رشد آن از ابزارهای توسعه صنعتی و افزایش صادرات صنعتی است. توجه و حمایت از این‌گونه خدمات و ایجاد محدودیت برای گسترش خدمات غیرمولد در اقتصاد کشور و از جمله وضع

مالیاتهای خاص بر معاملات این بخش، باید مورد تأکید قرار گیرد.

- حمایت‌های اقتصادی -

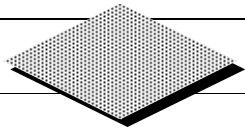
مالی در بخش صنعت باید به گونه‌ای سازمان یابد که از یکسو مانع رقابت و بهبود کارآمدی و بهره‌وری تولید نشود و از سوی دیگر، تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنعتی را به طور خاص پشتیبانی کند.

- شبکه‌های ستادی، عملیاتی و پشتیبانی بخش صنعت باید به گونه‌ای هماهنگ در جهت توسعه صنعتی و صادراتی کشور سازمان یافته و عمل کند. بازآرایی تشکیلاتی، نهادسازی و اصلاح سازوکارهای مرتبط با تصمیم‌گیریها در جهت رفع پیچیدگیهای قوانین و مقررات و ضوابط، حذف تداخل مسؤولیتها و کوتاه‌کردن

مسیرهای اجرایی و نظایران، از نخستین اقدامات فراگرد توسعه صنعتی آینده به شمار می‌رود.

- شکستن انحصارات تولیدی - تجاری بخش دولتی و نهادهای شبه دولتی شرط لازم برای به‌وجود آمدن فضای رقابت در کشور و تقویت گرایشهای سرمایه‌گذاری مولد و بویژه در بخش صنعت، اقدامی مهم و اساسی به‌شمار می‌رود. بدون این اقدام، برای صنایع خصوصی دسترسی به منابع مالی و اعتباری، ارزی و فیزیکی و نیروی متخصص در شرایط نامساوی رقابتی با نهادهای بخش عمومی، امکانپذیر نخواهد بود.

*این گزارش، در تاریخ 1376/2/20 از سوی وزیر صنایع در اختیار دفتر فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.



خلاصه برنامه راهبردی توسعه بخش معادن و فلزات تا افق 1400

مقدمه

از آنجا که یکی از مبانی قدرت اقتصادی هر کشور، تنوع منابع تأمین درآمدهاست، از این‌رو، کشور ما از نظر اقتصادی در موقعیتی ممتاز نسبت به سه دهه اخیر قرار گرفته است زیرا با کاهش وابستگیهای اقتصادی چه از نظر مواد اولیه و چه به لحاظ فن‌آوری و نیروی متخصص و ماهر، نیاز به ارزهای حاصل از فروش نفت به پایین‌ترین حد خود در سالهای اخیر رسیده است. اکنون فارغ از نوسانات

بازار پرفراز و نشیب نفت که همواره تابعی از متغیرهای متعدد بوده، بخش معادن و فلزات با جایگزینی امکانات داخلی و اقتصادی کردن واحدها و رشد کمی و کیفی معادن و صنایع معدنی بخصوص صنایع مربوط به نوب و فرآوری فلزات و... از طریق بالا بردن شاخص علمی نیروی انسانی، علاوه بر تأمین نیازهای داخلی با صدور محصولات مازاد، ارز مورد نیاز برای سرمایه گذاریهای مربوط به توسعه و نوسازی کارخانجات موجود در این بخش و صنایع مکمل را فراهم آورده است که از این لحاظ در جهت اتکاء به ارز حاصل از فروش نفت نقشی اساسی را می‌توان به این بخش محول نمود. توسعه بخش معادن و فلزات با استفاده از تواناییهای داخلی و فن‌آوری ملی و با استناد به

آمار میزان سرمایه‌گذاریها و بازگشت سرمایه، می‌تواند کوتاه‌ترین زمان و مطمئن‌ترین راه در بازگشت سرمایه‌گذاری و ارز آوری بدون وابستگی به نفت بخصوص در برنامه افق 1400 باشد.

مبانی فکری و سیر تحولات بخش معادن و فلزات (1368-1375)

مبانی فکری و سیر تحولات مدیریت در بخش معادن و فلزات (از 1368-1375) به شرح موارد زیر خلاصه می‌شود:

□ افزایش تولید در واحدهای تحت پوشش تا حد ظرفیت اسمی؛

□ بازسازی تجهیزات و افزایش ظرفیت واحدها؛

□ کاهش هزینه‌های تولید؛

□ کاهش هزینه‌های ارزی؛

□ ارتقاء کیفیت محصولات و استفاده از سطوح قابل پذیرش معتبر بین‌المللی؛

□ کاهش قیمت‌ها در بازار، شکستن بازار سیاه و تعدیل قیمت‌ها؛

□ انتخاب و احداث واحدهای جدید بر مبنای حداکثر ارزش افزوده؛

□ اقتصادی کردن تولید در واحدها؛

□ اجرای نظام مدیریتی مناسب برای افزایش بهره‌وری؛

□ ایجاد استعداد‌های صادراتی و دستیابی به

درآمدهای ارزی؛

□ خصوصی‌سازی گسترده در بخش معادن؛

□ ایجاد واحدهای جانبی و

کمکی برای تأمین مواد مورد

نیاز بخش فلزات (ایجاد

واحدهای آجر نسوز،

فروآلیاژها، فروسیلیسیم،

فرومنگنز، فروکروم) و تجهیز

- توسعه معادن موردنیاز واحدهای موجود؛
- کاهش اتکاء به تأمین ارز از دولت؛
- کاهش شدید تأمین سرمایه از طریق منابع عمرانی برای اجرای طرحهای سرمایه‌گذاری؛
- تکمیل زنجیره‌های تولید؛
- ایجاد مراکز تحقیق برای توسعه فرایندها و طراحی واحدها و انجام دادن تحقیقات کاربردی در این مراکز؛
- بالا بردن انگیزه برای صادرات در واحدها؛
- ارتقاء سطح دانش نیروی انسانی واحدها با کاربردی کردن آموزش؛
- تکمیل و بهره‌برداری از طرحهای نیمه تمام؛
- اجرای طرحهای بزرگ در بخش فلزات و صنایع معدنی (از جمله مجتمع‌های فولاد مبارکه، گل‌گهر، معدن چادرملو، بندرعباس، طرح قائم، بازسازی و توسعه فولاد خوزستان و...).
- با توجه به گستردگی فعالیتهای معادن و فلزات، به لحاظ نشان دادن جهش و تحولات سیاسی، برخی از موارد فوق در چند محور اصلی در هشت سال گذشته به شرح زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
- الف) فولاد**
- ظرفیت تولید به 6 برابر افزایش یافته است.
- با افزایش تولید، علاوه بر رفع نیازهای داخلی و اشباع بازار، کشور از حالت واردکننده حدود 4 میلیون تن در سال به صادرکننده 1/5 میلیون تن فولاد در سال تولید شده است.
- از حالت خرید در فن‌آوری فولاد، کشور به سازنده، ابداع‌کننده و صادرکننده فن‌آوری فولاد تبدیل شده است.
- هزینه سرمایه‌گذاریها به حدود یک سوم کاهش یافته است.
- هزینه ارزی تولید فولاد از 270 دلار به حدود 70 دلار به ازاء هر تن کاهش یافته است.
- اصلاح مدیریت و افزایش بهره‌وری با کاهش 20 هزار نفر نیروی انسانی از بخش دولتی و به‌کارگیری مجدد این نیروها در شرکتهای تشکیل شده به شکل خصوصی در نوب آهن اصفهان.
- ارتقاء سطح دانش فنی و مهارت با استفاده از مراکز آموزشی وزارت معادن و مرکز آموزش توحید و دانشگاهها.
- انجام دادن تحقیقات لازم به‌منظور کاهش مصرف

انرژی و همچنین کاهش مواد کمکی (از جمله نسوزها).

□ ایجاد مرکز تحقیق و توسعه بر اساس نیاز از جمله در ذوب آهن اصفهان.

□ تولید مواد اولیه داخلی و افزودنی و همچنین ساخت بیش از دوسوم قطعات در داخل.

□ خوداتکایی در سنگ آهن و افزایش تولید آن به میزان 5 برابر و حذف واردات سنگ آهن.

□ اجرای برنامه خصوصی سازی از طریق واگذاری واحدهای جنبی و خدماتی و مجوز احداث به بخش خصوصی.

□ تبدیل صنایع آلوده کننده بخش به صنایعی تمیز با حفظ موازین زیست محیطی.

□ شکستن قیمت بازارسیاه داخلی و تبدیل نظام فروش بر اساس سهمیه به فروش آزاد.

□ ایجاد جایگاه جهانی در ردیف بیست و پنجمین کشور تولیدکننده فولاد (در جمع تولیدات فعلی) که با هدف تولید 25 میلیون تن فولاد در افق 1400، ایران در زمره ده کشور اول جهان قرار خواهد گرفت.

ب) آلومینیوم

□ افزایش ظرفیت تولید از 28 هزار تن به 120 هزارتن؛

□ تبدیل کشور از واردکننده آلومینیوم به صادرکننده آن؛

□ کاهش هزینه سرمایه گذاری به حدود یک دوم مقیاس جهانی؛

□ توسعه صنعت آلومینیوم به ظرفیت حدود 2 برابر بر مبنای طراحی و ساخت داخل؛

□ اجرای طرحهای سرمایه گذاری به منظور

تأمین مواد اولیه از داخل کشور؛

□ تبدیل سرمایه گذاری صد درصد دولتی به خصوصی از طریق مشارکت سرمایه گذاری خارجی؛

□ دستیابی به فن آوری پیشرفته در ساخت آلومینیوم سبک؛

□ تبدیل فن آوریهای قدیمی و آلوده کننده به فن آوری مدرن و تمیز؛

□ ایجاد جایگاه جهانی برای کشور با هدف تولید 1 میلیون تن آلومینیوم که بر اساس برنامه ریزیهای انجام شده، ایران جزو 7 کشور اول تولیدکننده آلومینیوم در جهان قرار خواهد گرفت.

ج) مس

□ ظرفیت تولید کاتد از صفر به یکصد هزار تن آند از 58 هزارتن به حدود دو برابر؛

<p>(ه) فروآلیاژها</p> <p>□ ظرفیت تولید از صفر به 117 هزارتن در سال و در افق 1400 برای تولید 500 هزار تن انواع فروآلیاژ برنامه‌ریزی شده است؛</p> <p>□ کشور از صد درصد واردکننده فروآلیاژ به صادرکننده آن تبدیل شده است؛</p> <p>□ طراحی و ساخت تجهیزات در داخل به جای خرید تجهیزات خارجی.</p> <p>(و) نسوزها</p> <p>□ افزایش ظرفیت تولید از 90 هزارتن نسوزهای ارزان قیمت به دوبرابر نسوزهای گران قیمت؛</p> <p>□ کشور از واردکننده نسوز به صادرکننده آن تبدیل شده است؛</p> <p>□ دستیابی به فن‌آوری ساخت در داخل؛</p>	<p>(د) روی</p> <p>□ با احداث واحدهای جدید، ظرفیت تولید روی در کشور از صفر به 6500 تن در سال رسیده است؛</p> <p>□ ظرفیت‌سازیهای جدید برای حدود 100 هزار تن در سال؛</p> <p>□ صدور فلز روی به‌جای صدور مواد خام؛</p> <p>□ تبدیل طرح 60 هزارتنی زنجان (با ارزبری 250 میلیون دلار) به واحدهای کوچک و با هزینه ارزی سرمایه‌گذاری کمتر به میزان 7 میلیون دلار و 100 میلیارد ریال؛</p> <p>□ ایجاد جایگاه جهانی با ظرفیت 400 هزار تن برنامه‌ریزی شده، ایران را جزو 5 کشور اول دنیا در تولید روی در افق 1400 درخواهد آورد.</p>	<p>□ صدور فلز مس به‌جای صدور مواد خام معدنی؛</p> <p>□ توسعه ظرفیت مس به دوبرابر وضع موجود؛</p> <p>□ احراز جایگاه جهانی برای کشور با هدف تولید 1 میلیون تن که طبق برنامه‌ریزیهای انجام شده، ایران را در زمره 5 کشور اول دنیا قرار خواهد داد؛</p> <p>□ انجام دادن تحقیقات گسترده برای ساخت تجهیزات در داخل به گونه‌ای که قسمتی از طرح توسعه مجتمع مس سرچشمه و واحد نوب سونگون در داخل ساخته شد؛</p> <p>□ ارتقاء بهره‌وری با استفاده از فن‌آوریهای پیشرفته؛</p> <p>□ ساخت نخایر و اکتشافات جدید؛</p> <p>□ اجرای طرح زیست‌محیطی.</p>
--	--	--

از خروج میلیونها دلار ارز جلوگیری و رشد چشمگیری در بهره‌وری واحدهای تولیدی حاصل شده و همراه با کاهش هزینه‌های ارزی تولید، کاهش مصارف انرژی و افزایش کارایی نیروی انسانی نقش مهمی در موفقیت بخش ایفا نموده است.

بر پایه مطالعات طرحهای جامع (از جمله طرحهای جامع فولاد، مس، آلومینیوم، سرب و روی)، راهبردهای رشد و توسعه 20 ساله بخش در زمینه‌های فلزات اساسی و معادن مربوطه تعیین شده که خود راهگشای سرمایه‌گذاریهای آینده کشور در این بخش است.

مبالغ هزینه‌شده در تحقیقات بخش معادن و فلزات از رقمی معادل 600 میلیون ریال در سال 1376، به رقمی

کارخانجات فرآوری در داخل کشور؛

برنامه‌ریزی برای احداث گسترده واحدهای فرآوری برای ظرفیت 40 میلیون متر مربع در افق سال 1400.

تحقیقات

یکی دیگر از اهدافی که طی فعالیت چندساله وزارت معادن و فلزات دنبال شده، توسعه و رشد امر تحقیقات بوده است؛ به گونه‌ای که علاوه بر اقدام به ایجاد مرکز بزرگ تحقیقات معدنی و متالورژی، این وزارتخانه موفق شده است طی برنامه اول (72-1368) بیش از 140 طرح و تا پایان سال 1373 تعداد 171 طرح و پروژه تحقیقاتی کاربردی را به انجام می‌رساند و تنها در دو سال گذشته 100 طرح تحقیقاتی به آن افزوده شده است که با نتایج حاصل آنها

□ تولید ماده اولیه در داخل کشور؛

□ تحقیقات در افزایش کیفیت و تغییر کاربرد با ارتقاء بهره‌وری در مصرف؛ □ تولید 500 هزارتن نسوزها برای افق 1400 برنامه‌ریزی شده است.

ز) فرآوری سنگ

□ صادرات سنگ فرآوری شده با ارزش افزوده بالاتر به جای صدور ماده خام؛ □ تبدیل روش انفجاری با آلودگی محیط زیست و تخریب معدن به روشهای مدرن استخراج و فرآوری با حفظ محیط زیست و افزایش بهره‌وری؛

□ احداث کارخانجات مدرن برش و فرآوری سنگهای تزئینی؛

□ جلب مشارکت خارجی برای احداث و ساخت

معادل 60 میلیارد ریال در طول پنجساله اول افزایش یافته است. احداث واحدهای نیمه‌صنعتی و سپس احداث واحدهای صنعتی زیربند در ابتدای برنامه دوم، میزان سرمایه‌گذاری در امر تحقیقات را به سه برابر افزایش داده است. آثار اقتصادی ناشی از اجرای طرحها و پروژه‌های تحقیقاتی و مطالعاتی در ابعاد زیر در برنامه اول خلاصه می‌شوند:

1- با اجرای 270 طرح تحقیقاتی در هشت سال گذشته از خروج سالانه میلیونها دلار ارز جلوگیری شده است.

2- کیفیت، کمیت و نیز تنوع تولیدات واحدهای در حال بهره‌برداری افزایش یافته است.

3- انجام دادن تحقیقات آزمایشگاهی و سپس

نیمه‌صنعتی (برخی از این طرحها یا به تولید رسیده یا در آستانه طراحی صنعتی قرار دارند). با توجه به اهمیت ویژه ای که این وزارت بر امر تحقیقات کاربردی قائل است، بسیاری از این طرحهای تحقیقاتی پس از احداث واحدهای نیمه‌صنعتی، به مرحله نهایی احداث واحد صنعتی منجر شده‌اند که از آن جمله می‌توان طرحهای نوب روی، طرح تولید واحد 30 هزارتنی فرومنگنز، طرح تولید 600 هزار تن احیاء مستقیم قائم، ساخت غلطک‌های گریز از مرکز، تحقیقات و تولید و افزایش کیفیت مواد و آجرهای نسوز را نام برد.

همچنین، طرح تغییر و اصلاح روش بهره‌برداری از معادن سنگهای تزئینی کشور از روش انفجاری به روش

سیم برش الماسه و اجرای این روش در واحدهای معدنی، از دستاوردهای فن‌آورانه این بخش است.

تحقیقات پیشرفته

ضرورت و اهمیت تلاش در جهت دستیابی به دانش و فن‌آوریهای پیشرفته و بهنگام، همواره مورد تأکید مسؤولان کشور بوده است. وزارت معادن و فلزات بر این اعتقاد است که توسعه پژوهشهای فراگیر در جهت حصول به دانش فنی و فن-آوریهای مواد پیشرفته از اساسی‌ترین فعالیتها در 25 سال آینده خواهد بود. وزارت معادن و فلزات با توجه به موقعیتی که بر اساس توسعه زیربنای نرم افزاری و سخت افزاری طی برنامه‌های اول و دوم در کشور به وجود آمده است، با نگرش عمیق از هم اکنون در حیطه

این فن‌آوریها گام برداشته است و در پرتو برنامه‌ریزیهای دقیق با اتکاء به دانش و توان متخصصان ایرانی، موفقیت‌های قابل‌توجهی در طرح‌های تحقیقاتی پیشرفته در سطح این وزارتخانه به‌دست آمده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

□ تولید مولیبدن، دی‌سیلیسیاید از مواد اولیه مجتمع مس سرچشمه؛

□ تولید آلیاژهای پیشرفته آلومینیوم با کارایی و خواص منحصر به فرد؛

□ تولید آلومینیوم سبک که فن‌آوری تولید آن منحصراً در اختیار کشورهای خاصی است؛

□ استفاده از بیوتکنولوژی در استحصال مواد معدنی (طلا و مس).

اهداف و راهبردهای توسعه

هر کشوری برای توسعه اقتصادی پایدار بایستی به زمینه‌های دارای برتری نسبی خود متکی باشد. این زمینه‌ها می‌تواند به‌طور کلی شامل نیروی کار ارزان، فن‌آوری و نیروی کار ماهر و متخصص، منابع طبیعی و نظایر آنها باشد که از میان این زمینه‌ها، زمینه‌ای که کشور ما دارای امکانات و برتری نسبی فوق-

العاده‌ای است منابع طبیعی و مخصوصاً معدنی آن انرژی و نیروی انسانی است. از

همین‌روی، در تدوین راهبرد توسعه اقتصادی کشور بایستی به این مهم توجه خاصی داشت. اجرای این راهبرد بایستی با زیربناهای قوی، پایدار و پویا انجام گیرد. بنابراین، لازم است همراه با اجرای راهبرد در زمینه تولید، بنیه فن‌آوری

کشور در زمینه تولید نقشه‌های زمین‌شناسی با کیفیت مناسب و اکتشاف موادمعدنی و صنایع تبدیلی، تقویت و تا مرحله صدور فن‌آوری پیگیری شود و تولید مواد پیشرفته و متناسب با کیفیت و قیمت‌های قابل رقابت در بازار جهانی در مقطع سال 1400 برای صادرات و کسب سهم شایسته در بازار جهانی برنامه‌ریزی و به مرحله اجرا دربیاید.

خلاصه اهداف کیفی بخش معادن و فلزات

□ تداوم رشد سریع و مستمر فعالیت‌های معدنی، صنایع معدنی و فلزات در جهت ارتقاء ارزش افزوده بخش صنعت و معدن و ایجاد درآمدهای ارزی با صادرات محصولات؛

□ شناسایی ذخایر معدنی با روشهای پیشرفته

کامپیوتری با انجام دادن پژوهش‌های علوم زمین به منظور تعیین زمینه های فرآوری؛

□ انجام دادن مراحل ارزش‌افزایی هر چه بیشتر در فرآوری مواد معدنی و فلزات در جهت ایجاد ارزش افزوده بیشتر به منظور تأمین نیازهای داخلی و صادرات؛

□ ارتقاء سطح فن‌آوری در بخش معادن و فلزات همسو با فن‌آوریهای پیشرفته جهانی؛

□ دستیابی به پیشرفته؛

□ به دست آوردن سهم مناسبی از تجارت جهانی (با توجه به این امر که ارزش جهانی محصولات تولیدی مشابه معادن و فلزات ایران معادل 10 تا 12 درصد کل تجارت جهانی را تشکیل می‌دهد)؛

□ ارتقاء سطح دانش فنی و مهارت به منظور صدور فن‌آوری و خدمات مهندسی و ساخت کارخانجات؛

□ حفظ محیط‌زیست و ترسیم ضوابط زیست محیطی در بهره‌وری و فرآوری مواد؛

□ توسعه پژوهش‌های مربوط به مخاطرات زمین؛

□ ایجاد سهم قابل توجه در تولید ناخالص داخلی کشور در فرایند جایگزینی نفت؛

□ توجه ویژه به اقتصادی و قابل رقابت بودن تمامی تولیدات بخش.

الزامات و پیش‌فرض‌های مهم برنامه پیش‌فرض اساسی برنامه پیشنهادی این است که راهبرد توسعه اقتصادی کشور، شامل بهره‌برداری از منابع معدنی، طبیعی، نیروی انسانی و انرژی است. در این صورت، رشد بخش معدن در درازمدت، جهشی است. برنامه این بخش نه فقط بر اساس رشد ارزش افزوده با فرآوری مراحل مختلف تولید بلکه به میزان حداکثر امکانات اجرایی بخش تعیین شده و محدودیت بیرونی دیگری از قبیل محدودیت‌های سرمایه گذاری، قانونی و اعتباری به آن افزوده نمی‌شود و کلیه منابع مورد نیاز مالی و امکانات لازم به منظور اکتشافات، تولید، آموزش و تحقیقات در حد توان اجرایی بخش تأمین می‌شود.

در خصوص بخش فلزات، پیش‌فرض این است که با توجه به اهمیت بخش و مزیت‌های نسبی موجود و در دست بودن انرژی، معادن غنی، نیروی متخصص و ساختار ایجاد شده در سطح کشور و همچنین جایگاه این بخش در کل تجارت جهانی،

- از کلیه سرمایه‌گذاریهای ایجاد شده حداکثر استفاده به‌عمل آمده طرحهای در دست اجرا و توسعه‌ای هر چه زودتر به مرحله بهره‌برداری برسد. در این زمینه، عوامل بیرونی به شرح زیر مورد اصلاح قرار می‌گیرد:
- بهبود و تثبیت مقررات صادرات و واردات؛
 - اصلاح و تثبیت سیاستهای اعتباری و مالی؛
 - تسریع در ایجاد امکانات بیشتر حمل و نقل جاده‌ای، راه‌آهن، کشتیرانی، بنادر و تأسیسات زیربنایی؛
 - اصلاح قانون معادن؛
 - تأمین انرژی با قیمت مناسب با توجه به برتریهای نسبی؛
 - حمایت‌های نظام بانکی در تأمین اعتبارات و مشارکت در تأمین منابع طرحهای توسعه؛
- حمایت از بخش خصوصی برای جلب مشارکت آن در سرمایه‌گذاری‌های طرحها؛
- ایجاد شرایط مناسب برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی.
- خلاصه برنامه کمی بخش معادن و فلزات تا افق 1400**
- براساس مطالعات طرحهای جامع، توسعه بخش معادن و فلزات یکی از پایه‌های اساسی خودکفایی و استقلال صنعتی کشور است و افزایش میزان بهره‌برداری و بهره‌وری در صنایع و معادن موجود و ایجاد و توسعه اقتصادی واحدهای صنعتی و معدنی از جمله اهداف کمی این بخش است که به شرح موارد زیر ذکر می‌شود:
- توسعه صنعت فولاد کشور برای 25 میلیون تن در سال (2 میلیون تن فولاد آلیاژی به اضافه 8 میلیون تن فولاد مرغوب به اضافه 15 میلیون تن فولاد ساختمانی)؛
 - توسعه معادن وابسته به فولاد کشور (سنگ آهن به اضافه زغال) و افزایش تولید کنسانتره سنگ آهن تا 26/5 میلیون تن در سال؛
 - توسعه صنعت مس کشور تا ظرفیت 1 میلیون تن با تأکید بر آلیاژهای پیشرفته؛
 - توسعه معادن وابسته به مس برای تأمین ظرفیت 1 میلیون تن تولید فلز در سال (تجهیز معادن و کنسانتره)؛
 - توسعه صنعت آلومینیوم تا ظرفیت 1 میلیون تن تولید در سال با تأکید بر آلیاژهای پیشرفته؛
 - توسعه معادن تولید آلومینا برای تأمین ظرفیت 1 میلیون تن تولید فلز در سال؛
 - توسعه صنعت سرب کشور تا ظرفیت 150 هزارتن در سال؛

- توسعه صنعت روی کشور تا ظرفیت 400 هزار تن در سال؛
- توسعه معادن سرب و روی کشور برای تأمین ظرفیتهای تولید یاد شده؛
- توسعه ظرفیت طلا در کشور به ظرفیت 30 تن در سال (از معدن)؛
- تولید فروآلیاژها تا ظرفیت 500 هزار تن در سال؛
- تولید الکتروود گرافیتی تا 200 هزار تن در سال؛
- تولید خمیر الکتروود تا 500 هزار تن در سال؛
- توسعه نسوز تا ظرفیت 500 هزار تن در سال؛
- فرآوری سنگ تا ظرفیت 40 میلیون متر مربع در سال؛
- تجهیز معادن سنگ برای 40 میلیون متر مربع فرآوری سنگ در سال؛
- فرآوری مواد معدنی غیرفلزی تا 15 میلیون تن در سال؛
- توسعه معادن غیر فلزی تا 200 میلیون تن در سال؛
- تجهیز معادن و احداث فرآوری اکسید تیتانیم به ظرفیت حداقل 40 هزار تن در سال؛
- تولید منیزیت آب دریا به ظرفیت 250 هزار تن در سال.
- با توجه به اهداف تعیین شده، سرمایه مورد نیاز این طرحها طی دوره 25 ساله حدود 15 میلیارد دلار و 60 هزار میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود که با نرخ تسعیر 3000 ریال، در مجموع برابر 35 میلیارد دلار است.
- ارزش تولیدات این بخش در افق 1400 حداقل 45 میلیارد دلار برآورد می‌شود. با منظور نمودن حداقل 30 درصد تولید برای صادرات، صادرات این بخش در افق 1400 به رقمی معادل 13 میلیارد دلار بالغ می‌شود. به این ترتیب، بخش معادن و فلزات میتواند جایگزین مناسبی برای اقتصاد ناوابسته به نفت در افق 1400 باشد.
- در ارقام مذکور، مواردی نظیر فلزات گرانبها، خاکهای کمیاب و نادر و صنایع وابسته به آنها که از جمله برنامه های بخش می‌باشد، منظور نشده است.
- برای رسیدن به این اهداف با توجه به اهمیت ویژه سطح فن‌آوری و دانش فنی، لازم است نیروی انسانی بخش در سطح ستاد به میزان 90 درصد و در سطح کل بخش به میزان 70 درصد تحصیلات عالی داشته باشند و در این خصوص آموزش، تحقیقات، طراحی و مهندسی و پایگاه اطلاعات و شبکه‌ای کردن آن در بخش، از جایگاه

ویژه‌های برخوردار خواهد بود.

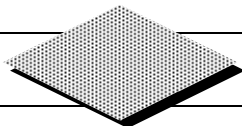
*این گزارش، در

تاریخ 1376/5/14 از

سوی وزارت معادن و فلزات

دراختیار فصلنامه رهیافت قرار

داده شده است.



برنامه‌های وزارت اقتصاد و

دارایی برای ایران 1400

مقدمه

از آنجایی که در برنامه ایران 1400 تأکید اصلی روی برخورداری از اقتصاد بدون اتکاء به درآمدهای نفتی است، در این خصوص وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان متولی سیاستگذاری اقتصادی و امور دخل و خرج کشور، جایگاه ویژه‌ای را در برنامه‌ها و اهداف آنها دارد. وابستگی شدید اقتصاد کشور به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، چه از بُعد وابستگی عمیق بودجه دولت به درآمدهای نفتی و چه از جهت اتکای بالای رشد اقتصادی کشور به درآمدهای

ارزی حاصل از صادرات نفت، لزوم یک دیدگاه منسجم درخصوص اهداف و ابزارهای دستیابی به ایران 1400 فراهم می‌آورد. موضوعات اصلی مد توجه وزارت اقتصاد و دارایی در چهارچوب اهداف و برنامه‌های مربوط به برنامه ایران 1400 در قالب موارد زیر خلاصه می‌شود:

1- نظام بودجه‌ریزی؛

2- نظام مالیاتی؛

3- بازار مالی و سیاستهای اعتباری؛

4- تجارت خارجی.

هریک از این محورها از دوجنبه وضعیت موجود و مشکلات مربوط (مبانی لزوم توجه به هر محور) و نیز اهداف و برنامه‌های مدنظر این وزارت برای دسترسی به اهداف، مورد بحث قرار می‌گیرد.

1- نظام بودجه‌ریزی

نظام بودجه‌ریزی از کشور ما از سالها قبل مبتنی بر یک نظام بودجه‌ای افزایشی بوده است. به این معنی که بودجه‌های سالیانه معمولاً بدون توجه به نیازهای واقعی دستگاهها و بخشهای اقتصادی و صرفاً با یک دیدگاه افزایشی تهیه و به تصویب رسیده است. دلیل اصلی این امر برخورداری از درآمدهای قابل توجه ارزی حاصل از صادرات نفت و نبود نگرانی در زمینه تأمین درآمد بوده است. تداوم این امر که معمولاً با افزایشهای مداوم درآمدهای نفتی نیز همراه بوده است، موجب شده که حتی در سالهایی که درآمد نفت برای تأمین هزینه‌ها کافی نبوده امکان کنترل هزینه‌ها در حد مطلوب وجود نداشته باشد و همین امر کسریهای قابل توجهی را در بودجه‌های

سالیانه به دنبال آورده است. این کسریها نیز عموماً از طریق نظام بانکی تأمین شده و موجبات افزایش نقدینگی، تقاضا و در نتیجه، تورم را فراهم آورده است.

در این خصوص، یکی از اهداف این وزارت پیشنهاد ایجاد یک نظام بودجه‌ای به منظور تعیین بودجه واقعی دستگاهها و بخشهای مختلف اقتصادی است.

برنامه‌های زیر در نظام بودجه‌ریزی کشور مورد توجه است:

1- تهیه ملاکها و معیارهای جدید برای تعیین بودجه دستگاهها و بخشها؛

2- استفاده از نظام (بودجه‌ریزی بر مبنای صفر)؛

3- فراهم آوردن زمینه‌های انعطاف‌پذیری کامل در تعیین بودجه سالیانه دستگاهها و بخشها بر اساس

تغییرات در نیازها و اوضاع و احوال اقتصادی.

2- نظام مالیاتی

در هر نظام مالیاتی و نیز قانون‌گذاری مالیاتی مربوط به آن، دو معیار اساسی (عدالت و کارایی) باید مدنظر قرار گیرند. رعایت عدالت عمودی و افقی از جمله ضروریات هر نظام مالیاتی است. هر چند که در برخی موارد ممکن است رعایت حداکثر عدالت مالیاتی و حصول به حداکثر کارایی به طور همزمان چندان سهل‌الوصول نباشد، اما با توجه به وجود این دیدگاه که دو معیار در بلندمدت تباینی با هم ندارند، نظام مالیاتی بایستی حتی‌الامکان در این جهت گام بردارد، بویژه اینکه در بسیاری مواقع رعایت عدالت مالیاتی از جهت کاهش تبعیضها، به نوبه خود انگیزه

- همکاری مؤدیان مالیاتی را افزایش می‌دهد که این امر کمکی است در جهت افزایش کارایی نظام مالیاتی. در همین خصوص، کاهش تبعیضها و رفع ناهماهنگیهای موجود در زمینه مالیات بخشهای مختلف، موضوعی اساسی در نظام مالیاتی است. در خصوص کارایی نظام مالیاتی، بررسیها نشان می‌دهد که شاخص کوشش مالیاتی (نسبت مالیاتهای جمع‌آوری شده به ظرفیت مالیاتی) در کشور ما با مقایسه با سایر کشورها در سطح نسبتاً پایینی قرار دارد و از این‌رو، لازم است تمهیداتی در جهت افزایش این شاخص صورت پذیرد. افزون بر آن، پوشش دادن کل هزینه‌های جاری از طریق درآمدهای مالیاتی، از دیگر اهداف مورد نظر این وزارت
- در راستای برنامه ایران 1400 است. با هدف کاهش اتکاء به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، درآمدهای مالیاتی نیز بایستی به گونه‌ای طراحی شوند که تحت تأثیر کاهش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت قرار نگیرند. در این خصوص، وزارت اقتصاد و دارایی برنامه‌های زیر را در برنامه‌ریزی ایران 1400، در دستور کار دارد:
- 1- افزایش کیفی و کمی کادر سازمان مالیاتی متحد مطلوب؛
 - 2- حذف معافیتهای مالیاتی زائد؛
 - 3- ساده‌سازی قوانین مالیاتی؛
 - 4- ایجاد یک نظام اطلاعاتی کامل و منسجم؛
 - 5- ایجاد انسجام و هماهنگی در قوانین مالیاتی؛
- 6- اصلاح قوانین مالیاتی؛
- 7- جلب مساعدت سایر دستگاههای دولتی در امر تشخیص و وصول مالیات؛
- 8- ایجاد شیوه‌های جدید اخذ مالیات همچون مالیات بر ارزش افزوده و اجرای مالیات بر جمع درآمد.
- ساختار بازار مالی و سیاستهای پولی
- بازار مالی در کشور ما یک بازار کاملاً دولتی است و سهم عمده نیازهای مالی افراد و سرمایه‌گذاران از طریق شبکه بانکی کشور که کاملاً در اختیار دولت است، تأمین می‌شود. با وجود نفوذهای اداری و نگرشهای بخشی، تصویب قوانین و مقررات نیز نتوانسته است سامان لازم را به بخشهای مالی و اعتباری بدهد.
- سهم بخش دولتی از اعتبارات اعطایی شبکه بانکی

- هنوز بیش از سهم بخش خصوصی است و رشد حجم نقدینگی همواره بیش از حد ضروری است. اعتبارات تکلیفی؛ اختیارات بانکهای تجاری را به منظور شرکت در طرحهای سرمایه‌گذاری مطلوب و دارای بازدهی بالا سلب و یا محدود می‌سازد. همچنین، تا به امروز هیچ کدام اقدام مؤثری برای مشارکت بخش خصوصی در بازار مالی سازمان یافته صورت نگرفته است. در این خصوص، وزارت امور اقتصادی و دارایی در نظر دارد با تهیه طرحهایی در چهارچوب برنامه ایران 1400 در جهت رفع مشکلات یاد شده اقدام نماید. اهم این برنامه‌ها عبارتند از:
- 1- حذف مقررات دست‌وپاگیر در جریان دریافت اعتبارات از سوی بخش خصوصی؛
- 2- اعطای آزادی عمل بیشتر به شبکه بانکی در انتخاب طرحهای سرمایه‌گذاری؛
- 3- کاهش تدریجی اعتبارات تکلیفی؛
- 4- کاهش سهم اعتبارات بخش دولتی؛
- 5- تثبیت نرخ ارز از طریق سیاستهای پولی مناسب؛
- 6- کاهش تورم با کنترل و ایجاد حد رشد مناسب در حجم پول.
- تجارت خارجی**
- با توجه به عمده‌ترین هدف برنامه ایران 1400 یعنی کاهش تدریجی اتکاء و نهایتاً قطع کامل وابستگی به صادرات نفت و ارز حاصل از صادرات آن و با عنایت به اینکه به هر حال نیازهای ارزی کشور بایستی به‌طریقی غیر از فروش ذخایر نفتی تأمین شود، لزوم توجه به صادرات غیرنفتی و توسعه آن از موضوعهای مهم مورد توجه وزارت امور اقتصادی و دارایی در خصوص برنامه مذکور است. همچنین، به منظور اجتناب از واردات بی‌رویه و مازاد بر نیاز کالاها که به نوبه خود گامی در جهت کاهش اتکاء به منابع ارزی است، این وزارت برنامه‌هایی را در دست طرح و تهیه دارد. برخی از برنامه‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی در جهت اهداف بخش تجارت خارجی در قالب برنامه ایران 1400 به شرح موارد زیر است:
- 1- ایجاد زمینه برای افزایش صادرات غیرنفتی از طریق حذف مقررات دست و پاگیر؛
- 2- ایجاد ثبات در سیاستهای ارزی به منظور

افزایش انگیزه برای
صادرکنندگان؛

3- تعیین سقف مناسب
پیمانهای ارزی بر اساس
گروههای مختلف کالا؛

4- ایجاد سازمان متمرکز
و فعال و جامع نگر
درخصوص اجرای
برنامه‌های صادراتی؛

5- ایجاد سازمان تعیین
نرخهای بهینه و مناسب
عوارض واردات؛

6- گسترش همکاریهای
تجاری منطقه‌ای بویژه با
کشورهای همسایه و
کشورهای در حال توسعه.

*این گزارش، در تاریخ
1376/6/15 از سوی وزارت
اقتصاد و دارایی در اختیار دفتر
فصلنامه رهیافت قرار داده
شده است.

6- توزیع مناسب تعداد
محققان بین بخشهای
خصوصی و دولتی؛

7- وجود نظام اطلاعاتی
کارآمد و جامع برای محقق؛

8- ارتقاء سطح زندگی
محققان در سطح مطلوب به
گونه‌ای که هزینه‌های خوراک
آنان حداکثر بیشتر از 14
درصد درآمد نباشد؛

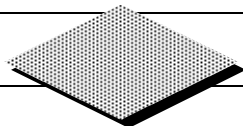
9- انتقال یافته‌های
تحقیقاتی در کوتاه‌ترین مدت
به زارعان؛

10- افزایش درصد نتایج
تحقیقات به مصرف کننده
(نتایج قابل انتقال)؛

11- انجام دادن کلیه
عملیات زراعی و تولیدات
کشاورزی بر مبنای توصیه‌ها
و دستاوردهای تحقیقاتی؛

12- ارتباط تنگاتنگ بین
واحدهای اجرایی و تحقیقاتی؛

13- شناسایی اقلیم و
تعیین توانمندیهای آنها؛



آرمانها و اهداف تحقیقات

کشاورزی در سال 1400

1- بهبود بهره‌وری از کلیه
نهاده‌های تولید، با حفظ و
پایداری بخش کشاورزی؛

2- مشارکت دولت و
بخش خصوصی در تحقیقات
کشاورزی؛

3- نظام اقتصادی مناسب
در فعالیتهای پژوهشی و
حداقل تأمین منابع تا 30
درصد هزینه‌ها به‌عنوان سهم
تحقیقات؛

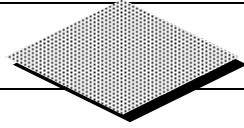
4- افزایش سهم تحقیقات
از تولید ناخالص ملی حداقل
به 4 درصد؛

5- تأمین نیازهای سرانه
تحقیقاتی به ازاء جمعیت یه
نهادهای تولید؛

- 14- شناسایی منابع انرژی غیرفسیلی و بهره‌برداری از آنها؛
- 15- دستیابی به فن‌آوری‌های نوین در زمینه اصلاح نباتات، کنترل آفات و بیماریها، تغذیه گیاهان، روشهای آبیاری ...؛
- 16- پرورش روح تحقیق در سطوح مختلف آموزشی (از ابتدایی تا سطوح عالی)؛
- 17- افزایش توان تحقیقاتی به‌منظور تعیین و معرفی گونه‌های مناسب برای توسعه پوشش گیاهی کشور تا سطح پوشش کویرها؛
- 18- کاهش مصرف مواد شیمیایی در بخش کشاورزی؛
- 19- استفاده از کلیه منابع زیستی و ژنتیک در جهت کنترل آفات و بیماریها و بهبود وضعیت تولید؛
- 20- ایجاد امکان اشتغال کامل و بالقوه محقق در بخش تحقیقات؛
- 21- استمرار و ثبات سیاستهای تحقیقاتی؛
- 22- نهادینه‌شدن تحقیقات در کشور؛
- 23- ایجاد تسهیلات لازم برای محققان برای ارتباطات علمی با مراکز علمی و تحقیقاتی سایر کشورها؛
- 24- تفویض اختیارات تصمیم‌گیری به سازمانهای تحقیقاتی؛
- 25- شناسایی گونه‌های بومی موجود در کشور برای استفاده در منابع ژنتیک در جهت بهبود تولید؛
- 26- تعیین نوع ارتباط بخش کشاورزی با تولید ناخالص ملی و افزایش بهره‌وری از آب از طریق مقایسه با کشورهای پیشرفته؛
- 27- به حداقل رساندن صدمات زیست‌محیطی؛
- 28- تعیین سهم اعتبارات تحقیقات در بخش متناسب با جایگاه بخش در برنامه توسعه و به نسبت جایگاه اقتصادی بخش در درآمد ناخالص ملی.
- سیاستهای 1400 تحقیقات کشاورزی
- 1- توسعه، تجهیز و تقویت مؤسسات تحقیقاتی تک محصولی مربوط به یک محصول خاص (بخصوص محصولاتی که جنبه صادراتی دارند) به‌منظور انجام دادن تحقیقات جامع بر روی یک محصول خاص با حضور تمامی تخصصهای لازم نظیر: به نژاد، به زراعی، گیاهپزشکی (آفات بیماری و علفهای هرز)، آبیاری و تغذیه؛
- 2- توسعه تحقیقات کشاورزی پایدار (Sustainall Agriculture) به‌منظور حفاظت منابع تولید و اکوسیستم و جلوگیری از بروز یا تشدید مسائل زیست‌محیطی از طریق

- انجام دادن تحقیقات در زمینه کنترل فرسایش خاک، جلوگیری از اتلاف آب آبیاری و مصرف بی‌رویه کودهای شیمیایی (بویره کودهای ازته)، مبارزه بیولوژیک و کاهش مصرف سموم کشاورزی؛
- 3- افزایش بهره‌وری و بهبود کارایی استفاده از آب و اصلاح ارقامی از محصولات کشاورزی که از نظر ژنتیک می‌توانند با حداقل مصرف آب تولید بالایی داشته باشند (تولید بیشتر به ازاء هر واحد حجم آب مصرفی)؛
- 4- واگذاری برخی از فعالیتهای تحقیقاتی مانند مطالعات خاک‌شناسی، تجزیه نمونه‌های خاک و آب، شناسایی آفات و بیماریهای گیاهی و تعیین روشهای کنترل آنها به بخش خصوصی؛
- 5- تأمین بذر و نهال اصلاح‌شده برای کلیه محصولات مهم مناسب برای اقلیمهای مختلف کشور و واگذاری تولید بذرهای مادر و هیبریدها و نهالهای اصلاح به بخش خصوصی؛
- 6- به‌کارگیری روشهای نوین به‌منظور انتقال یافته‌های تحقیقاتی در کوتاه‌ترین مدت به زارعان؛
- 7- افزایش تعداد اعضای هیأت علمی با درجات علمی مختلف و ایجاد امکانات مالی و رفاهی و امنیت شغلی برای تداوم اشتغال کامل آنها در بخش تحقیقات؛
- 8- توسعه تحقیقات به‌منظور افزایش تولید محصولات راهبردی کشاورزی که در حال حاضر کسری آنها برای تأمین غذا از خارج وارد می‌شود؛
- 9- توسعه تحقیقات در زمینه محصولات صادراتی کشاورزی و نیز محصولاتی که از نظر مزیت نسبی کشور ایران دارای موقعیت مناسبی هستند؛
- 10- استفاده از روشهای جدید بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک به منظور کوتاه‌کردن دوره‌های نسبتاً طولانی اصلاح نباتات؛
- 11- رعایت حقوق دولت و افراد در زمینه دستاوردهای تحقیقاتی از قبیل ارزش علمی و ریالی ارقام جدید و اصلاح‌شده محصولات، ساخت ماشینها یا دستگاههای آزمایشگاهی و غیره؛
- 12- پروژه‌های شدن تحقیقات به‌نحوی که مشکلات و معضلات بخش کشاورزی در قالب طرحهای تحقیقاتی جامع و همه‌سویگر تدوین و پس از تصویب به مرحله اجرا درآید؛

13- افزایش بهره‌وری از نزولات آسمانی در دیمزارها و تأکید بر توسعه تحقیقات در زمینه گیاهانی که می‌توان در وضعیت دیم آنها را تولید کرد؛



اهداف کیفی برنامه 25 ساله

وزارت جهاد سازندگی

- 1- افزایش بهره‌وری در منابع طبیعی و امور دام؛
- 2- توسعه پایدار و بهره‌برداری اقتصادی از منابع طبیعی و ذخایر ژنتیک و افزایش سهم آنها در تولید، اشتغال، درآمد ملی و امنیت غذایی؛
- 3- ارائه راه‌های اساسی برای از بین بردن نابرابریهای اجتماعی بخصوص فقر و محرومیت در مناطق روستایی و عشایری؛
- 4- افزایش تولیدات بویژه محصولات و مصنوعات صادراتی به منظور دستیابی

به سهم مناسبی از بازار جهانی در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی؛

5- ارائه و ترویج الگوی مناسب مصرف با تأکید بر تنوع تولید، بهداشت و سلامت عمومی، پرهیز از اسراف و تبذیر به منظور دستیابی به خودکفایی؛

- 6- ابتکار و نوآوری در ایجاد فرصتهای جدید شغلی در حوزه فعالیتهای جهاد سازندگی؛
- 7- توسعه و ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در امر آموزش و تحقیقات؛
- 8- جامع‌نگری و ایجاد نگرش «نظام‌مند» در تحقیقات و بسط فرهنگ کار گروهی؛
- 9- استقرار نظام جامع و توسعه‌یافته اطلاع‌رسانی و خدمات علمی؛
- 10- توسعه و تقویت ارتباطات علمی با سایر کشورها و مجامع بین‌المللی

- بخش‌های خصوصی اسلامی؛
کشورهای
- 11- ارتقاء مستمر سطح فن‌آوری و به‌کارگیری گسترده بیوتکنولوژی در توسعه کمی و کیفی محصولات دامی و منابع طبیعی و فرآورده‌های زیستی؛
- 12- دستیابی مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی به سطح دانش‌روز و سطوح قابل‌پذیرش بین‌المللی؛
- 13- آموزش و تجهیز در جهت بهبود هرم نیروی انسانی؛
- 14- افزایش دانش فنی و مهارت بهره‌برداران، کارکنان وزارت جهادسازندگی و شاغلان زیربخشهای تولیدی و خدماتی با تأکید بر آموزشهای علمی-کاربردی؛
- 15- بیابان‌زدایی و توسعه پوشش گیاهی و جنگلهای دست‌کاشت؛
- 16- حفاظت و توسعه ذخایر آبزیان و بهبود روشهای صید و صیادی و تکثیر و پرورش آبزیان؛
- 17- افزایش تولید نهاده‌های دامی و منابع طبیعی با تأکید بر استفاده از عوامل زیستی؛
- 18- حفاظت و حمایت از منابع طبیعی تجدید شونده و کاهش آلاینده‌های زیست محیطی در جهت حفظ تعادل محیطی.
- راهبرد پیشنهادی برای اهداف کیفی برنامه ایران 1400 (معاونت آموزش و تحقیقات)
- 1- افزایش بهره‌وری در منابع طبیعی و امور دام از طریق:
- (الف) بهبود فن‌آوری؛
- (ب) بهبود ساختار؛
- (ج) بهبود نیروی انسانی؛
- (د) بهبود نظام اطلاع‌رسانی.
- 2- افزایش تولیدات بویژه محصولات و مصنوعات صادراتی به‌منظور دستیابی به سهم مناسبی از بازار جهانی در جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی از طریق:
- (الف) تحقیقات در زمینه قابل‌پذیرش کردن محصولات با توجه به مزیت نسبی آنها؛
- (ب) ارتقاء کیفی مؤسسات و مراکز آموزشی و تحقیقاتی در جهت ارائه خدمات علمی و آموزشی به مؤسسات و دانشجویان سایر کشورها؛
- (ج) گسترش تحقیقات در زمینه افزایش کمی و کیفی محصولات و مصنوعات صادراتی و کاهش هزینه‌های تولید.

- 3- استقرار نظام جامع و توسعه‌یافته اطلاع‌رسانی و خدمات علمی از طریق :
- الف) غنی‌سازی مستمر منابع و مدارک علمی مورد نیاز؛
- ب) جمع‌آوری، سندسازی و اشاعه دستاوردهای مطالعاتی و تحقیقاتی؛
- ج) ایجاد و توسعه کمی و کیفی پایگاه‌های اطلاعاتی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- د) ابداع و پیروی از آخرین فن‌آوری مبادله اطلاعات و تجهیز امکانات لازم در این جهت؛
- ه) ایجاد پژوهشکده اطلاع‌رسانی و خدمات علمی.
- 4- جامع‌نگری و ایجاد نگرش «نظام‌مند» در تحقیقات و بسط فرهنگی کار گروهی از طریق:
- الف) آموزش و فراگیری فرهنگ کار گروهی؛
- ب) ایجاد قانونمندی‌های لازم و نظام‌های پشتیبانی‌کننده؛
- ج) ایجاد انسجام لازم به‌منظور هماهنگی بخش‌های تحقیقاتی، اجرا و ترویج؛
- د) ایجاد زمینه‌های لازم برای تحقیقات کاربردی جامع از طریق تأسیس و تقویت بخش تحقیق و توسعه (R&D)؛
- ه) ایجاد فرهنگ رقابت برای مشارکت بیشتر؛
- و) ایجاد فرهنگ وقف و ارزشی کردن وقف برای توسعه تحقیقات.
- 5- توسعه پایدار و بهره‌برداری اقتصادی از منابع طبیعی و ذخایر ژنتیک و افزایش سهم آنها در تولید، اشتغال، درآمد ملی و امنیت غذایی از طریق:
- الف) شناسایی منابع طبیعی و ذخایر ژنتیک به منظور حفظ و بهره‌برداری مناسب؛
- ب) شناسایی و افزایش تولیدات نهاده‌های جدید دامی و منابع طبیعی با حداقل عوارض جانبی؛
- ج) شناسایی منابع آلاینده زیست‌محیطی و تلاش در جهت تقلیل و کنترل آنها؛
- د) تأکید بر استفاده از قابلیت‌های ذخایر بومی؛
- ه) بهبود مدیریت منابع زیست‌محیطی؛
- و) تلاش در جهت حفظ و توسعه تعادل منابع زیست‌محیطی؛
- ز) غنی‌سازی مستمر منابع زیست‌محیطی.
- 6- ارائه راه‌حلهای اساسی برای از بین بردن نابرابریهای اجتماعی بویژه فقر و محرومیت در مناطق روستایی و عشایری از طریق:

- الف) شناسایی عوامل مؤثر در فقر و محرومیت روستاییان و عشایر؛
- ب) نگرش ویژه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در امور آموزشی و تحقیقاتی؛
- ج) اولویت‌گزینی تحقیقات و آموزش در جهت رفع محرومیت و مشکلات اقشار کم‌درآمد جامعه.
- 7- ارائه و ترویج الگوی مناسب مصرف با تأکید بر تنوع تولید، بهداشت و سلامت عمومی، پرهیز از اسراف و تبذیر به‌منظور دستیابی به خودکفایی از طریق:
- الف) شناسایی الگوهای مصرف و گزینش الگوی مناسب با توجه به منابع ملی و فرهنگ عمومی؛
- ب) گسترش آگاهیهای عمومی نسبت به الگوی مناسب مصرف؛
- ج) بهبود مستمر نظامهای عمل‌آوری.
- 8- ابتکار و نوآوری در ایجاد فرصتهای جدید شغلی در حوزه فعالیتهای جهادسازندگی از طریق:
- الف) شناخت زمینه‌های جدید تولید و اشتغال؛
- ب) سرمایه‌گذاری در زمینه‌های جدید با تأکید بر سرمایه‌گذاریهای کاربر؛
- ج) حمایت از مبتکران و نوآوران؛
- د) گسترش آموزشهای فنی- کاربردی؛
- ه) بازاریابی برای محصولات و مصنوعات داخلی که دارای مزیت نسبی هستند.
- 9- توسعه و ترویج فرهنگ مشارکت همگانی در امر آموزش و تحقیقات از طریق:
- الف) معرفی و تبیین آثار عملی آموزش و تحقیقات در افزایش کمی و کیفی تولیدات؛
- ب) ایجاد سازوکاری برای جلب مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری برای ایجاد دانشگاهها، دانشکده‌ها و مدارس فنی- حرفه‌ای با مشارکت مردم بویژه شاغلان؛
- د) ایجاد فرصتهای تحقیقات کاربردی در مراکز بخش خصوصی؛
- ه) گسترش بخشهای تحقیق و توسعه در مراکز تولیدی و صنعتی خصوصی؛
- و) ایجاد قانونمندیهای لازم برای حمایت همه‌جانبه مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری آنها.
- 10- ارتقای مستمر سطح فن‌آوری و به کارگیری گسترده بیوتکنولوژی در توسعه کمی و کیفی محصولات دامی و منابع طبیعی و فرآورده‌های زیستی از طریق:

- الف) بازنگری مداوم و انتخاب فن‌آوری مناسب با توجه به نیازهای جامعه و توسعه کمی و کیفی آن؛
- ب) توسعه و تقویت ارتباطات علمی و فنی با سایر کشورها و مجامع بین‌المللی و بخصوص کشورهای اسلامی.
- 11- دستیابی مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی به سطح دانش روز و سطوح قابل پذیرش بین‌المللی از طریق؛
- الف) بررسی و مطالعه در خصوص نظامها و روشهای نوین آموزشی و تحقیقاتی در سطح جهان؛
- ب) فراهم کردن زمینه تحقیقات منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای دوره‌های آموزشی مشترک؛
- ج) ایجاد فرصتهای مطالعاتی برای استادان و محققان در جهت نیازهای جامع آموزشی و تحقیقاتی کشور؛
- د) فراهم نمودن زمینه تبادل محقق، استاد و دانشجو با مجامع و محافل علمی- بین‌المللی؛
- ه) فراهم آوردن زمینه برگزاری دوره‌های آموزشی، سمینارهای علمی ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و اعزام متخصصان دارای مقاله به سمینارها و محافل معتبر بین‌المللی؛
- و) فراهم نمودن تسهیلات لازم برای تجهیز مراکز آموزشی و مراکز و مؤسسات تحقیقاتی و انتقال فن‌آوری مناسب.
- 12- آموزش و تجهیز در جهت بهبود هرم نیروی انسانی از طریق:
- الف) نیازسنجی آموزشی بر اساس وضع مطلوب؛
- ب) گسترش دوره‌های کردانی علمی- کاربردی و تحصیلات تکمیلی با توجه به وضع مطلوب؛
- ج) ایجاد کارگاههای آموزشی برای نیروهای کارآمد؛
- د) برنامه‌ریزی برای دوره‌های آموزشی برای ارتقاء دانش فنی نیروی انسانی و تعدیل نیروی پشتیبانی به نیروی تخصصی؛
- ه) ایجاد تشکیلات مناسب رفاهی و آموزشی.
- 13- افزایش دانش فنی و مهارت بهره‌برداران، کارکنان وزارت جهادسازندگی و شاغلان زیر بخشهای تولیدی با تأکید بر آموزشهای علمی- کاربردی از طریق:
- الف) ایجاد ساختار مناسب برای آموزشهای علمی- کاربردی به منظور تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص مورد نیاز برنامه- های توسعه؛

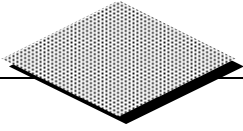
(ب) شناسایی و تدوین حرفه‌ها و مشاغل موجود کشور در امور مربوط به فعالیتهای بخش کشاورزی در حیطه وظایف جهاد؛

(ج) سیاستگذاری برای تدوین برنامه‌های آموزشی بر اساس حرفه‌ها و مشاغل موجود در بخش کشاورزی؛
(د) برنامه‌ریزی تأمین و تربیت مربی و مدرس مورد نیاز آموزشهای علمی-کاربردی؛

(ه) بررسی و مطالعه در خصوص روشهای نوین آموزشهای علمی-کاربردی در بخش به منظور ارتقاء کیفی آموزشها؛

(و) برنامه‌ریزی برای اجرای دوره‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت شاغلان با استفاده از آخرین فن‌آوریهای آموزشی؛

(ز) برنامه‌ریزی برای اجرای آموزشهای از راه دور با استفاده از راههای مختلف.



اهداف کمی برنامه بلندمدت

افق 1400 صنایع روستایی

اهداف کمی برنامه

بلندمدت فرش و صنایع

دستی روستایی

اهداف کمی بلندمدت فرش

دستباف روستایی

برای برآورد میزان اشتغال، تولید و صادرات فرش دستباف در 25 سال آینده، ضروری است که اول به‌میزان صادرات و فروش فرش در سال 1400 توجه شود. چرا که، تداوم کار قالیبافی و رونق آن در هر حال منوط به وجود بازار فروش و صادرات آن خواهد بود.

بررسی وضعیت فروش
فروش در بازارهای جهانی در
20 سال گذشته، بهترین معیار
و میزان رشد را برای آینده
ترسیم خواهد کرد.

در سال 1354 میزان
تجارت جهانی فرش برابر
350/201 میلیون دلار بوده
است در حالی که این میزان
در سال 1372 به رقم 016/
2444 میلیون دلار افزایش
یافته است. این افزایش رشدی
معادل 700 درصد را طی 20
سال نشان می‌دهد.

اگر این میزان رشد
به‌عنوان معیار توسعه تجارت
جهانی فرش در 25 سال آتی
قرار گیرد، پیش‌بینی می‌شود
که در سال 1400 ارزش
تجارت جهانی فرش بالغ بر
17/5 میلیارد دلار گردد.

سهام ایران از تجارت
جهانی فرش در 20 سال
گذشته به‌طور متوسط برابر
30 درصد بوده است. اگر این

سهم در سالهای آتی نیز
همچنان حفظ شود (با توجه
به اینکه در سالهای آتی
رقبای قدرتمندتری نسبت به
گذشته در بازارهای جهانی
خواهیم داشت) میزان
صادرات فرش ایران در سال
1400 معادل 5/25 میلیارد
دلار خواهد بود.

با فرض 40 درصد رشد
در قیمت هر مترمربع فرش
و 40 درصد افزایش تولید
سالیانه هر قالیباف، تعداد
قالیبافان کشور در سال
1400 معادل 4 میلیون نفر
خواهند بود.

پیش‌بینی می‌شود که از
این تعداد 2/5 میلیون نفر در
روستاها و 1/5 میلیون نفر
در شهرها مشغول به کار
قالیبافی باشند. در این
صورت، ارزش تولیدات
قالیبافان روستایی برابر
10/395 میلیارد ریال و
ارزش تولیدات قالیبافان

شهری برابر 6300 میلیارد
ریال خواهد بود. لازم به
توضیح است که در محاسبه
ارزش تولیدات، 10 درصد
به‌عنوان ارزش مصارف
داخلی فرش در نظر گرفته
شده و به ارزش فرشهای
صادراتی افزوده شده است.

نتایج حاصل از این
برآورد، میزان رشد سالیانه
صادرات فرش دستباف
کشور را 7 درصد نشان می‌دهد.

**اهداف کمی بلندمدت در
صنایع دستی روستایی**

از میزان تولید و صادرات
دستی غیر فرش آمار دقیقی
در دسترس نیست. اما با
در نظر گرفتن میزان صادرات
رسمی صنایع دستی در سال
1373 و با فرض این که
معادل همین رقم نیز فروش
داخلی و سوغات خارج از
کشور (که همراه مسافر برده

می‌شود)) بوده باشد، حجم کل تولیدات گلیم و جاجیم فعلی کشور برابر 2300 تن و سایر صنایع دستی برابر 2900 تن است. ارزش صادراتی این تولیدات حدود 30 میلیون دلار برآورد می‌شود. با احتساب 10 درصد رشد سالیانه برای تولید و صادرات صنایع دستی، در سال 1400 ارزش صادراتی تولیدات صنایع دستی به رقم 324 میلیون دلار خواهد رسید. در صورتی که رشد ارزش تولید سرانه هر کارگاه صنایع دستی را به لحاظ ارتقاء کیفیت و اصلاح ابزارهای تولید و فن‌آوری به حدود 500 درصد برسانیم، جمعیت شاغل در صنایع دستی کشور در سال 1400 معادل 356 هزار نفر خواهد بود.

اعم اهداف و سیاستهای کمی صنایع دستی عبارتند از: 1- ارتقاء کیفیت فرش دستباف ایران و افزایش افزودن آن از طریق: - حمایت از عوامل تولید بخصوص بافندگان فرش در زمینه‌های آموزشی، نظارتی و تأمین اعتبارات بانکی؛ - انجام دادن تحقیقات و مطالعات در همه زمینه‌های صنعت فرش دستباف؛ - ایجاد نظام اطلاع‌رسانی برای صنعت فرش؛ - توسعه آموزش عالی در صنعت فرش دستباف. 2- تحول در ساختار و نظام سنتی تولید و تجارت فرش از طریق: - سازماندهی تولیدکنندگان و صادرکنندگان فرش؛ - تشکیل شرکتهای مشاوره‌ای، بازاریابی و

تبلیغاتی در زمینه‌های تولید و صادرات فرش. 3- ایجاد اشتغال جدید در تولید فرش و صنایع جنبی آن از طریق: - تهیه و تأمین ابزار و مواد اولیه برای تولید فرش و آموزش بافندگان و نظارت بر امر تولید فرش. 4- توسعه صادرات فرش دستباف از طریق: - حمایت از صادرکنندگان با تأمین اعتبارات و ضمانتهای بانکی و ...؛ - حمایت از شرکتهای مشاوره‌ای، ارزیابی و تبلیغاتی در زمینه صادرات فرش.

پیش بینی وضعیت فرش دستباف در افق سال 1400

شرح نوع کارگاه	میزان صادرات (میلیارد دلار)	میزان ارزش تولیدات (میلیارد دلار)	میزان اشتغال (میلیون نفر)	اشتغال جدید (میلیون نفر)
کارگاههای روستایی	3/15	10395	2/5	1
کارگاههای شهری	2/10	6300	1/5	0/5
جمع کل	5/25	16695	4	1/5

پیش بینی وضعیت صنایع دستی روستایی در افق سال 1400

میزان صادرات (میلیون دلار)	ارزش تولیدات (میلیارد ریال)	میزان اشتغال (نفر)	اشتغال جدید (نفر)
324	972	356000	191000

- اهداف کیفی و سیاستهای اجرایی برنامه‌های میان مدت صنایع کوچک و تبدیلی روستایی
- 1- ایجاد و توسعه صنایع روستایی (تبدیلی و کوچک) از طریق
- الف) صدور مجوزهای صنعتی برای ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی؛
- ب) اعطای تسهیلات بانکی؛
- ج) استفاده از سایر امکانات از طریق:
- اطلاع‌رسانی صنعتی و بازرگانی.
- ج) اولویت بخشیدن به تکمیل طرحهای نیمه تمام.
- 2- حفظ اشتغال موجود و نیز ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی.
- الف) ارائه خدمات فنی و مهندسی و مشاوره‌ای به طرحهای تولیدی؛
- ب) اعطای تسهیلات بانکی.
- 3- جذب سرمایه مردمی و استفاده از سایر امکانات از طریق:
- اطلاع‌رسانی صنعتی و بازرگانی.
- الف) تهیه و تدوین طرحها و لوایح و نیز تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات، در ارتباط با ارائه تسهیلات ویژه سرمایه‌گذاری؛
- ب) فراهم آوردن زیربنایی برای ایجاد و توسعه صنایع روستایی و نیز اعطای تسهیلات بانکی با کارمزد مناسب؛
- ج) ایجاد مراکز اطلاع‌رسانی صنعتی و بازرگانی.

4- افزایش میزان صادرات تولیدات صنایع روستایی از طریق:

الف) ایجاد سیستمهای کنترل کیفیت در واحدهای تولیدی؛

ب) کمک به ایجاد و گسترش صندوق توسعه صادرات صنایع روستایی؛

ج) ارتقاء کمی و کیفی بسته بندی محصولات تولیدی؛

د) تهیه و تدوین مقررات ویژه برای ایجاد تسهیلات لازم به منظور صادرات محصولات صنایع روستایی؛

ه) شناسایی و تقویت واحدهای صنایع روستایی که دارای مزیت های نسبی در صادرات غیرنفتی هستند؛

و) فراهم ساختن زمینه های لازم به منظور شرکت واحدهای تولیدی صنایع روستایی در نمایشگاههای داخلی و خارجی.

5- بهره گیری از روشها و فنون (تکنولوژی) مناسب و غیرمخرب محیط زیست از طریق:

الف) انجام دادن مطالعات لازم در ارتباط با مکانیابی استقرار واحدهای صنایع روستایی؛

ب) تأکید بر تعبیه سیستمهای غیرآلاینده و استفاده از مواد، ابزار و تأسیسات کاهنده آلودگیها در طرحهای صنایع روستایی.

6- هدایت واحدهای تولیدی برای استقرار در نواحی و مجتمعهای صنعتی از طریق:

الف) ایجاد و گسترش نواحی و مجتمعهای صنعتی در مناطق مستعد روستایی؛

ب) اولویت صدور مجوزهای صنعتی برای واحدهای تولیدی که در نواحی و مجتمعهای صنعتی روستایی استقرار می یابند؛

ج) اولویت در ارائه اعتبارات و تسهیلات ویژه به واحدهای تولیدی مستقر در مجتمعها و نواحی صنعتی روستایی.

7- ارتقاء مهارتها و دانش فنی صنعتگران روستایی از طریق:

الف) برگزاری دوره های آموزشی مورد نیاز شاغلان در واحدهای صنایع روستایی؛

ب) ارائه خدمات فنی و مهندسی و مشاوره ای به واحدهای صنایع روستایی؛

ج) ایجاد مراکز تحقیق و توسعه در واحدهای صنایع روستایی.

8- ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی از طریق:

الف) ایجاد سیستمهای کنترل کیفیت در واحدهای تولیدی صنایع روستایی؛

- (ب) به‌کارگیری مواد اولیه و بسته‌بندی مناسب در واحدهای تولیدی صنایع روستایی؛
- (ج) اتخاذ سیاستهای حمایتی و تشویقی به منظور رعایت سطوح قابل پذیرش لازم.
- 9- زنجیره‌ای کردن تولیدات صنایع روستایی از طریق:
- (الف) شناخت توانمندیها و نیازهای واحدهای صنایع روستایی؛
- (ب) برقراری ارتباط بین واحدهای مزبور برای تأمین نیازهای این واحدها.
- 10- سازماندهی تولیدکنندگان از طریق:
- (الف) تشکیل تشکلهای صنعتی، تولیدی و بازرگانی؛
- (ب) هدایت واحدهای تولیدی برای افزایش و ارتقاء کیفیت در تولید؛
- (ج) طراحی سیستم متمرکز مناسب برای تهیه و توزیع مواد اولیه، تجهیزات و محصولات تولیدی؛
- (د) ارائه آموزشهای تخصصی و عمومی برای ایجاد تشکلهای مزبور.
- اهداف کمی برنامه‌های میان‌مدت صنایع روستایی**
- اهداف کمی برنامه‌های میان‌مدت صنعت فرش دستباف و صنایع دستی روستایی
- اهداف کمی میان‌مدت صنعت فرش دستباف
- به‌منظور نیل به اهداف بلندمدت، اجرای 5 برنامه میان‌مدت ضروری خواهد بود. در این برنامه‌های پنجساله، ضریب رشد 7 درصد در سال اعمال شده و در نتیجه آهنگ توسعه این صنعت با شتاب یکنواختی همراه خواهد بود.
- اهداف کمی میان مدت صنایع دستی درخصوص صنایع دستی روستایی غیر فرش، 5 برنامه میان مدت پنجساله تعریف می‌شود. وضعیت صادرات، ارزش تولیدات و میزان اشتغال در این برنامه‌ها در جدول زیر نشان داده شده است.

اهداف کمی برنامه بلند مدت صنایع کوچک و تبدیلی روستایی

شاخص	واحد	هدف	مبانی
اشتغال	نفر	800000	- جمعیت روستایی - اشتغال مورد نیاز روستاییان - سهم بخش صنعت در ایجاد اشتغال - توانمندیهای صنایع روستایی در ایجاد اشتغال
ارزش تولیدات	میلیارد ریال	2500	- متوسط ارزش تولیدات هر واحد تولیدی صنایع روستایی (کوچک و تبدیلی) - تعداد واحدهای تولیدی که در آن آفق به بهره برداری می رسد
صادرات	میلیارد دلار	3	- وضعیت صادرات فعلی - تولیدات ناخالص صنایع روستایی در آفق 1400 - پیش بینی ضریب رشد 10 درصد سالانه
متوسط رشد سالانه	درصد	5/2	- آمار و اطلاعات کینه تولیدات صنعت و معدن مستقر در وزارت صنایع - بهره‌وری نیروی انسانی بر اساس فرمول نسبت ارزش افزوده به اشتغال محاسبه شده است
بهره وری نیروی انسانی			- بهره وری نیروی انسانی فعلی - بالا رفتن ارزش تولیدات واحدهای صنعتی از طریق رشد کمی و کیفی کارگاههای دارای مجوز و کارت شناسایی

اهداف کمی برنامه‌های میان مدت صنایع کوچک و تبدیلی روستایی	مبانی محاسباتی مربوط به برآورد هر یک از اهداف کمی به شرح موارد زیر است:	3- متوسط نیروی انسانی شاغل در واحدهای تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری 22 نفر و کارت شناسایی 4 نفر؛
به منظور نیل به اهداف بلندمدت در زمینه صنایع کوچک و تبدیلی روستایی نیز اجرای 5 برنامه میان مدت ضروری خواهد بود. لازم به ذکر است ضریب رشد ارزش تولیدات این بخش، حدود 12 درصد در نظر گرفته شده است.	1- تعداد 33 هزار واحد تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری در آفق سال 1400؛	4- کل شاغلان در واحدهای تولیدی دارای مجوز پروانه بهره‌برداری و کارت شناسایی 905 هزار نفر است.
	2- تعداد 50 هزار واحد تولیدی دارای مجوز کارت شناسایی در آفق سال 1400؛	لازم به یادآوری است که 800 هزار شغل جدید طی

صادرات	برنامه 25 ساله (افق سال 1400) ایجاد خواهد شد.
1- میزان صادرات سال 1375 صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک) مبلغ 70 میلیون دلار بود.	ارزش تولیدات
2- با توجه به توانمندیهای موجود صادراتی در واحدهای تولیدی در برنامه میان مدت اول، میزان رشد صادرات 42 درصد و در برنامه های میان مدت بعدی به ترتیب 12، 11، 10/5 و 10 درصد در نظر گرفته شده است.	1- ارزش تولیدات هر واحد تولیدی دارای مجوز پروانه بهره برداری بر پایه سال 1375 قریب به 260 میلیون ریال است.
	2- ارزش تولیدات هر واحد تولیدی دارای کارت شناسایی بر پایه سال 1375 قریب به 18/2 میلیون ریال است.
	3- تعداد واحدهای تولیدی دارای مجوز پروانه بهره برداری طی برنامه های میان مدت پنجساله به ترتیب 9690، 15640، 22280 و 33300 واحد است.
	4- تعداد واحدهای تولیدی دارای کارت شناسایی طی برنامه میان مدت پنجساله به ترتیب 50000، 41750، 50000 و 50000 واحد است.

* این گزارش، در تاریخ

1376/5/18 در اختیار دفتر

فصلنامه رهیافت قرار داده شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اهداف کمی میان مدت صنعت فرش دستباف

انتهای برنامه سال 1400			انتهای برنامه چهارم سال 1395			انتهای برنامه سوم سال 1390			انتهای برنامه دوم سال 1385			انتهای برنامه اول سال 1380			سال
جمع	شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی	جمع	شهری	روستایی	عنوان هدف
5/25	2/10	3/15	3/87	1/55	2/32	2/76	1/10	1/66	1/96	0/78	1/18	1/4	0/56	0/84	میزان صادرات (میلیارد ریال)
16695	6300	10395	12771	5115	7656	9108	3630	5478	6468	2574	3894	4368	1848	2520	ارزش تولیدات (میلیارد ریال)
4	1/5	2/5	3/7	1/4	2/3	3/4	1/3	2/1	3/1	1/2	1/9	2/8	1/1	1/7	اشتغال (میلیون نفر)

اهداف کمی میان مدت صنایع دستی

سال 1400	سال 1395	سال 1390	سال 1385	سال 1380	سال	عنوان هدف
324	202	125	77/8	48		میزان صادرات (میلیون دلار)
972	606	375	233/4	144		ارزش تولیدات (میلیارد ریال)
356	317/8	279/6	241/4	203/2		اشتغال (هزار نفر)

اهداف کمی میان مدت صنایع روستایی (تبدیلی، کوچک)

انتهای برنامه پنجم سال 1400	انتهای برنامه چهارم سال 1395	انتهای برنامه سوم سال 1390	انتهای برنامه دوم سال 1385	انتهای برنامه اول سال 1380	سال	عنوان هدف
905000	770000	590000	420000	260000		اشتغال (نفر)
25000	18040	11830	7220	3900		ارزش تولیدات (میلیارد ریال)
3000	1900	1200	700	400		صادرات (میلیون دلار)
در طول برنامه رشد بهره وری نیروی انسانی بطور میانگین 5/2 درصد پیش بینی می شود.						رشد بهره وری نیروی انسانی